

امیرالبحر موصوف بنخواهد که در آبناهای اندوچینا توقف نماید دولت فرانسه او را حالت خواهد نمود

§ روزنامه (مارنگ پست) مینویسد - سکه در انگلستان بخاطر احدی بطور نمیکند که دولت انگلیس بخلاف عهدنامه واپون حرکت نماید و پای بندی بنمود او نکند - ولی این نکته را باید دانست که امنیت عمومی برقرار نماید مگر آنکه دولتین انگلیس و فرانس ازمدد رفتاری خود دست بکشند اهالی انگلیس بر (فرانسه) در تعبد و پای بندی بشرايط بیطرفی عهدکلی دارند

§ در دارالفورای ملی انگلستان مستر (بفور) بجواب سزالی اظهار داشت سکه از دولت فرانسه به ایدان چنین اطلاع رسیده

همینکه امیرالبحر (روزبونیسی) به (کامران) رسید بدین عنوان اطلاع به (پترسبرگ) داده شد که جهازات بالتیک به کامران آمدهاند - امیرالبحر حضرت امپراطور بمجرد استماع این خبر تلگرافاً به امیرالبحر موصوف امر کرد که فوراً خلیج (کامران) را بگذارد - معلوم شد که امیرالبحر روس قبل از یافتن این خبر چند فرسخ دور از خلیج (هان کوهی) لنگر انداخته بود - امیرالبحر (جان کوراس) در قفس رفت و امیرالبحر (روزبونیسی) را بیرون حدود بحری (اندوچینا) که او را هدایت شده بود دید که حفظ شروط بیطرفی را ملاحظه نمود - معاذک فرانسه مأوود مخصوص در (کارتان) فرستاد تا امیرالبحر روس را بگوید سکه از خلیج بیرون رود - و امیرالبحر مزبور وعده کرد که تاریخ سوم از آنجا لنگر بردارد

درماده رپورتیکه انشار یافته که مأمورین فرانسه در خلیج (کامران) همراهی با روس میکنند - خبریکه به ایدان رسیده این است که فقط دو فرانسویان آنجا بودند و هیچیک از آنان بخدمات دولتی ممتاز نبود ولی اجازه از حکومت فرانسه در همراهی بجهازات بالتیک داشتهاند

§ وقایع نگاران جراید روسی در (منچوریا) متفق الکلمه میگویند که واپونیان آمده است پیش قدمی میکنند و گویا پرده بر حرکات قشون خود چنان افکنده که سواران روس نمیتوانند فهمند که از پس

پرده چه خواهد برآمد

§ روزنامه مذهبی (بران) تطبیقاً امیرالبحر حضرت امپراطور (آلمان) در حین مرخصی عساکر بحری که موعده خدمتشان سرآمده دادهاند خیلی غریب است - امیرالبحر حضرت معظم بیان نموده که من خوف دارم از وضع بدینی که در قشون من سرایت کرده و منتظرم سکه از آن حرکات آنان دبری نگذرد عذابی سحت آنان را نازل شود مثل عذابیکه بر لشکریان روس از قشون واپون نازل گردیده دچار زحمت و اذیت شدهاند گویا آنان ناز (نابلون) یا (اتیان) هستند که از طرف خدا برای انتقام فرستاده شده بودند

(۴ ربيع الاول - ۱۰ می)

§ بموجب تلگرافیکه از (کارتانگ) رسیده امیرالبحر (روزبونیسی) تا چند بوم در خلیج (بنفانگ) توقف و با همه جهازات خود بتاریخ نهم حرکت کردند

§ بموجب تلگرافیکه از (ساگون) رسیده در آبناهای سکه از حدود بیطرفی خارج است جهازات امیرالبحر (توفاروف) با جهازات امیرالبحر (روزبونیسی) ملاقی شدند

§ دوا - روس در تبدیل شفا خانه های خود از (هاربن) به (تراس بکالا) آمادگی ظاهر می کند - چه روسیان را عقیده این است که عنقریب وقتی خواهد رسید که ضرورت این امر ما را داعی خواهد شد که (هاربن) را تخلیه کنیم

§ یکی از اجله اهالی (توکبو) با یکی از فرانسه ها (مسیو بوگن) و پسرش و یک نفر انگلیس با وضع غریب به الزامات جاسوسانه در (توکبو) گرفتار شده اند

(۵ ربيع الاول - ۱۱ می)

§ درباره ملحق شدن دسته جهازات امیرالبحر (توفاروف) با دسته جهازات امیرالبحر (روزبونیسی) اخبار صحیحی به (پترسبرگ) نرسیده

§ مستر (تارف) که یکی از اعضای وزارت خارجه روس است در حین صحبت با خبر (روتز) چنین بیان کرد - که اگر تحریف امری از امور و شرطی از شروط قواعد بیطرفی را به اصرار دولتین انگلیس و واپون بر دولت فرانس ثابت شود مخالف با قوانین دوستی شمرده خواهد شد -

شماره ۴۳۲۶ ۱ ربيع الاول (۱۳۱۳) - شماره ۱۵ (۱۹۹۵) سنه ۱۳۱۳

§ جنگی که در (مجنار) واقع شده حالاً این منجلا معلوم نیست - ولی بموجب تلگرافی عمرانه که به (پترسبرگ) رسیده یکصد و بیست نفر مقتول و مجروح شده اند بر قشون ساحلوی (در آگون) سه رزمان و یک توپخانه افزوده اند تا سه روز شهر مشغوش بود در شوارع عام مکاتب منهدم و مخروبه منظره هوائی پیدا نموده بود

§ در دارالشورای ملی انگلیس درباره استحقاقات هند مستر (بلفور) صدراعظم دولت مشارالیه نطقی باین داده و ضمناً بیان نموده که این امر خارج از امکان معلوم می شود که بر جزیره انگلستان حمله شود چه جہازات و شش شکر و کشتیهای جنگی ما بسیار و استحقاقات نیز کامل است - مستر مژبوررا عقیده این است که اگر دولت روس را در حالت امنیت توسیع راه آهن - در افغانستان بشود قوای بری انگلستان قابل آن نیست که بفر از یاد قشون بری بشوند قوه خود را کاملاً در مشرق یا در نوآبادیهای دیگر نگاهداری کند - مستر بلفور بیان کرد که استحقاقات هند ولوازم حل قشون و سپورسات ماکامی نیست - در آن صورت اگر حکومت هند بخواهد همان قسم که روس راه آهن به لطائف الحلیل در افغانستان ساخته بسازد صدمه عظیم بر قلب هند خواهد رسید و اسباب تعدی شمرده خواهد شد و اگر سهواً با چین و نامردی راضی شویم که افغانستان یا خوانین آسیای وسطی آهسته آهسته فانی شوند در آن حال دولت انگلیس بر تناسل و تسامع خود باید بگریزد و لابداً نگاهداری قشون زائد از قیاس داعی خواهد شد - ضمناً مجوزات لارد (بکنر) سپهسالار هند را بیان نمود که در سال اولیکه اعلان جنگ در هند داده بشود قطع نظر از توبه کامل هشت دسته قشون کک لازم خواهد شد که باید مهیا داشته باشیم هیئت که برای نگرانی استحقاقات شاهنشاهی انگلیس معین شده همه قبول کرده اند که برای حفظ بندرگاه های تجارتی انگلستان نقبهای دریائی چندین سودمند نیست - مستر (بلفور) گفت که درباره عمل نقبهای دریائی بحث در حوضه رجال دولت خواهد شد

§ (سرهنری کبل - بنرمن) از تقریر مستر (بلفور) خیل امان ظاهر کرده گفت که لژین بیانات خیل

مشکلات دفع شد و مسائل لاینحل حل گردید :
(۶ ربيع الاول - ۱۲ می)

§ سپهسالار روس (جنرال لیتویچ) اطلاع برده که بتاريخ یازدهم ژانویسان بحساب بین اردوی ما شروع به پیشقدمی نموده آنها را عقب نشانیدیم

§ برای جلب قلوب دهستانان دولت روس نقشه کشیده اعلان داده است که دو بیست و پنج میلیون ایگر اراضی خالصه دولت را دهقان با کمال سهولت میتوانند حاصل نمایند

§ بموجب تلگرافیکه از طهران رسیده حکمیسبون فیصله رود (هریمنده) که بریاست (کرنل مکموهن) بود انجام کارهای خود را داده عنقریب بحساب هند رهسپار خواهد گردید

§ سفیر کوریا (مسیوپاستگ) در سفارت خانه خود بقتل خویش مبادرت کرده است

§ در دارالشورای ملی (لارد پرسی) در جواب سؤالی بیان نمود که دولت انگلیس از تبحر خود در چین استفسار نموده که آیا دولت چین در ماده معاهده تجارتی (ماکه) چه اراده ظاهر نموده است
(۷ ربيع الاول - ۱۲ می)

§ از پترسبرگ تلگرافی رسیده از آن ظاهر می شود که ابدان تغییر و تبدیل در مقاطعیکه بر طرف از جنگ بوده واقع نشده است

§ چنان معلوم می شود که دولت فرانسه تا کنون در اعتراضات روسی ژاپون به نگاهداری شرایط بر طرفی جنگ رسماً هیچگونه اقدامی ننموده است عقیده جمعی بر این است که فرانسه از حرکت خود که مبنی بر طرفنداری روس است باز نخواهد آمد هنوز آهسته آهسته جہازات روس را آذوقه و ذغال می رساند - این عمل اگر دشمنی با ژاپون را نشان دهد دوستی با روس را ظاهر مینماید

§ دولت فرانسه در باره گرفتاری (مسیو بوکن) رسماً با دولت ژاپون در (توکیو) مخابره نموده اگر ژاپون تقصیر و جرم ثابت نکند سفیر فرانس سخت اعتراض خواهد کرد

§ (دکامی) وزیر خارجه فرانسه دیروز با سفیر ژاپون مقیم پاریس نیم ساعت تکیه نموده بحث داشته اند

«جبل اللین کلایه»

«دیپلومی کالج اترت نمبر»

«کلیه امور اداره با»

«مدیر کل مؤید الاسلام است»

«متنظم اداره»

«آقا محمدجواد شیرازی است»

«هر دو شنبه طبع»

«و سه شنبه توزیع میشود»

«بتاریخ دو شنبه»

«۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۳»

«مصادف با»

«از هر کس و هر جا بلا استثناء اجاره»

(مقدم گرفته میشود)

«روزنامه مقدس»



جبل اللین

«سنة ۱۳۱۱»

«قبل از دریافت نمودن قبض اداره»

«قیمت اشتراك»

«سالانه — شش ماهه»

«هند — و برمه»

«۱۲ روپیه — ۷ روپیه»

«ایران و افغانستان»

«۴۰ قران — ۲۵ قران»

«عثمانی — و مصر»

«۵ مجیدی — ۳ مجیدی»

«اروپا — و چین»

«۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک»

«روس و ترکستان»

«۱۰ منات — ۶ منات»

«۲۲ می ۱۹۰۵ میلادی (مخبردار نباید قیمت اخبار را باحدی تسامح نماید)»

«در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود»

«چنانچه مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست»

فهرست مندرجات

- سیاسی • مکتوب از خراسان • بمبئی • سورت
- خطابه • جواب ویرمقیم • خطابه زردشتیان بمبئی
- مکتوب از گنجه • مکتوب از نژی • شیراز
- مکتوب از کرمان • مکتوب یکی از موثقین کرمان
- حمایت اسلامی و غیرت وطنی • مکتوب از ولادقفقار
- قاعبنرو یا اولابصار • عبرت الاساطیرین • مکتوب
- شکست انگیز • مکتوب از سمنان • مأمور انگلیس
- درم • استفسار • مکتوب از علیگده • وزیر مختار
- دولت ایران در لاهی • جبل اللین • مکتوب عراق
- عرب • شوستر • تلگرافات

سیاسی

سرمنشی (روزبونیسی) امیرالبحر روس و الزامات ژاپون به فرانس نزدیک است رشته امنیت عمومی را منضم سازد - از ابتدای جنگ عقیده بسیاری از سیاستپون این بوده و هست که دولت روس هر تدبیر تواند جنگ اقصای شرق را عمومی خواهد نمود - تا مثل خود دول دیگر را نیز برزحات جنگ مبتلا و بسدمات آن دچار گردانده بدینوسیله دول اروپا را به اندازه ضعف حاصل و تا درجه اعتدال در قوای دول برقرار مانده بجهت کبر خطرات و نقصات او هم شده

باشد - ولی دو اتین فرانس و انگلیس که موضوع این اراده و توجه روس بدین دو پیش از سایرین است تاکنون با کمال هوشیاری خود را از شرک درین جنگ محفوظ داشته اند - اقدامات سرمدیه اخیر که دولت روس درین مقصود نموده هرگاه در آغاز جنگ می نمود بعید نبود کارگر شود - ولی اینک که رعب و هیبت روس در انظار خارجه و داخله - خودی و بیگانه شکست و مسخمل شده بلکه منضم گردیده گمان فیروود تدابیرش اثرات اولیه را به بخند

اعتراضات ژاپون در توقف جہازات (بالتیک) بسواحل (اندوچینا) و رجوع دولت مشاورانها بدولت انگلیس که معاهده با اوست و اعتراضات انگلیس فرانس واجوبه فرانس در استقامت خود به بیطرفی جنگ از اخبارات سابقه معلوم است - تاکنون روسها اقدامات خود را شصتگنده قوانین بی طرفی جلوه نداده بودند - اینک که ژاپون را اعتراضات شدید شده و انگلیس هم به تأیید او گمر بسته و فرانس نیز رسماً تعرض بر حرکات غیر مشروع امیرالبحر (روزبونیسی) نموده - از ادارات رسیده (پتر-برگ) چنین زمره اشاعت یافته که جہازات (بالتیک) را حق عبور و قیام در سواحل (اندوچینا) هست - و این موجه تصرفاتیک امیرالبحر

مقدمه جنگ با فرانسه بود. نهایتاً بزرگه مصلحتی حال خود ندیده سکونت اختیار نموده هرگاه فرانسه اعتراض کرده سخت ایستاده بود آلمان آماده نرم کردن بجهت از تو با او می شد.

این نکته بر ارباب سیاست بوعید نیست که اگر اتحاد روس با فرانس طامع نبود دولت آلمان فرانسویان را بدین آوردگی و آسایش نمیگذاردند - چه هنوز آلمانیان بر خطی که پرنس بهارک در فرانسه کشیده حرکت مینمایند - و این نیز مسلم است که اگر یکنه فرانسه با آلمان به پیچید مضمحل خواهد گردید - آلمان در صورت جنگ چه بجهت غلبه بر فرانس دارد و در حقیقت منتظر فرصت بوده و هست.

این است که از ساطعی دراز آلمان با منتهای تدبیر در اتحاد با روس قدم میزند - منقاً این اتحاد همانا انحراف روس از همراهی فرانس است - فرانسه چون این نکته را دالت و حرکات متحده آلمان را با روس مشاهده می کند و در (مراکو) نیز جسارت او را دال بر این امر دالت - ممکن است که در برده اقرار بجهت روس ولو آنکه منجر بشرکت در جنگ هم بشود نموده باشد.

مشکل اینجا است که دولت فرانسه بهرجهت که توجه میکند دچار قصاصات عظیم خواهد شد چه اگر ترک اتحاد با روس گردید و بخندوند و سختی جهازات (بالتیک) را از سواحل (اندوچینا) و بنادر خلیج فارس خارج باید لامحالہ روس و آلمان متحد شده اتحاد این دو دولت در آسیه برای فرانس زاید بر آنچه تصور شود مصر خواهد بود - ولو اینکه با انگلیس هرگونه متحد و متفق باشد - چه میداند انگلیسان قسمی بدون ملاحظه وضع خویش بر نمی دارند - و هرگاه با روس اتحاد نموده خویش را شریک جنگ نماید باید با انگلیس از در مخاصمه درآید - و خویشتن را دالت بدین قصاص عظیم ندارد و طاقت هم در این میدان خساره دیده و هم در مقابل مصم خویش سکه آلمان است ضعیف کرده - درین صورت فرانسه هر چه را ملاحظه میکند خویشتن را دچار زحمت و خسارات حایه و مایه می بیند - با این همه گمان نمیرود که فرانسویان رضا داده خویشتن را دچار مهالك این جنگ سازند.

خیالات (روزبونیسی) امیرالبحر روسی در تامل از حرکات بجانب مقصود دال است بر اینکه رعب ژاپونیان لورا گرفته نهد ستیز دارد و نه بای گریز چه ژاپونیان از یک طرف در راه آلمان تا برسد (لادپوستک) دربار از - بمهای سختی و سرنگهای دریایی یک قطعه آتش ساخته - از طرف سوئیک در کین

(روزبونیسی) در (اندوچینا) نموده مطابق قوانین فرانسه بر طرف او را از جنگ ماطل و باطل نمیسازد از طرف دیگر چون فرانسویان به (پرسرگ) با کمال شدت خساره صکاره و دولت روس با اشارات بلاتیک امیرالبحر (روزبونیسی) را منع از حرکات غیر مشروعه نموده امیرالبحر موصوف با منتهای بی باکی و کمال بی اعتنائی جواب داد - که من آنچه و نظیفه خود میدهم و خیر خویش را می بینم عمل خواهم نمود - و ابد با ما ندارم که فرانس تحت مواخذة ژاپون آید - با انگلیس چه بود بشرکت جنگ ژاپون شود - این تکراف رسمی نیست قطع منجر (وژ) اشاعه داده - ازین رو گمان نمیرود که امیرالبحر چنین سخن رسانه گوید - ولی قرائن افعال او دال بر این اقوال بوده و میباشد.

واضح است که دولت ژاپون با آن هوشیاری و استعداد بدین سخنان سبک مغزانه ساکت نه نشسته آرام نخواهد گرفت - و دولت انگلیس را در جلو گیری فرانسه مجبور خواهد ساخت - حرکات امیرالبحر (روزبونیسی) از ابتدائی که بسواحل (اندوچینا) آمده دال است بر اینکه ابد مائل بخرج ازین مأمن نیست - چه در هر مورد که بر او سخت گرفته چند میلی خارج شده باز بدانجا یا جای دیگر باز گشت نرده است.

برخی را عقیده این است که هرگاه روس با فرانسه مواضع نهاده - که چون انگلیس و ژاپون بر ی اعتراض کنند - بطریق جنگ زرگری بر حرکات روسیسان تعرض آید - اگر چنین باشد گویا روس فرانسه را بشرکت در جنگ راضی کرده - چه مسلم است ژاپون بدین سخنان سکوت اختیار نه باید - و انگلیس را مجبورا بدفع فرانس بر انگیزد - درین صورت جنگ اقصای شرق محتمل است دیالوش تا اقصای غرب بکشد.

دولت فرانسه اگر چه با دولت انگلیس بتازگی عهد مواخی بسته و اصول اتحادی قائم نموده - ولی از دوستی انگلیس آن که ملی بر اعتراض شخصی است در امور آسیه خود مطمئن نیست - و یقین دارد اگر رقیب او که آلمان است روزی بروی نازد دولت انگلیس بملاحظه دوستی با او همراهی نخواهد کرد - و خویشتن را بخساره نخواهد اداخت - آن مسئله دیگر است که اگر اقدامات آلمان عمل منافع انگلیس باشد با اعتراض برخیزد.

استنکاف فرانسه از ادای قرضه اخیره بروسی و نهادش با انگلیس سبب گردید که اتحاد باطنی روس با آلمان ظاهر و فورا اقدامات جسورانه آلمان در (مراکو) نمود و کرده - در حقیقت اقدامات آلمان در (مراکو)

سواحل غیر آزاد بر آنها حمله نموده جنگ در اهواز در صورت شکست جہازات بالتیک و پناه دادن فرانسه آن جہازات را - آیا ژاپون بر آن سواحل نیز حمله خواهد نمود یا نه نمیتوان رای داد؟ چرا که ژاپون اتمام صحبت بروسی و فرانس نموده و دول سائره را نیز شامد بر مدعی خویش گرفته است

از آغاز جنگ طمانه ارباب سیاست را عقیده این بود که جہازات بالتیک محض مقرر ژاپون حرکت کرده تا سخت گیری در شرایط صلح نماید - اندک اندک گردن گیرستان شده خود را تا سواحل (اندوچینا) رسانیدند - ولی این تدابیر ژاپونیان سر سخت را اہما بخارج نرفت - حرکات امیرالبحر (روزوبونسکی) هنوز این عقیده را قوت میدهد و چنان تصور میکنند که هرگاه در حال اجبار جنگ هم بشود در دریای (اندوچینا) خواهد شد - دستہ چهارم جہازات (بالتیک) نیز در راه آینده حرکت خواهد نمود - البته قبل از رسیدن آن دستہ جنگ بھری اقصای شرق خاتمه خواهد پذیرفت

از جنگ بری خبر تازه نرسیده جز اینکه روسیان چهارخانه ہی خود را از (هارین) بداخله قتل داده این امر دال است که سرداران روس را اطمینان کامل در نگاهداری (هارین) نیست - و قبل از وقت محض سهولت یوم التفرار برار آرا بداخله حرکت داده اند - قشون ژاپون قرب (هارین) رسیده عنقریب جنگ (هارین) آغاز خواهد شد - ژاپونیان هر نقطه را که تصرف می نمایند تمام استحکامات او را برای آتیہ خود درست کرده راه آهن خویش را نیز بدانجا متصل می سازند - تصرف مملکت منچوریا جنگ را بر ژاپون حلی سهل ساخته - تا اندازه مداخل دیوانی و مالیاتی (منچوریا) نیز صککہ یغبنہ ژاپون است دولت مشارالہا را مدد میرساند - خصوصاً بہ سیورسات - امروز ژاپون اہدا محتاج نیست از مالک خود حتی سیورسات نماید - چنانچہ (جنرل کروپاتکن) در آغاز جنگ گفته بود که قشون روس در منچوریا هیچ محتاج سیورسات داخلہ روس نمیباشد

منچوریا مملکتی است وسیع و همه قسم حاصل از قبیل ترهک - نیل - کندم - گاو دانه - ذرت - پنبه - وغیره زراعت می شود - معادن طلا و آهن و ذغال و سنگهای قیمتی نیز بسیار دارد - شالیش بہ آمور - جنوبش بکوریای و ایالینگ و رودخانه آبی - مشرقش بہ اسوری - مغربش بہ رودخانه تی متصل است - طوایف متعدد مرضش با صد میل - کہ بحساب مساحت جغرافیائی - بعد ونود هزار مربع میل است - خاصه وقتی کہ کوریا نیز بہ

کامیابی همه کفای ایشان منتظر عبور جہازات (بالتیک) اند - حرکت جہازات (بالتیک) بجانب ولادیوستک علناً آثارا دعوت میکند - و معاهدتقان هم علاوه گذشته بر ننگ گویا جنگ اقصای شرق را خاتمه می سازد - این است کہ امیرالبحر (روزوبونسکی) نیز اصول (جنرل کروپاتکن) را اختیار نموده یعنی تدافع را برنہایم ترجیح میدهد - و مایل نیست کہ خود را بر خصم زند - بلکه منتظر است خصم بر او ناحقہ شاید در تدافع کاری تواند از پیش برد - ازین رو بخودی خود از بنادر فرانسه و سواحل (اندوچینا) خارج نخواهد شد - این سواحل و بنادر را سنگر امان بلصککہ پشت و پناه خویش قرار داده است

ارباب بصیرت را عقیده این است هر دولت صککہ بخواند بر دشمن هجوم آورد - باید قوای خود را از هر جهت پیش از خصم سازد - کفئیای جنگی ژاپون - هم من حیث العدد زیادہ بر روس و هم نازہ و توہماتہ آن نیز اضافاست - چہ میبجده فرزند کشتی روس را از قسم زره پوش و کروزانر و موشک و موشک شکن ہو (بندر آنہر) و ساز جنگمای بھری غنیمت گرفته تعمیر صککرده شریک دستہ جہازات جنگی خود نموده است - آنچه همین است روی هر ققہ ژاپون دارای صد و سیزده کشتی و مزار و سیصد ونود و شش توب دریائی است - علاوه بر این نیز دوازده کشتی جنگی از اقسام مختلف از آغاز جنگ تاکنون درین نموده کہ بر قوت و عدتہ جہازاتش می افزاید - و همین قسم توہماتہ درین کفئیای جدید است بر عدتہ توہماتہ بھری ژاپون افزوده است - دولت روس یکصد و پنج جہاز با شصت و هشتاد و نہ توب دارد - ولی جہازات روس پندر کتہ و منورس و صککشتی زره پوش کہ حقیقت جہاز جنگی است شش فروید پیش ندارد - ولی ژاپون جہاز و یک فروید جہازاتش کہ فولاد کوب و زره پوش و از قسم کفئیای اعلاہ جنگی است از طرف دیگر ژاپون در قشون بھریہ امروزہ مسلم کتہ اروپائیان است - و جمیع دول در قشون بھری اصول جدید ژاپون را قابل تقلید شمرده اند - علم و اطلاع ژاپونیان در آن دریا مسلماً از وسیان زیاد است آنہ چند ہزار فرسنگ دور از منزل مقصود و ایشان گویا در خانہ خود متوقف اند بلحاظ این جہات میتوان قوای بھری ژاپون را فعلاً دوگونہ بر روس تصور کرد - و ببینید کہ اگر جہازات (بالتیک) از سواحل (اندوچینا) خارج نشدہ و تکالیف فرانسه بر آنها مفید واقع نشود - دولت ژاپون لابداً در آن

ملحق و تحت یک حکومت باشد. در کوریا نیز همه قسم حیوانات حاصل میشود. مساحت کوریا هفتاد و نه هزار و چهار صد مربع میل است. نفوس منچوریا بیست و پنج کرور ایران. و نفوس کوریا سیزده کرور است و قتی که وسعت این دو مملکت را توأم حساب نمایم بالغ بر سه برابر ژاپون است. چه جزائر ژاپون از روی مساحت صد و چهل و هشت هزار و هفتصد و چهل و دو مربع میل است. ولی نفوس این جزائر کوچک اضافه زدو برابر کوریا و منچوریا است ارباب بصیرت را هتیده این است که در هر سه چند سال که کوریا و منچوریا در قبضه ژاپون باشد با آن انتظامات صحیحه نفوس منچوریا و کوریا سه برابر امروزه و دخل آن ده گوی خواهد شد

بالجمله. ازین علامات ظاهر میشود که هر قدر ازین و بعد جنگ طول کشد مشکلات روس بیش و سهولت ژاپون افزون خواهد گردید. چون دو مملکت وسیع در قبضه و تصرف ژاپون آمده و تجارت شان منحصر بدوست تا درجه جلو نقصان تجارتی او را هم میگیرد. در این صورت میتوان گفت که خساره ژاپون در تجارت نیز نسبت بروس کمتر خواهد بود. چه ژاپون را تجارت اروپا چندان نبوده. عهده تجارت او در چین بود. اینک چون در ممالک کوریا و منچوریا جنگ برقرار است تجارت دول دیگر مسدود و این دو مملکت وسیع که تجارتش منحصر به ژاپون است جبران کسر تجارت او را در اروپا میتواند نمود. و برعکس تجارت روس این جنگ ابواب تجارت ژاپون را در چین هم مسدود نمود. پس ازین عنوان چنان تصور نشود که این جنگ برای ژاپون کایه خالی از خساره بلکه مقصود آن است که خسارت این جنگ برای ژاپون کمتر از خساره روس است و ژاپون تا در باز تحمل این خساره را میتواند نمود. و به در صورتی که شاهد فتح تا آخر ژاپون را در آغوشهم باشد ماها خواهد کشید تا ژاپون جبران این همه خسارهای جنگ را به ناید

مسئله تازه که واقع شده و خلی از اهمیت نیست هانا اعلان رسمی حکام روسیه است در (ولادیوستک) برای خروج تجار و رطایا و نایندگان خارجه. چه قبل از محاصره در بندر آرثر نیز همین قسم اعلان دادند. ازین اعلان رسمی چنان استنباط میشود که ژاپون تدارک محاصره بندر (ولادیوستک) را کاملاً دیده و روسها ملتفت شده اند تا کنون خبری از امیرالبحر (توگو) که مدار قوای بحری ژاپون شناخته می شود نیست. و معلوم نشده در چه خیال و بکام گوشه در کین خصم است. این

نمکنه روسیان را بیشتر مشوش داشته بپس گردیدم. است که امیرالبحر (روزویوسکی) از آبنای فرانس و ساحل (اندوچینا) با این همه هیاهو خارج نمود از قرائی که تا امروز در دست آمده معلوم نمیشود جهازات (باتیک) بدون خطر بتوانند خود را در (ولادیوستک) برسانند. چه ژاپونیان قدم بقدم سزراه را بر آنها بسته و در کین نشسته اند ازین رو حرکت جهازات (باتیک) و رسیدن به (ولادیوستک) در محابا دشوار است اقواها امیرالبحر (روزویوسکی) از سلوک درباریان روس و اداره جنگی رنجیده خود را به بیاری زده منتظر است بلکه جهازات باتیک را ولادیوستک یا سرگرمی دیگر رسانیده ازین خدمت استعفا گوید

با آنچه تدابیر و تبدیل قوانین و نومی با رطایا امنیت در داخله روس قائم نمی شود. در هر نقطه که بغاوت شده و در هر شهر که بلوی افتاده نتوانسته قلع ماده نمایند حکام با منتهای سعی چند روزی شهر را آرام ساخته باز بلوایشان سر بلند نموده اند. حکام و مأمورین و رجال دولت روس ادا بر جان خود ایمن نیستند. و در این مدت با آنچه سختیها که دولت در راه بلوایشان جاری داشته صورت وحدت و گرمیشان کم نشده بلکه همه روزه در مقامات تازه سرایت مینماید. از آغاز جنگ تا کنون چهار نوبت در (ورشو) بلوی شده است

طامه سیاسیون را عقیده این است تا وقتی که جنگ اقصای شرق برقرار است بلوی و بغاوت نیز در داخله روس خواهد بود. بدین معنی که دولت روس تا وقتی که عطف نظر از جنگ نماید و تمام قوای خود را در داخله صرف امنیت نکند در ممالک وسیع او کاملاً امنیت نخواهد شد. و نیز با این اغتشاشات داخلی هرگز شاهد فتح را در میدان جنگ در آغوش نتواند کشید. یعنی مقتدر نخواهد بود که کاملاً تریه جنگ دیده خصم را سرگرمی نماید

خبر خواهان امپراطور را علی سبیل الصوم عقیده این است که هر قدر دولت روس زودتر تسامم شده صاحب نماید. فائده اش بیشتر خواهد بود. و این سر سختی عاقبت روس را باند زده مضمحل خواهد ساخت که مقتدر بر نگاهداری خود نباشد چه هر قدر جنگ طول بکشد روس ضعیف شده شورش داخله قوت خواهد گرفت. و خصم قوی بجه تر خواهد شد و عاقبت خیالات ملوک طوائفی در سر اهالی مملکت جای نموده از دفع و دفع آن دولت عاجز خواهد ماند

مکتوب از خراسان

مؤیدالاسلام - میدانم شرح حادثه خراسان را بطریق مختصه باداره مقدسه خواهند نوشت این خبر خواه ملت و دولت خواستم حقیقت امر را بر ملازمان عالی ظاهر داشته تا رفع اشتباه کاری دیگران کاملاً بشود

در محله "عیدگاه" محل تجاوزت یکی از ارامنه بود (دم نبه خاک) بکس ساعت از شب گذشته ضمیمه برای خرید نکت از محال سر کویچه رفته در بین مراجعت از درسرای و منزل ارمی تاجر عبور کرده نوکر ارمی بدو از دست اندازی کرده خواست ضمیمه را جبراً داخل سرای کند ضمیمه فریاد کرده از ترس افتاده ضعف نمود مردم از طرف هجوم آورده امر را دریافته ضمیمه را برداشته شبانه به بیکاریکی خبر داده و به ایالت ربووت سکردند - ایالت اظهار داشت که فردا تحقیق کرده مقصر را تنبیه خواهد کرد - صبح اهل محله و جمعی بیکارها و بیارها ریاست سیدی کرمانی به بهانه اینکه این قضیه هم مثل قضیه یارسال و سید عطار و ارمی نکت فروش خواهد گذشت (که حکومت ارمی مقصراً تنبیه نکرد) باهم اینک ارمی بژن مسله دست درازی سکرده حکومت و کارگذاری به ممانعه و مساعله و مداهنه میگرداند آغاز شورش کرده دکان و بازار او را بسته اداره ارمی مذکور هجوم برده و دارالتجاره و انبار او را غارت و خراب کرده بمخانه شاهزاده منتصرالملک که مالک اداره و خانه ارمی بود رفته قدری اسباب او را هم رده متفرق شدند - از طرف حکومت آرزوی هیچ اقدامی نشد سراز و پلیس هم که برای تفریق مردم بظاهر آمده بودند هرچه توانسته بغارت بردند - و اغلب اشیاء قیمتی را از دست برندگان بزور و پول و اسلجیلهی مختلفه گرفتند - در این عمل از جانب علما و رؤسا ایدای کسی مداخله نداشت - ارامنه درین چند روزه هم با احتیاط حرکت میکردند طالب در شهر بوده و با در قونسلخانه روس و قونجاق ملخص بودند فردای آن روز که ایدای خبری نبود و مردم منزهی شده بودند از جانب ایالت در امنیت شهر قدمان عمده شد سرمازن که در روز دستیار غارتیان بودند باسر حکومت در سرگورها چاه رده مدظر آمدن گفتشاش جدید بودند - ولی اسباب گفتشاش منتفی گردیده بود و هیچکس را خیال آشوب نبود - اگر ارامنه حصار و فراری نشده بودند حادثه خانه یادکوه در مشهد مقدس تجدید می شد چهار مراده توب یکی در لایخابل - دیگر در پائین خیابل - سوم در محله نوزال - چهارم در چهار باغ پشت قونسلخانه روس نهاد تا مردم مرعوب شده گفتشاش نکنند پس از چند روز حکم بامنیت صادر و مردم بکار خود مشغول گردیدند - و نیز حکم شد که اول منبوه را بدست آوند - قدری پوست گوسفند و انانالیات بدست آمده مستره داشتند بمداقه اینکه امنیت حاصل است درین واقعه چند مسئله فرض آمیز بگوش رسیده که ایدای مقبول بصواب نیست - اول آنکه نسبت این حکم را بمجناب مستطاب آقا حاجی میرزا حبیب الله میدهند - و حال آنکه این امر ایدای مقبول بصواب نیباشد - روح آقا از این واقعه خبر نداشت - دیگر آنکه بگویند ابع بر صد هزار تومان اموال ارامنه بذارت دست این هم غلط محض و حکایت که کلاغ چهل کلاغ است - هرگاه بیکاریکی و حکومت همان شب که این خبر را یافته دو صد کلاغ بر آمده بودند ایدای حدوت

این حادثه نمی شد - درین باب حرف بسیار است چون نگاشتی آن سودی ندارد ترک نگارش شد - همین قدر عرض نمایم اگر حکومت حقوق رعیت را جنظ نماید هرگز و پایا بدون مراجعت بمحکومت دست با قفاق حقوق خود نمی زنند - این حادثه نتیجه یأس از حکومت است که واقع می شود

اما قضیه قوچان آنگه نگارنده اطلاع یافته اهل از حکومت خود تراش اند - و از اجنافات او بپستوه آمده در تلگرافخانه متحصن شده - داد خواهی میکنند حاکم مهرمان حرکت کرده بمشبه آمده است - پیواره قوچانیها امسال از یک طرف به آفت ملغ - دوارکی حبلا از طرف دیگر بظلم و ا حاف حکومت دچار باز هم در نزد دولت بیابیکری و سر کشی بدنام می شوند ایدای نزاع و جدالی نبوده و نیست و اگر در کاشان واقعه پیش آمده بنده نمیداند .

بیشی

روز جمعه ششم ربيع لاول جناب آقا میرزا محمد امین التجار در عمارت خود مجلس فراهم آورده و جمیع تجار ایرانی مقیم بمبئی را دعوت کرده - که در موقع حرکت - اب مضمخ السلطان به فرنگسان خطابه منی بر تشکر اعضای انجمن تجارتي از زحمات ایشان داده شود - لهذا همان روز ظهر در حالتی که همه آقایان محترمین تجار حاضر بودند جناب مضمخ السلطان وارد مجلس شده و بلا درنگ جناب امین التجار آدرس ذیل را سکه جمیع اعضای انجمن امضا کرده و در جبهه تفرقه گذارده بودند در آورده قرائت شد و جناب مضمخ السلطان جوابی که مبین بر تشکر خود از این قسم قدر دانی اعضای انجمن تجارتي و تجار و تبه ایران بود ايراد سکرده برای دوج در اخبار فرستادم

سورت خطابه

جناب مستطاب اجل عالی آقا مضمخ السلطان و بر مقیم دولت طیه ایران دام اقباله الشالی - ما اعضای انجمن تجارتي ایرانیان بمبئی در این موقع عزیزت جناب عالی فرنگستان که برای تسلیح مزاج تشریف می برد فرض ذمه خود دانست

که تشکرات قلبیه خود ملا را از زحمات فوق العاده که جناب عالی برای ترقی و امانت و سامرازی ابناء وطن عزیز در این مملکت کشیده اند عرض غائم از زحمات جنابعالی در این مملکت کالشمس فی وسط النهار آشکار و باعث افتخار ابناء وطن عزیز است

از آن جهت تأسیس انجمن و مکتب و کلب مظهری کلاکت برای ایرانیان و ترقی اولاد وطن و تشکیل انجمن تجارتي بمبئی برای دفع نوائس و هیرب ائنه وطن عزیز و ترقی تجارت ایران و هندوستان است

بقای سکه جناب عالی نزد حکومت هندوستان تحصیل نموده و باین وسیله خدمات نمایان بدولت و ملت فرموده اید بر همه واضح است که تا بحال هیچکدام از مأمورین دولت طیه در این مملکت این مقام را تحصیل نکرده بودند

در بمبئی تا بحال دفترخانه از طرف دولت نبود برای العین دیدیم که چه رحمتها کشیدید و دفترخانه منظمی در این شهر مرتب فرمودید که اسباب افتخار هو وطنان شده است

از انتصاب مقرب الضاقان میرزا علی اسکبر خان بویر فوسولی بمبئی همه ایرانیان شاکر و مبتوایم بگویم که این همه بی از سائر جناب عالی خواهد بود زیرا که شخص قابل

و کاردان و قانون دانی را که از قوم خود مان است این منصب انتخاب فرمودید - همتانها از کثرت رأفت و مهربانی پدر تاجدار ما اعلیحضرت اقدس ظل الهی ارواحنا فداء در حق ماها بوده که جنابالی را که در مأموریتهای همه در خارجه بوده و تجربه ها حاصل کرده اید برای سرپرستی ماها انتخاب فرمودند

بر ما واجب است که در این موقع از خداوند اردیاد شوکت و اقتدار ولینعت کل ارواحنا فداء و درام و بنای هر بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع والا شاهزاده ابن الدوله صدراعظم - و حضرت مستطاب اشرف آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه را از درگاه احدیت درخواست نمایم که شب و روز در خیال ترقی ایران و ایرایانند - انشاء الله جنابالی در امان - خداوندی تصلیح مزاج نموده عنقریب مراجعت به هندوستان خواهید کرد که رشته امور دولتی و مافی را بدست گرفته اسباب ترقی ابناء وطن عزیز را در این مملکت پیش از پیش فراهم بیاورید فی شهر ربیع الاول ۱۳۲۳ (امین التجار - آقا محمد حسین)

جواب وزیر مقیم

جناب امین التجار صدر انجمن تجارنی و آقایان اعضای انجمن - حواشمندم که مراتب تشکر بنده را از خطابه که در اینموقع مسافرت موقتی فرنگستان بمن داده اید قبول فرمائید - خودم را خیلی خوش بخت می بیندارم حکه در عرض ایجت ماموریت هندوستان توانستم اسباب رضامندی ابناء وطن را که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء سرا بالنیابه سرپرستی انها فرستاده تحمیل نمایم - امتحانها دارم که با همراهی بزرگان قوم موفق بنایس انجمن مظفری کلکته و تشکیل انجمن تجارنی بمبئی شدم - میدانید از وقتی که به هندوستان رسیده ام همیشه در خیال تهیه اسباب ترقی ابناء وطن خود بوده و ناراحتی را براحتی ترجیح داده ام - اگر خداوند یاری فرماید بده از مراجعت ازین سر خیالات همه دیگر که دولت علیه برای راحت و ترقی رعایای ایران در نظر دارد بموقع اجرا خواهم گذاشت

انتظاماتی که در ممالک ایران در عهد سلطنت ابن شاه شاه هدایت گستر ارواحنا فداء گذارده شده و میشود مقتضی همین است که در خارجه هم بر طبق آن انتظامات و فواید برای راحت اتباع دولت علیه و ترقی آمان مأمورین دولت حواه و شاهنشاه برست مسلك صحیح اختیار نمایند اگر دفتر خانه منظمی در این شهر این بنده ترتیب داده و مقرب الحاقان مرزا علی اکبر خان را بویس قونسولی بمبئی انتخاب کرده آمهم برای راحتی مات ایران در این مملکت است - میرزا علی اکبر خان جوانی است بسیار قابل و چون در علم حقوق شهادت نامه گرفته سرا چنین است حکه دفاع حقوق قوم و دولت خود را در این مملکت بخوبی خواهد کرد -

الظهار خوشوقتی شماها از این انتخاب باعث تشکر قلبی بنده گردید امیسوارم که هم من وهم او دواجرای تکالیف ماموریتی خردمان قصوری نورزیده و رضامندی خاطر اولیای دولت علیه را تحصیل نمایم

ادعیه خالصانه صادقانه شما ها را بخاکبای اقدس ملوکانه ارواحنا فداء و حضور بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع اجدد والا آقای صدراعظم روحی فداء و حضرت مستطاب اجل اشرف افتم وزیر امور خارجه مدظله العالی عرض خواهم کرد

در اینموقع لادم نمیدانم که از جناب امین التجار صدور و جناب آقا محمد حسین نایب صدور و سایر اعضای انجمن تجارنی خواهش نمایم که در پیشرفت مقاصد انجمن سعی فرمایند چه میدانم که همه سعی خواهد کرد حکه در میان اقوام مختلفه هندوستان نام بزرگ قوم خود را بزرگتر نمایند - ولی از یادآوری حکردن مجبورم و این نکته را از روز ورود هندوستان همیشه گوشزد عام و خاص قوم کرده ام - حالا هم میگویم که ترقی هر قوم با اتقان و همت بوده است - (همه از جان قتلع الجبال) یعنی دارم که با اتحاد کامل بعد ازین خیلی کارهای صدمه که قایده آن بر ملت و دولت و مملکت راجع است من و مامورین دولت که بعد ازمن باین مملکت خواهد آمد از پیش حو هم برد

بزرگان زردشتیان ایرانی وقتیکه مسافرت جناب مفتاح السلطان وزیر مقیم را شنیدند برای تقدم خطابه جمع شده و در مکتبیکه الان دو ماه است برای اولاد زردشتیان با توجه وزیر مقیم بار و پسران و دستران فقرای زردشتیان رعایای ایران تحمین میکنند مجلس ترتیب داده و وزیر مقیم را دعوت کردند که ترویج تحصیل شاگردان را هم به بند -

جناب معزی الیه عصر جمعه بمکتب مزبور رفته چند نفر از شاگردان را هم امتحان نمود و وعده داد که از اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء مقرری سالانه برای مکتب استنادا خواهد نمود

خطابه زردشتیان بمبئی

جناب مستطاب اجل عالی آقای مفتاح السلطان وزیر مقیم دولت علیه ایران دام افیاله - ما اعضای انجمن مکتب زردشتیان ایرانی در بمبئی در اینموقع که مزم مساوت فرنگستان داریم عرض دمت خود دانسته ایم که تشکرات قلبیه خود مان را از تمدن زحمت و اقدامات بی نهایت حکه جناب عالی برای تعلیم و ترقی اطفال زردشتیان ایرانیان در بمبئی و تقبل سر پرستی و صدارت این انجمن و مدرسه را بخود لازم دانسته و مرحمت و توجه خود را در همه باب مبذول فرموده اید که سبب برتری و سرافرازی ما ایرانیان و باعث ترویج زبان و دانش پارسی که میراث اجداد ماها است و تا کنون در این مملکت از عدم سر پرست و سرپی فراموش و در قید نسیان مضطرب بود و اسنک از اثر توجه و مساوت جنابالی این نونهالان حویبار کازار وطن بعلم ولسان اصلی خود بازگشت نموده و ازین اقدامات جنابالی در این مومسه به تحصیل دانش مشغول شده اند عرض و اظهار دارم

روشن و آشکار است که تا این زمان هیچ یک از نمایندگان دولت علیه در این ولا باین خیال مقدس بیوفتاده و متحمل این همه زحمت نشده و این مقام اصلی را حاصل نکرده اند - و نیست بنای این کار نیک و فرخنده مگر کثرت الطاف و مهربانی های ولینعت کل شاهنشاه تاجدار اعلیحضرت ظل الهی ارواحنا فداء که عرض جاوید و دولتش پاینده باد لذا اعضای این انجمن و عموم زردشتیان ایرانی مقیم هندوستان از صمیم قلب تندرستی و صحت وجود مبارک جنابالی را در این مسافرت فرخنده از حضرت واهب الطایا مسلمات مینمایم - انشالله در امان خداوندی تصلیح مزاج فرموده ورود مراجعت به هندوستان خواهید نمود و در ترقی و پیشرفت دانش و سرپرستی ابناء وطن عزیز پیش از پیش توجه خود را مبذول خواهید کرد

خودشان بترنند که امروز تدابیر و تفکرات و مردم داری و سلطوت و صلابت و اختیار و اقتدار جمیع سلاطین سلب و پادشاهان ایران در وجود مقدس و ذات اقدس این شاهنشاه آسمان جاه اسلامیان پناه جمع است - و ساعات شب و روزی این صدارت عظمی و وزرای تحت او امر ایشان بترقیات هرگونه لوازم لشکری و حکومتی در ترقیه و اصلاح امور رعیتی مصروف - رعایا و برای ایرانی در همه جا از این امنیت و آسایش عمومی در همه آن غنوده ترقیبات امور از توجهات ذات اقدس هاپونی با اجرای قوانین دولتی در ممالک خارجه بخصوص در خاک روسیه از توجهات وافیه و ملاحظات کافی جناب مستطاب اجل آقای شیخ المملک وزیر مختار دولت علیه ایران که حاوی هرگونه علوم و جامع هر بحر فنون مقنن قوانین و منسب اصول و فروع عقود مقدسه در نهایت انتظام و کمال نظم و نظام است قوانین و نایبندهای دولتی تحت ریاست ایشان که از نجیب، منتخبین مستند خصوصاً اقبال الوزاره قونسل گنجه در هر حال مراعات دستور العمل و تعالیم را نموده سرعوت تخطی نمی نمایند و خدمات خودشان را بوظائف مأموریتی انجام میدهند و از این جهت عموم اهالی دعاگوی ذات ملکوتی صفات هاپونی شاهنشاهی میباشند

مکتوب از انزلی

برای تشریف فرماتی موکب هاپونی بندر انزلی را بطرحی خوش دارند زینت میدهند - و شهر از کثافات پاک و حکوچه ها را تمیزی نمایند جناب سالار اعظم برای پذیرائی ولی نعمت خود مشغول تهیه و تدارک و جمع آوری سیورسات است آدم مخصوص برای تهیه سیورسات امروز بیادکوبه روانه نموده بعد از ده روز نامت سیورسات و لوازم پذیرائی اردوی کیوان شکوه باید در گیلان آماده باشد - سالار اعظم ذره در خدمات پذیرائی و این نعمت خود فروگذار ندارد این مهمان محترم و صاحب خاتمه محترم را با احتشام هرچه تمام پذیرفته محتمل است تا بندر آستارا دورکاب موکب نظیر کوکب هاپونی باشد عهد السلطنه حاکم کرکان رود طوالش و رئیس ساحلوی آنجا نیز از سرحد خود المی آستارا در تدارک تعمیر طرق و شوارع است

وزیر مقیم فریب بان مضامین جواب داد
بند الاتشکر ارائی - ریاضی طائفة زردشتیان از واقع
مهری بندهگار - حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه
و توجه مخصوص بندگان حضرت اشرف والا صدارت پناهی
و حضرت اشرف آقایی مشیرالدوله در حق آنها شرحی بیان
نمود - سپس از حتم مجلس اهدای انجمن در حاتی که جناب
وزیر مقیم در وسط قرار گرفته بود عکس انداخته وقتی که
جناب وزیر مقیم سرار کالسه شدند صدای زنده باد شاهنشاهی
ما! از تمام زردشتیان سه نوبت بلند گردید
شامری از زردشتیان نصیحة بخاری که در مدح پادشاه
و نماینده آن برده بود در مجلس خواند و مورد مرحمت
جناب وزیر مقیم گردید

مکتوب از کتجه

از درگاه انزلی متعال استدعا جناب است که روزنامه
مقدس که کاملاً با مشارق فنون و علوم و حکم و اجراء
و ادای قوانین اسلامیت و انسانیت و آگاهانیدن امور
معاد و معاش جمهور حکم ثابت خلقت بی نوع بشر
است مصروف و متوجه میباشد در حفظ و حمایت
و کشف لایزال مومن و محروس مایه
خداوند شاهد و گواه است که بدون اضرار عرض
میکنم که هرگاه و هر سطر از روزنامه مقدس جبل المین
جبل متین است (ومن تمسک بها نجاة) علاوه بر اینکه
هر شخص را از وضع حالیه عالم چنانکه شاید و باید مطلع
میسازد از مستقبل اوضاع عالم نیز هر ذی شعور را
آگاه و خبر میدهد - بی نوع السانرا که حس دراکه دارد
جمهور و مقهور بتکبیل لوازم انسانیت و استحکام مبانی
غیرت و حقیقت و شاهنشاه برستی و وطن دوستی که از
اولین تیغه محبوبه ایرانیان است و امیدوارم مضامین طایفه
روزنامه مقدسه بمناب آینه غیب نما و نایبند و وقایع و
اوضاع آتیه است - که شخص نمرات غیب را از خصوص
طاهره آن می بیند و زایداً علی سابق به پادشاه
برستی و وطن دوستی و غیرت ملی می افزاید
چنانکه در این دوره زمان بحدائقه تعالی از نیات
مقدسه و توجهات ملکوتی اعلی حضرت قدر قدرت
هاپونی شاهنشاهی و حسن توجهات و تدبیرات بندگان
اشرف اعظم والا صدارت عظمی روز بروز بترقیات
لشکر و کشور و عموم طبقات اهالی می افزاید - امثال
این بندگان که در ممالک خارجه قیام داریم برای الهین
مشاهده نموده می بینیم که اینک در افواه و السنة جمیع
طبقات خارجه و داخله مشهور و در محافل و مجالس

این اداره را متحمل عده و نوایب این قلم همیشه زائد بر تمام تقاضا بوده سواد اعلان را گریه عیناً خدمت عالی اتقاد داشتیم. امیداست با وجود متصل بودن آن در اخبار مقدس درج فرمایند زیرا که جناب عالی از همگس بهر واقف میباشید که نتیجه و ترقی اینگونه شرکتها برای دولت و ملت در صورت درستکاری رؤسا چه قدر است بنده از اظهار و تشریح آن بجز دارم - و این اول شرکتی است که اگر فضل خدا و توجه سایه خدا و امنای دولت ابد مدت و همت برادران وطن و دیانت و درستکاری رؤسا شامل شود میتواند نمود و حدود وطن محترم را محفوظ داشته بایده کلی هم بصوم شرکاء محترم باید شود - البته قدری صبر و حوصله در کار است - بجهت و سبک مغزی اسباب نوهین لاکه اداره محترم را نیز لازم است همیشه با اعلانات صحیحه بصوم شرکا را واقف سازد که از اشتهاارات ارباب غرض صحه همیشه بهعمل کوئ و طراب نوع خود مادت کرده بخیالات دور و دراز و شکوک و شبهات مبتلا نکرند

(اعلان را در آیه با رای خود خواهیم نکاشت)

مکتوب یکی از موثقین کرمان

بازار قالی اندکی بهتر است. تا بحال نمیخریدند حالا میخرند حال را نیز میخرند کتیرا اگر چه آخر سال است ولی ترقی دارد بازار هلوچ بواسطه ترفیق در روسیه سکساد است هندوستان نیز چون ضرر دارد نمیرود. حال تریاک معلوم است در تمام ایران حکم واحد دارد تا مدتی تریاک مخشوش تریاک خالص را نیز بد نام خواهد داشت

حکومت احتیاج ما بامته خارج باحت ترقی برات بهشی شده که امروز دو مثال و نیم رویه انگلیس مطابق با چهارقران و پنجاهی سکاه محترم ایران است - ناچار نقد - چای - جلوار - مقال - ادویهجات میخواهیم از سایر امته آرایشی میتوان صرف نظر کرد - از نقد و چای و جلوار و ادویه نمیتوان چشم پوشید چون تجارت هند همین جهات نقصان یافته کار به باطن امر نداریم ظاهراً کیسیون تجارت یا امنای دولت هند در مقام اصلاح برآمده نمونه جنی طلائر و امته کارخانجات هندوستان را آورده خرج

بذیرانی گیلان با سالار انظم و بذیرانی غربی گیلان که سرحد طوائش گرگان رود است با عبدالسلطه خواهد بود

شیراز

وقایع نگار جبلالتین مینویسد - جناب معین هابون رئیس تجارت و فرانس باشی ایالت جلیله که از خانزاده های قدیمی حضرت اقدس والا شاهنشاه زاده اعظم شجاع السلطه است کمال سکفایت را در خدمتگذاری دولت و ملت بخرج داده و میدهد شب و روز مشغول انجام مهام و امور راجعه بخود میباشد و طریقه مهربانی با مردم را پیش نهاد خاطر ساخته همگس از او راضی و دعاگوی ذات مقدس و لینهت زاده کل مملکت ایران شاهنشاه زاده اعظم شجاع السلطه هستند خداوند این گروه اشخاص کافی را بایدار و برقرار دارد که مردم در زیر سایه طافت آنها در راحت باشند

مکتوب از کرمان

جون در عمره (۱۳) جبلالتین یکی از برادران وطن از اداره امته همومی درخواست اعلان نموده بود که برکم و کیف حالات اداره و شرکاء واقف گردد - این بنده با حکمت گرفتاری و کارهای تجارتی بر خود غم نموده صحه حالات اداره را نوشته بهموطنان و برادران اطلاع دهم. زیرا که بواسطه الفت و محبت و اتحادی صحه با مدیر محترم همومی کرمان دارم بر حالات و گذارشات آن اداره خوب واقف در ایام بروز ناخوشی مستخط مدیر کل را دیدم که در نوشتجات رسمی اداره مرقوم داشته بود - که من وصیت حکرمم اگر در این ناخوشی معروف اجلم در رسد حقوق بصوم شرکای امته همومی را وارث من اصلا و فرما به برداره الحق از این وعده بصوم لغت بردم همه روزه مصمم بودم این مطلب را گوش زد طام و خاص نیام تا بدانند در ایران هم اشخاصی هستند که نام نیک را بر تمام هستی خود ترجیح اسما دهند

در این موقع اعلان از اداره مرتزه رسیده فرما از مدیر محترم کرمان که شخص سهندی و نویسنده شده و از اغلب وکلای بلاد زیادهتر خدمت و زهد

هنگامی که پندبر خود را پندبر رحمت خطاب کنیم - ما بیرون آن شرع شریف و ملت حنیف مجبور هستیم و تکلیف داریم در متابعت اطوار و پیروی اخلاق حمیده آن پسندیده‌زندان که بر توبت پاکس درود باد بنام - در آیات باهره قرآن و فصوص ظاهره - نت واحدین خود امر فرموده مارا به سلوك رؤفانه با انشاء نوع خویش - آیه وافی هدایه (کاملین الذیظ والمساخین عن الناس) - که بحال مسلمان و غیر مسلمان شامل است گفتار بنده را دلیل قوی و برهان منوی است

روح القدس بزبان پندبر مجرد حضرت مسیح در آیه هندیهم باب یازدهم از انجیل یوحنا میفرماید - باین چیزها شمارا حکم میکنم تا یکدیگر را محبت نایند و جو - اما فرزندان آدم بدبختانه نه ما اوامر پندبر خود را منقادیم نه دیگران نواهی پندبر خویش را مطیع - اتقائیکه مخصوص حضرت باری و انسان از آن لباس طاری است و در طرفت عیسی منموم و در آن شریعت منحوع است امروز الاشد و ندر بیرون آن کیش پاک یا ملت تابناک ما کرده و می‌کنند و ارتکاب آن را از افعال حبیله و اطوار سئوده می‌شمارند - حال گوش هوش فرا دار و بشنو و چشم دل بکشا و بین که گوینده چه گوید و جوینده چه جوید - بچاره ما ساکنان جنوب وطن که بیوسته نگرانیم حرکات و سکنات گرامی همسایه خود صککه در مابینه اخیره در وطن مقدس برای خویش در جنوب جای پیدا و حاضر فرموده -

هردم از آن باغ بری بشکریم

تازه تر از تازه تری بشکریم

همین اوان متوالیا متواتراً حکایات خبیله و روایات فسیله از اقدامات همسایه خویش در جزیره اوال و ملک هجر بگوش بیگانه و خویش رسید - چون خارج از تصور انسان بود و بیرون از دایره فکر عقول قبواش را نتوانستیم - اندک اندک ستاره آن خبر موحش طالع - آهسته آهسته آثار آن اثر مدعش با کمال ادبار بلند و ساطع شده - سنوح آن سانحه و حفت رایحه براسق پیوست ۱۱۱ صککه چند صکنق زره پوش به آنجا رفت - چه اندازه صافیات و سپاهی پیاده شد - چه مقدار مخدرات

و قیمت را تا بنفرباس معین کرده باها تکلیف خرید می‌نایند حتی کایم ونعد و کریاس و ریس قالی هم که بجهت قرا و کسبه در کار است آورده اند

لاکن ترقی فوق‌العاده رویه بجائی رسیده که اغلب اجناس داخله ما اوزان تراست - مسلماً تاجر هم ظاهره می‌خواهد - آیا ما نباید علت طساره اجناس داخله و سبب کسر و نقصان پول خودرا بفهمیم و علاج بنامیم ؟ سکه افغانستان تغییر نموده بلکه رویه افغانستان دو مثقال و با رویه انگلیس هم قیمت است - هر حال از شعونات مجلس محترم تجارت صرکزیه و وزارت جلیله تجارت بلکه وظیفه و ذمه عموم تاجران محترم مملکت است که این امراض را علاج فرمایند - علی‌السبب سبب را معین تا در مقام دفع برآئیم بر تاجر تا یکدرجه ضرر وارد است - لاسکن ضرر عمده بر تمام آحاد و افراد اهالی ایران وارد می‌شود هر کس چلوار نمره ۴ طاقت هفت رویه دیده که دو تومان قیمت داشت حالا هم همان هفت رویه است و چهار تومان و نیم قیمت دارد - فرمز فرنگ که رنگ معمول قدیم و پخته می‌باشد سه تومان بود - اکنون هشت تومان است امید است که تاجر با بصیرت و صاحبان اطلاع و وطن پرستان آنچه میدانند و می‌فهمند در این ماده بنویسند سبب را فرمایند و دفع سبب را معین کنند خواه برادران که در خارجه می‌باشند خواه آشنایان که در داخله هستند قلم بردارند این عراض و سوالات معروضه را واضح فرمایند که این مطالب برای ما واجب تر از اطلاعات جنگ و جدال روس و ژاپون است - چه ضرر از این بالاتر که آنچه حال و گدای سائل بکف یا تاجر و ارباب صاحب کرور و ملیان از اول شخص ملت و دولت تا ادنی فرد رعیت مخارج و نوازم زندگانی دارد باید دو مقابل ده سال قبل وجه داده رفع احتیاج نماید - قد - شکر - چلوار - جیت - آهن - مثقال - حلبی - قلع - نوشادر - امویه حتی سوزن را محتاجیم استدعای جواب دارم

حقیقت حیات اسلامی و غیرت وطنی

اقوال گرامی و الفصاحی فرخنده پندبر نامی ما گواه روشن و حجت متقن است بر اینکه آن بزرگوار - بزرگ رأفت را مجسمه و رحمت را پندبر بوده اند -

و بردگان سراق طایف و ربات حبستان تشنه‌ان از
 پشت حبه عصمت و پرده عفت خارج و از خانه
 موروث بیرون آمد و آیه میراث مرده ریک حکم
 حجاب و پرده نشینی قرآن منسوخ گردید -
 چگونه از طریف و تلبید اسباب لطیف و ظریف و
 مصاحف هید و سفاین عتیق و جدید بفارت و بنا
 رفت بعضی سوخته و بعضی فروش رسید. چگونه
 ناز پروردگان حبر خدمت و جلال فراری و متواری
 بی‌نوطا سگر دیدند - با هم خوابه ذلت و خواری و
 انکسار و اسار و محبوس شدن - البته وقایع نگار گرامی
 نگاشته اند (ای ظلم کن ولی به حساب) نه پنجم
 مسلمین نه رسول عیسویین چنین غوایل صایله را
 اجاره حوازی فرموده !!! شگفتی دارم بعضی از
 اموال مهووسه بوشهر آمد با اعلان رسمی در اوراق
 دواقی هموطنان گرامی و هم کیشان اسلامی ما خبر
 شدند گویا بسدا و بانگ بلند ندا یافتند. غاص
 احقوام دارد - منصوب ویژه بر مسلمانان حلال
 است - جایز است - رواست - و بدون اندیشه حراج
 نمودند - بکنفر از دوستان عزیز به بنده ناخیز
 بوشت که بعضی تبار و تفریق بین احساس
 وطن پرست و حقیقت مسلمانان با اضداد آنها در آن
 عصر اسف منظر اردهشوم - سپاس بزدان گذاشتم
 که اشخاص راست رفتا و افراد درست کار و
 متدین متقدمین ابناء وطن را کسی آنجا نیافتم -
 حیرتم آمد که از نمایندگان دول خارجه و اجزاء شان
 کسی هم در آن دایره لغتافته - و آن خود برهان
 قاطع است بر همراهی و حیرحوامی آن محترمین محشم
 با ملت قویة اسلام و با دوات قدیمه ایران و همین
 نیامدن و مخالفت از حضور مخصوصا محسوس میباشد
 و دلالت قوی بر ابناء وطن طارا میدهد بر اعتراض
 ساکنه و اعراض صامته آنان که نسبت بوداد و اتحاد
 دولت و ماتا دارند و ما ما چاره جویند و عم گور
 ندی است چون توانستند تصدیق استحقاق آن
 ظلم قاحش مل افش نمایند یا به تحقیق مصرف بهاء
 و وجه آن تصور کنند حضور پیدا نکرده (چون
 دیدند حقیقت ره افسانه زدند) اینگونه حوادث
 و وقایع را چون کنج کار و کاوش شود پاسب و

بار ابناء وطن زیاد کرده از آنکه جبهه را بشی خواهم یافت
 از پستی قلم آزاد و روزنامهجات آزاد. در وطن گرامی
 خود. که اخبار صحیح و غیرسقیم را مستقیما بگوشی ابناء
 وطن رسانند. و بی خبران معارف و جنایح و قوانین
 و علوم هیج حیرت انگیز و تمون غریب ثروت آمیز
 جدید را با کاهانند. وطارا بوسیله خود با اقوام و طوایف
 مال مختلفه دنیا آشنا و مربوط یار و مخلوط سازند.
 که ستفاده پریم و استفاضه حاصل کنیم - از رسوم و
 اخلاق و طبایع شان آگاه شویم - و ذایل فاسده آن را
 از خویش دور سازیم. و باعواید صالحه آن نود الفت
 بازیم. و در اطلاع بر تواریخ و حوادث معاصران
 خود سهام مجاهدت نازیم
 روزنامه طارا به عمرة شجرة اتفاق رساند - روزنامه
 طارا بشاهراه تجارت کشاند - روزنامه ثروت طارا فزاید -
 روزنامه زندگی جهالت از درون ما زداید - روزنامه
 همیشه ما را بنظم آورد - روزنامه اشک خرمی از دیدگان
 ما آورد - روزنامه اشفت ما را صورت احتیاج دهد -
 روز ما ناچاققتخار و دهم شرف برسرمانند - روزنامه
 ما را حقیقت شاه پرستی و وطن خواهی آموزد -
 روزنامه دامن باره باره و گریبان چک چک وطن پاک
 ما را دوزد - روزنامه افکار ما را همیق و آراه ما را
 دقیق نماید - روزنامه قوای تفریق غشا را از سمین و
 تمیز دهد و از خیال فزاید - روزنامه ما را بدان
 درجه و جا ساعد که توایم و دایم قنات مطالب
 صحیح و سقیم و معارت مرده و مقبول و بی‌نوینت
 حق و باطل را و - و - و ولی بشرطها و شروطها
 گویا میشنوم آزادی قلم با علاه صوت خود
 ندا میدهد که من شروطها - حال مر ابناء
 وطن را واجبست که در نگارشات روزنامهجات
 خارجه نظر دقیق خود را مصروف سازید فقط
 بسایر و نظایر آن نپردازند که ما را ن خوش خط
 و خالند که بقصد ما رو گذاشته و همه دانه و دانند
 که برای صید طیور افنده ما داشته اند - طارا هشیار
 و بیدار نمائند - شاید خواب و مستی را بفرایند -
 قضایای موحشه و رزایا موجبه اخیره منبره ملک مهر
 روشن دلیل و حکمراه و شاهد جل است - بهترین
 مقیاس و میزان یا مکیال است که چگونه محسوسات ما

را بدون شایسته الفت یا لاشعنه گفت در ضد تمام
 و بر اثر تصاحبند - گو که با نتایج متأسفانه از آن موقع
 نگذردیم - بابی احترامیهائیکه بصاحب منصبان پست
 دولت ما شده چگونه؟ گر چه آن از جزئیات
 محسوب - لیکن همین جزئیات طاقبت به کلیات رسد -
 روزنامه طمس در آن باب چه نوشت؟ آن نامه مقدس
 در اینخصوص چه نگاشت؟ هنوز در مکتبین گرامی را
 پیاد است و خاطر ناشاد - همین قدر ابناء وطن ملتفت
 شوند ستون فلان روزنامه را نباید نبوت انبیا و نشاید
 اخبار اولیا شمرده - خصوصاً برای ما که در جنوب وطن
 هستیم - از جرائدیکه موافق آراء طایفه و افکار متعالیه
 همسایه بتدبیه ما جنوباً چیز نگارند و مطلب آرند -
 چرا بد لراید همسایگان ما را مربوط نموده اند که
 ممالک نصیحه آن دول معظمه را - آزادی شخصی -
 آزادی افکار - آزادی نوع - آزادی قلم - آزادی کلمه -
 موجود و ما را مسروق داشته اند که آن همسایگان
 معتمد در تمدن ممالک وحشی پانیک محترمی صحیح
 و صریح دارند مگر با نهایت السانیت و ضایت آرامی و
 سلامت است - با ترتیب دلجو و اساس نیکو و پروگرامی
 سالم در تمدن آن نقطه کوشند - و امور جیره در اقدامات
 شان ملحوظ نیست - و مطالبات زور نورد شان محفوظ نه
 پیوسته اظهار کنند جان و مال و ناموس و شرف السان
 از حیثیت آنکه انسان است از خود انسان است و پایه
 و اساس حقوق بین الملل بر همین عنوان گذاشته شده -
 ابناء وطن ما ملتفت هستند که آن دول کهن سال
 قویم که محاربه صلیب قدمت آنها را به ما نشان دهد
 وقایع ملهوفین و مغیبت مظلومین و حافظ جان بجاگان
 و مال آوارگان برده اند - و حقوق بین الملل را با ضایت توقیر
 و کمال محافظت محفوظ داشته اند - و اساس پایه حقوق
 مزبور را نیکو رعایت کرده اند - اینهمه اطلاعات را
 ما از قرائت روزنامهجات ذرا هستیم - از مطالب دیگر
 نیز فوق تصور در مطالعه آنها فایده برداریم و خواهیم
 برد - چرا باز شرف و قدر روزنامهجات وطن را بکامیم
 و روزنامه آزاد نخواهیم

و روزنامهجات آن ممالک فسیح السانک بمولود همین
 کلمات و مشحون از همین مطالب است -
 حالا چگونه ما ملتفت شویم این فایده عظیمه و واقعه
 جانسوز دخراتش ملک هجره مخالف طلم انصاف و اسانیت
 است که خود میگذارند موافقت آراء - روشن ستوده -
 چون تضییق و ذلالت دهیم و مخالفت را کویه نیم -
 از حکایات با رومان هند و سند و قفقاز و ترکستان چون
 مثالیاً سفیده ایم خواهیم گذشت - با سودان و سودانیان
 و نیجوریا و نیجوریانیان چه نمایم - چه ابناء بوع
 در آن ممالک حکشته - و قبور آنان را شکافتند -
 استخوان پوسیده شان را بردند و به آرایشگاههای موزه
 مملکت خود سپردند - آخ - آخ - آخ - آخ - آخ - آخ -
 گذشتیم با ممالک و سوماتریان و پولند و پولندیان چکنیم -
 کدام دیوانه است با چنین دول رعیت یگانه محاربه کند و
 ظلم شود طاقبت با آن بچاره ها چه نماید - روزنامهجات
 آزاد وطن بعد از ما باری و ساز و کف و آواز بگوش
 وطن خواهند رسانید - مصر و مصریان و خیره و بخارا
 را کجا بریم - بارگاه فرعون را چکنیم - اجساد مومیایی را
 چه عند نیم - حقوق تنایبها را چه سازیم - مشوده و
 فراسه را چه جواب گوئیم - دریای قرمز و شهر عدن
 را چرا یاد نمایم - چه مقدار افراد نوع در آن حدود
 شهادت یافتند - چه مقدار راضی در آن ممالک بودند و دم
 توانستیم زد - تو سوال و بترین را چرا از نظر افکنیم
 بعد از آنهمه وقایع که آفاق را پر نموده - امروز
 کروگرما حمرتم در اروپا - حاند میناید جنازه آن غیور
 وطن را بجه اندازه احترام وطن بردند و بخاک وطن
 سپردند - از آن حرف استخوان پوسیده طرا در مقامات
 دیگر برون کرده ممالک خود بردند - و اسی میان در
 انسان است فر موش نمودم خواهید بخشید - نگنم چندر
 ده و قریه در آن و ترکستان بشه آتش دودش ترا
 با همان در نیدند - بار بیدار نیستیم - از همدیار نیستیم
 ثبت و تنیان و کوری و کوریانیان را چه سلوک نمودند -
 چگونه هرس و چگونه فرص کنیم - دولت هزار ساله را
 با ملک چند هزار ساله چه خصومت و حکومت است -
 اراضی جزایر مستحفظه را با حبال مرتفعه چه مصاحبت
 او مناسب است - وجه - وجه - وجه - وجه -
 ساکنین امریکا اغلب از مهاجرین انگلندند با سکنه

شماره (۲۳) ۱۶ ربيع الاول (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۲۲ پی (۱۹۰۵) - شماره ۱۲

برخاسته ما را وقتی خوشی و فرصتی دلگشا بچسب
آمد که غمگینان بگلنیاوریم و وقتاً غنیمت شهرم آید
و افکار خود را در مورد آزمایش و مرض امتحان
در آریم ! نه ؟

مفتخرأ و منشکراً عرض مینمایم هر کس از ابناء
معارف لایحه وطنیه اسلامیة بنده را انتشار دهند مجازند
(جاگر وطن . س . ۱)

مکتوب از ولاد قفقاز

جندی قبل جناب مستنصر السلطنه جنرال قونسل دولت
علیه مقیم قلیس بزم مأموریت خواص در ولاد قفقاز
آمده بعد از فراغت از مأموریت محض سر کشی
و ملاحظه حال اطفال وطن عزیز کتشف فرمای
مدوسه نوروژ شده و شخصاً اطفال را امتحان فرمود .
با آنکه جندی پیشی از تأسیس مدرسه و ابتدای
درس شاگردان نگذشته از هر چه سؤال شد شاگردان
با کمال هوشیاری جواب دادند . خاصه در اصول و
فروع دین و مسائل شرعیه چنان از عهده برآمده و
جواب دادند که بدوالتان یقیناً در بجهت سالی
از جواب عاجز بودند حقیقت چشم حاضرین روشن و
پسند طبع جنرال قونسل موصوف آمد بهاسیان فرداً فرد
تحسین و آفرین کردند . و محض معارف پروری
و وطن دوستی که فطرت و جبل شان است سدمنات
از کبسه ثنوت خود مرحمت و وعده دادند که هر سال
بطور مستمر مبلغ مزبور را خواهند داد

الحق مدوسه نوروژ که مخصوص اطفال تبعه دولت
علیه می باشد در اندک زمان ترقی بسیار نموده فعلاً بجهت
قر منظم بومیه و چند نفر شاگردان شبانه روزی که
در خود مدرسه منزل دارد موجود است

جناب نصره الوزاره قونسل ولاد قفقاز که مؤسس
این بنای مقدس است داد وطن خواهی داده و قبول
زحمات فوق العاده در بنای این مدرسه نموده اند لهذا
همه وطن پرستان خواصه باشندگان (ولاد قفقاز) باید از
جناب موسی الیه وسایر اعضاء کرام مدرسه متشکر
و بخون باشند . بدوچه مدرسه منظم و با قاعده و
اصول جدید است که چند نفر اولاد خود شان را
از ایران برای تعلیم در این مدرسه آورده اند و حق

جزیره بریتانیا از یک تراداند و کتاب حقوق بین الملل
را نیکو نوشته اند و انگلیسیها بدان قنایر کنند . کالو
امریکائی در تألیف خویش چه رنجها برد . افسوس
که پیوده برد . اسپانیا و فلین فراموش نمیشود
اینگونه سوانح در کدام کتاب یا باب حقوق یا فصل
حقوق یا صفحات حقوق درج است . ابرایم . نه
خوانده ام . نمیدانم . شما فرمائید کجاست ؟ آیا آن حقوق
بین الملل و طایر قدسی کجا رفت و کجا برید ؟ نتیجه
کنفرانس لای و صلح عمومی چه شد . کفالت آزادی
مملکت و حریت شخصی و نومی کدام قطعه فرار
مورد . شرف و احترام انسان چرا فراموش و محو
شد . آیا میتوان گمان کرد همه آن فضایی جانسوز
از اجحاف صاحبان زور و مالکان قوه و طالبان جبر
نیست ؟ حاشا ! حاشا ! ربالتنوع انصاف خلقت آن
گمان را معدوم خواهد نمود . از آن گمان پناه بخدا
خواهیم برد . سیاسی آفریننده ناس را که برخی دول
تمدنه دنیا آنگونه حرکات مؤلانه را موقوف داشتند
چنان توقیفیکه زمانه آن حرکات را گویا فراموش نمود .
و همسایگان قوی شوک چون ایرانیان که پس از آنچه
تمدن و بنیان اسطخر و طاق بستم رجوع بهتقرا
موردند این ایام تمدن رجوع بهتقرا مینماید زمان وحشترا
یاد و نومی کنند

همین فرصت است که ما اصل و حقیقت مطالب
را بدست آریم . همین موقع است که مقاصد جرایدشانرا
ملفقت شویم . که کردارشان با گفتارشان موافق نیست .
که حرکات دولتشان با عقاید مندرجه در جراید شان
مطابق نیست . خود را اولین متمدن خوانند و بزور
و جبر حق برای خود جاری و ساری دارند و آنگونه
حرکات را نام نهند . که آزادی گاه محبوب و آزادی
شخصی پایمال و دست کوب است . مگر انانرا شرف
نیست . انانرا احترام نیست . انانرا مال نیست . انانرا
ناموس نیست . نیست . نیست . نیست طایف آمال
و نایب مهام کجاست . جوانم خسته شدم . بپریم شکسته
شدم . بخانید چه مقام خفته کدام . موقع نهفته است

شگفت و حیرت این است که موقبعکه آن واقعات
حیرت انگیز و سافعات حیرت آمیز که خامه را درود و
خلجبت آید بر نامه نگارند آیا هزاران نه که از اوایل

هم دارند. زیرا در وطن خودشان این قسم مکاتب حکم عقا و کیمیا را دارد. گاهی اگر یکی از معارف پروران و وطن دوستان اقدام نموده و مدرسه به اصول جدید باز کرده از نکبت بی قانونی مملکت به هزار مصایب و مضدمات دوچار شده و مکتب او هم چون چراغ سحری معلوم شده. حتی مدرسه دولتی تبریز که (طوش حر خفهد ولی دولت مستعمل بود) با آنکه مدتی در نهایت انتظام دائر و از علوم جدید و غیره تعلیم میشد بجه سبب و جهة بست و موقوف شد معلوم نیست

دارالفنون طهران از بدو جلوس شاه شهید و زطن صدارت امیر کبیر میرزا محمد تقی خان مرحوم دائر و سالی مبالغه صرف این دارالفنون شده می شود اگر مثل دوره اول و دوم شاگرد بیرون میداد امروز باید جمیع حکام و مأمورین دولتی و سفرا و قونسولها و افسران فوج از یاور الا - پسالار قارع التحصیل از دارالفنون دولتی خودمان بیرون آیند - بخلاف آن دو سال قبل در جنگ هفت لشکر طهران فرمانده فوج یک ارمنی بجه بود - و در تبریز صرف داده پانزده ساله سرئیب فوج و جوان (۱۶) ساله سرهنگ توپخانه مبارکه میشد - گریم که قشون و سرئیب و سرهنگ محض اسم بود نه رسم - اما باید خدای از دول خارج ملاحظه نموده عارمان بیاید

اعلیحضرت امپراطور حالیة روس باوجودیک چندین سال در خدمات اهل نظام و قدون بوده مع هذا وقت تحت نفی منصب سرهنگی در نظام داشت و حالاً هم دارای همان عهد و سر دوشی سرهنگی است - سایر صاحب منصبان ما در صدی بیست نفر دارای سواد و خط نیستند - اما حکام ولایات مان اگر در دارالفنون تحصیل و فارغ التحصیل می بودند هیچ وقت حکم قصر شهرین و مأمور معدن نفت که شخص انگلیسی بود مانع از اذان گفتن مسلمانان نمیشد و وقتی مسلمانان نزد حاکم رفته شکایت نمودند - نمیکفت ببرد که بگوئید اگر اذان نکوی مسلمان تو از دست نخواهد رفت - دیگر اذان نکوید - بیچاره بی بهره از هر چیز حاکم جاهل گویا چنین گمان کرده که دولت اختیار مذهب را با امتیاز معدن به انگلیسان داده بی قانون این نتیجه می بخشد که حکم مزبور به دراهم معذومه حقوق ملت

و مذهب را بخارجه می فروشند

(تف بر این قامت زیبا که تراست)

با اینکه حکم شمران آنچه رسالت را از نایب سفیر حسابه شاهی نمی دید - و بعضی از حکام محض دیدن لباس قفقازی در بر مقرر - حال آنکه رعیت ایران بود نمی گفتند که این رعیت روس است بگذارید بزود بی کارش

اگر قونسولهای ما در دارالفنون و یا مدرسه سیاسی که مؤسس آن جناب مشیرالملک سفیر پروس بزرگ است که هدایش با اجرای خیالات عالیة خود موفق دارد تحصیل نموده بودند آن وقت نایب قونسول ایروان در (قمرلو) وقتیکه امانت يك نفر ایرانی را کشته و باوجود نایب قونسول پاپس روس جنازه سید مرحوم را بمرض خانه برد و ششکمش را درید و سه روز نگاه داشت - مسلمانان هر قدر نزد نایب آمده میگفتند که آحر این مسلمان است جنازه را از پلیس بگیر تا دفن نمایم - در جواب نمیکفت که من به اروان نوشته و دستور العمل خواسته منتظر جواب هشتم - آخر الامر مسلمانان (قمرلو) که رعیت روس بودند به ننگ آمده اجماعاً نزد رئیس پلیس رفته عرض حال نموده که در شریعت ما خلاف قانون است میت سه روز بی دفن بماند - و باید فوراً دفن نمود - این جنازه سه روز است اینجا است بدهید دفن نمایم - رئیس پلیس جنازه را تسلیم مسلمانان نموده در حالتیکه تنهن بهم رسانده بود و نایب محترم تا آخر منتظر دستور العمل و جواب بود

سال گذشته در اسکندریه پاپس يك نفر ارمنی رعیت امریکا را گرفتار نمود که شکی جنگی دولت مشارالیها برای تحقیق و فصله امر رعیت خود در اسکندریه لنگر انداخته و از حبس بیرون آورد و در این سال بجه گرتاری و سرقه شدن يك نفر رعیت خود در (طانبه) هفت فرزند کشتی جنگی امریکا عازم (طانبه) کردید اینها هم نتیجه علم مأمورین است که در وطن مقدس خود معنی مابیت را فهمیده اند (باقی دارد)

حاجت فاعتبروا یا اولی الابصار

(ای که بد کردی برو این مباحث)

(زانکه تخمست و برویاند خدای)

هر مائل خوشیبار که بر ساحت عالم ارضی نظر
 عبرت منصف سازد و با چشم وقت و دیده اعتبار
 حالت نوع انسان و طریق قماش و طرز حیات اتم
 و قبائل را ملاحظه نماید و ساعتی در حقیقت و کله
 اطوار و اوضاع طوائف و مال تقصیر حسد
 خالق بیند حیرت انگیز شکست خیز که هر ذی حیاتی
 در درجه از درجات عزت و ذلت و مکننت و ممکنت
 ساکن است. یکی را ملل و منال و انواع نعمات موجود
 و دیگری افسوس کربت و مملکت، زمین فقر و فلاکت -
 یکی بر مسند هنر و جاه متمکن و آن دیگری بر خاک
 سیاه ساکن - یکتا را شاهی و شهر پری و بی را حیات
 نکبت و تباهی - برخی را عمارات رفیعه و تصور طایفه و
 اقسام تجملات و حشمت فراموشی برهنه و هرمان
 گریان و مالان بی مسکن و مأوی تاری از هر رتبه
 و شعور که در جهانش راحت است، نه در نظر
 دیگرانش حرمت و عزت (بعضی من بشاء و بمنع)
 و چون با هر یک از اعلی و دانی رفیق صمیم شود
 سینه اشرا از غصه و اندوه و غبطه و حسد آکنده
 بیند - فقیر بر غنی رشک برد و غنی فراغت فقیر را نمی کند
 و هر کس رتبه و مقام با دست آردو نماید و بر فقدان
 آن متأسف و متحسر شود و همگان را ربان حال
 و ورد مقال است - فلان را چنان ابواب سعادت
 و خوشبختی گشوده و دهر با خیالاتش موافقت
 نموده دورگار با اورام و زمانه بروفق مرام است و
 مرا زهر ابدار بکام - ای گاشی مرا بخت چون فلان
 و جهان بودی تا در تصور عزت غنودی و بر بالشت
 نار و نعمت تکیه کردی و از عمر بر خوردار شدی و
 چنین رتبه و چنان شغل و جاه یافتی - زمانه با من
 بکین است و ایذاء چون منش دأب و آئین - این چه
 طامع ناایمون و بخت وازگور است که مرا دوچار گشته
 کوکب بختم در کدام برج نحس منزل است و از مادر
 گیتی بچه طالع زادم!

و این امر خود حسرتی است بزرگ که حالت
 رقابت و غبطت نفوس را بر تحمل معاق و زحمت
 مجبور میسازد - و مطالبه مقام رفیع است که آدمی را
 چون جرح بخسار بگردش و در میناید - و اگر حال
 و شک و حسد بر تبه بلند نیروی و هم نشی بر تبه

دانات و پست را غنی و طشتم و گیتی رشته حیات انسانی
 و انتظام و وجود نوعی و اجزای دوجار سکنه و اختلال و
 گرفتار پریشانی و انقسام میگردید چنانکه شاهر بصیر گفته
 از قه فی الخلاق سرا * من سنا برقه محال الذول
 تفک و قه حکمة من حکیم * لنظام الوجود اصل اسبیل
 ترقیات فوق العاده اتوام و ملل و اختراع صناعات
 بدیهه و اکتشافات عجیبه و ابداع غریبانه آثار و وصول
 باطنی درجات مجد و سیدت و ترقی فنون و علوم و
 صنایع و وضع قوانین اساسیه و . و . و . همگی را مبدأ
 و منشأ همان حالت واحده است که موسی رفت و
 شوکت و رسیدن بذوره سعادت و مجد و حصول آمال
 و اطمینان است - و هر چه آدمی را تمدن و تربیت افزون
 شود و حس انسانیت بیدار گردد این حالت در او
 بیشتر تأثیر بخشد - چنانکه مشاهده میکنیم در بلاد متقدمه
 و مالک آزاد این مسئله زیاده مورد توجه و اعتناء است و
 نیامت موسی بیک اتفاق معنوی در میدان مسابقت و
 تقدم قدم مزینند

عجبا که با این حال چون همه بلاد متقدمه را
 سیر و سیاحت نمایم مشاهده میکنیم که احدی را
 قدرت تجاوز و حد تخطی بحتوق و حدود دیگران
 نیست - و یاری دست اندازی بطرف اموال و بضائع غیره -
 جز از دور ستادن و نظر تحقیر کردن و غصه و غبطه
 طوودن چاره ندانند و حیه نتوانند - با چشم بی نظیر
 کردن محارم دیگران تمکینش نباشد - و به دست گهواره
 و پای بار اموال غیرا بر نکیرد - و بخانه دیگری داخل
 نشود - گویی قوه فوق العلییه در عالم است که حارس
 نظام و حافظ هیئت اجتماعی است که همه افراد یک
 ملت را بمتبه اعضاء یک بدن یا آلات یک کارخانه بعضی
 بار داشته و مأموریت و وظیفه مخصوص بخشیده و
 رشته تنظیم کل را بر بقرین وجوهی محکم و مستحکم
 ساخته بختی که هر تن در رفتار و کردار خود تابع
 نظام کل و پیرو وظیفه خویش است و اطاعت و استعانت
 که قوی ترین اسباب تمدن است بوجود او قائم و استوار
 و آرایش و راحت که روح مدنیت است بواسطه او
 برقرار و بیدار است و وست پایبن شهرستان ملاحظیت
 و عافیت و سر کرده بیه امن و سلامت -

آله این قوه عظیمه و این نگهبان بخت که نفوس

فرمان واجب الاطمان خرد خورده بین سر نه پیچده و در هر امر جزئی یا کلی احکام او را گردن نهد - بزودی سبب سعادت شود و اوصاف کریمه و اخلاق عظیمه در او متمکن شوند و تعادل در معاملات و تساوی در حقوق مشترک که میزان عدل و قسط است مستقیم گیرد طبایع افراد ملت را بطرف مروت و ملاطفت و رحم اولین کلام و سایر خصائل سامیه طایل و رانگ سازد افراد قوم را یکدیگر رؤف و مهربان نماید و وظائف و شئون را محدود سازد و همگان را بسمت یک نقطه چون محیط یک دایره منصف گرداند بضمیمه جلای چون اعضاء و اجزاء یک بدن گشته منظور و مقصود در همه احوال از نیات اعمال طیر و سعادت ملت و حصول سعادت و شرف قومی باشد - در آهنگام برخیزند از میان امت جعی که مداخله نمایند در اشغال ملکی از روی کمال حکمت و صرفه ملت و دولت که بهواجب نفس دون حقوق مشترک را با پهل سازند و خود را در نزد وجدان مشغول و مواظف دانند و خوبتر را بر دیگران فضیلت و ترجیح ندهند مگر به سبب خدمت بنوع و چون از روی کمال خیرت و بصیرت با چنان نیت خالص از شبهات اغراض اقدام کنند - خداوند متعال نیز آنان را مدد نماید و دست غیبی در همه احوال ایشان را همراه باشد و امت منمنع شوند بجهت پاکیزه و عیبی کوارا و هرگز چنین قومی را زوال و اضمحلال طارش نشود - مذلت و مسکنت رخ نماید مگر آنکه فضایل را از خود دور سازند و نفس را که حاکم حکمت الهیه است اطاعت نکنند چه فضائل روح ام است که حفظ میباید آنان را از زوال و مانع میشود از مداخله عناصر اجنبیه و این است معنی آیه شریفه که خدای فرماید (ماکان ربک لیهلک القرى بطم و اهلها مصلحون) قسم بخدا اگر بدمد نسیم از ارواح فضائل بر سر زمین شوره هر آینه گی و ریحان برویاند - یا بر وادی مرده زنده کند یا مکان بی آب و گیاه خشک زار از سحاب رحمت الهی باران نعمت نازل کند و سزاوارترین امم برسیدن در این نقطه کمال امتی است که پیغمبرشان فرموده (بشت لائتم مکارم الاخلاق)

اما چون نفس از اطاعت عقل سرباز زند و راه

خونمیری پیش گیرد و در حضرت عقل رام و فرمان بردار نگردد پس راه صواب بروی پوشیده گردد و در بیابان بیابان و خیمه العاقبه حیران و سرگردان شود تیرگی و ظلمت بر او غلبه یابد فضائل و ملکات کریمه دور و رذائل و فحایم بدو هجوم نمایند - رشته انتظام قومیت و اجتماع بپوشد و منقسم شود چه تمدنی محدود دیگران را حاکم مانع و تسلطی درکار نخواهد بود و وجدان از استقامت در احکام عاجز خواهد شد قساوت و سخت دلی بر طبایع غلبه خواهد یافت بخل و حسد و شره دیده اعلی را تارک خواهد ساخت آهنگام نفوس از یکدیگر متنفر شوند چه بالطبع هرکس منزجر است از آنکه بر وی تمدنی روا شود و دست بسوی حقوقش دراز گردد پس خداوند جبهه حفظ اجتماع که انسان را در احتیاجات مسائیه لازم و ضرور است قوه اجنبی را بر آنان تسلط بخشد و هیبت ملیت در چار سگته و اختلال گردد - توحش پدید آید - طوفان خواری و سفاکی و بیایکی زیاد شود. نفاق و تفاق رواج یابد - هر فردی در اضمحلال ملت بکوشد - و لذا از یکدیگر پراکنده شوند آنکه ابدان مجتمع اند نوامیس را طلل عارض شود و در نزد اجانب خاضع و خاضع گردند اگرچه بر افراد ملت تکبر فرورسند در جراثیم پستی و ذنات و حساسیت عروق حیات نوعی را با دندان قساوت قطع کنند و در مدتی اندک این قوم مضمحل شده از صلحه عالم اثرشان بکلی محو گردد (و کذاک اخذ ربک از الخلق قری و هی ظالمه ان اخذہ لایم شدید)

اینک باید دانست که حدوت هر یک از این دو امر را در یک ملت سبب و علت چیست ؟ و باعث ترقی یا تنزل اقوام در فضائل و رذائل چیست ؟ ما نا آنچه تحقیق پیوسته سبب تقدم یا تنزل وجود اجنبی بشری حالت رؤساء دولت و اعیان ملت است که حاکم در قضایا و قاضی در دعاوی و مدار علیه مهام ملکی و ملی اند - زیرا که چون وجدان و حاکم نفسانی از فرماندهی و فیصله امور عاجز شود و اشخاص را طوب و بد بنظر مساوی آید رؤساء قوم باید با استقامت قوه جبریه آنانرا مطیع سازند و عدالت خانه دانه ساخته حقوق قوی و ضعیف را حفظ کنند و تساوی و تعادل در

مخاطبات را مخالفت نمایند - و قوت بیان و نصیحت خلق را بجاده مستقیم عدل که اصل فضائل و مرجع کل اوصاف نافع است داخل سازند - و تدریجاً اخلاق و عادات زشت را از خاطر شان بیرون کنند و بمرور اوضاع را اصلاح نمایند - چنانکه در تمامت بلاد و ممالک متمدنه مهتمترین ادارات اداره عدلیه و حساب است که در انتخاب اعضاء و اجرای آن زیاده از حد دقت نمایند و بقضایات نص ننگند مگر آنکس را که جمع فضائل و مکارم باشد و از هر نوع رذائل دور و مهجور خمر و مرض را در وجودش راه نیابد - طمع و رشوه جشم او را ندوزد - قانون را مقدم بر هراسم شناسد - طود را در نزد حاکم نفس مسئول داند -

ولی کجاست وجود این گونه رجال ؟ در ممالک مشرق زمین مشاهده نمیشود مگر رؤساء مغرض طماع که شرف را در جمع ذخایر و آندوختن دقائن از طرق غیر مشروع - و جاه و جلال و در اظهار استبداد خلافت - و قدرت را در قسوت و برحمی - و سخاوت را در اتلاف و اسراف و عیش را در ملک پرده حیا - و عزت را در دلیل ساختن مات دانند - قدم نزنند جز در راه ثبات امت - و سخن نگویند مگر در زبان ناس - تحصیل علوم را حرام دانند - و همل بتوانین عقیده را محل شرف تصور کنند - تواضع و ادب را عجز و انکسار کان نمایند - مآلف شخصی را بر فوائد نوعی ترجیح دهند - ناس را عبید و امله خود تصور کنند و گوی مملکت را در ختم حیوانات خویش آرند بی سببی بین و حقیق ظالم بر جان و مال فقراء بتازند - حکم نکنند مگر بهوای نفس - و سلوک نمایند جز بجهت و ستم - در مکانه لجاج پشه کنند - و در مسلک اعوجاج - از راه حق انحراف نمایند - اخلاق مات را حاکم کنند - و طاعه را برزائل متاد سازند و ایشانند - اعداء عدو عالم المسابیت - و بزرگترین دشمنان مدنیت و تربیت (باقی دارد)

عبرة الناظرین

(بین روز هن و اسحق پشه کن)

(ز روز بد خویش ادبینه کن)

(شرح طبیان و شورش ارمانه یادگوه بر هموم مسامین)

(ایران و قفقاز و مواد آن بقلم یکی از)

(مواالحوامان عالم المسابیت مقیم بدکوبه)

در پینه (۱۳۲۹) هجری مطابق (۱۹۰۳) میلادی
کارگذاران دولت قوی شوکت بیته روس به لحاظ

بعضی از حرکات نامعقول و مداخذهای ناگوار طایفه ارمانه مقیمین روسیه و قفقازیه مجبور شده خواستند اداره موقوفات و خیریه آنان را در تحت نگرانی و تصرف دولت آرند - تا بنیان ادارات موقوفاتشان محکم شده امدی کرده - و در این مسئله همه ساله فهایین رؤساء نزاع واقع و طایفات خیریه حیف و میل نکردند صراحتاً قشقه کار و خیال را بر رؤسای روحانی و همایند این طایفه یاد داشت و پیش نهاد نموده و گفتند که حتی بر دولت متبوعه شما واجب اتاده امور خیریه و اداره موقوفاتشان را در تصرف خود حفاظت و نگاه داری نموده در موارد لازمه صرف بسا و مرمت معبد گاه و مدارس ملیتان باید - و نزاع را از بین شما مرتفع دارد - هموم ارمانه که این اعلان را دیدند سخت نفرتش آمده بدون مال اندیشی و مشاوره بنای قال و قبل را گذاشته آشکارا گفتند و جواب دادند که ما طایفه ارمانه مثل سایر طوایف روسیه بی علم و تجربه نیستیم که حقوق و اداره ملی را در تحت حمایت غیر و تصرف دولت داده سلب اختیار ادارات خیریه و موقوفات را از خود مان نایم - نخواهیم گذاشت و گذشت ولو اینکه سبیل فنا و غضب دولت ما را بکسر مضمحل سازد - وجه - و چه در این موقع به فکر جمع نمودن و فراهم آوردن لوازمات دفاعیه اتاده در صدد فداکاری بر آمده مستعد دفاع گشته که نگذارند خیالاتشان رنگ دیگر گرفته و حواسشان براگندگی گیرد - دولتشان نیز در پرده توجه و دقت داشته منتظر وقت و امر دولت بوده متانت می ورزیدند تا اینکه بی باکی و سفساکی این طایفه آشکارا گشت - دولت و فرمانروایان مملکت به تیر آمده احکامات سخت از دربار پترسبرگ به فرمانفرمای کل مملکت قفقازیه جناب جنرال (اجردان) مسیو (قاسمین) صادر گشته که مستعد کارروائی شده مقصود را بعمل آرند - فرمان فرمای معظمالیه بر حسب اوامر ولینعت خود رو بهسافه ارمانه آورده به لسان این پشرفق حاصل نکرد و بعد به قوه حریبه و مجزئی حرکتی تمام اداراتشان را توقیف و بتصرف خود آورده دولت را از این دفعه آسوده خاطر نمود و هر قدر در این موقع

بگردش تنش خلق گیرد و فوراً نرسد و در ایام آن هر چه
کرامتی باید اداره شود را حکم قتل او را بدست جهال و
بدانسان داده چروسیه باشد از پایش خواهند آورد چه
چنانکه سه ماه قبل (آدم آف) که یکی از بهترین
و معتبرین ارمنه بادکوبه بشمار و دارای ملیان - ملیان
مکنت بود به همین لحاج تنش را بخونش آغشته چرا
که (آدم آف) امنیت طلب بود و شرکت در کار و قرار
سایرین نداشت

بالجمله ارمنه به اواز بلند ندا میدادند که ای یاران
دین و هموطنان عزیز ما! ای گروه مسلمانان مقیمین
قفقاز چرا خون در ابدان شما اندرده و فاسد گفته
جوش نمی آید. مگر هنوز وقت آن نرسیده که رفع
این منظم های فاحش را عوده دی از بجهت قهر این
دولت غیر ذبحی آورده و رفاه حال بسازید. و از ما
طایفه ارمنه که هزاران سال است با شما هم سایه و هم
جوار بوده هستیم سر مشق گیرید؟ ملاحظه کنید تا چه
پایه یک دل و یک جهت گفته میزد شده ایم که حقوق
ز دست رفته خود را عاقل دهیم. و از دولت باز
پس گیریم و از این فداکاری استقبال و زنگانی آئینه
ما بسیار منظم بوده بطور اکل و بیکی خواهد گذشت
و هر گاه در این خیالات طالب و اهم کاپی با طام
عنان و شریک گردید چه نتایج بسیار خوب بر شما
ارزانی و مبنول خواهد گذشت. هر قدر از اینگونه نجات
باطن دلخراش سرورند بی جا و بی ثمر مانده. دیدند
از طرف مسلمین نه صدائی بر خاست و نه جوابی
آمد ابدان جنشی ظاهر نگردید. بعد طرح دیگر ریخته
اوراقی چند و لایحه بسیار مبنی بر مواعظ حسنه و
اعلامات دلسوزانه مثل مدرسیه که به طفله صغیر
تدریس نباید بالنسبه به سکانه عربی فارسی و ترکی
بین عموم مسلمانان قفقازیه و بادکوبه توزیع نموده
و مکتوبات شانرا به این دست آویز ظاهر کرده
انتشار دادند. که همان ای فرقه مسلمین قفقاز و بادکوبه
تا کی و چه وقت مدعوش و بی حس و خون در عروق
شما اندرده و بزرده خواهد بود؟ چرا قد مردانگی
شما برای حصول مرام علم نمی شود؟ مگر نمی بینید
دولت روس در چه دام و روزی گرفتار است. تمام
اقوام عتانه روسیه در این روان در تگاو و جولان
هستند که حقوق در بیشتر از جنگ دولت ظالمانه روس بیرون

از ارمنه تاجان بازی و فداکاری شد پسود و تیج
مانده. مبنی از فوسشان کاسته و سنگ مظلوم کلایسا
به ناله حزن انگیز از شدت کلوله باری بخروش آمده
بر جان مردمان مفرور و شمریر قربینها کرده بدانیان را
از جوش بار داشت. و ارمنه زخم منگری از دولت
برداشته در سده چاره جوش و رفع ناله هاله بر آمدند
تا اینکه گفتگوی تخیله ایالت منجوریا مطرح
مذکره شده دولت جوان با همت شرقی اخبار جنگ
داد و میداین جدال و قتال آراسته گردید. و دولت
قوی شوکت روس به نصای شرق بجهت قهر در افکنده. مشغول
جواب دادن خصم گفته. گرفتار زحمات فوق الطاقه
گردید. و طایفه ارمنه را وقت نیکوئی بدست آمده
یاران کهن خیالات دیرینه را پیش گرفته - در هر
شهری مجالس شور برپا و دایر نموده نشستند و گفتند
و برخاستند. مدبرین شان رأی داده و عقیده چنین ظاهر
نموده که فرقه اسلام در قفقازیه بیشتر و قزون تر
از سایر طوایفند و تا اندازه هم با ما خصوصیت و هم
اطمینان و اعتماد حکما کامل دارند. هر وسیله ما را
ممکن است دست رس شود آمان را فریفته شاید
بعبت مسلمین بتوانیم آب رفته خودمان را بجوی بر
گردانیم. و نگذاریم زهر بار سنگ مانده حقوق مان
برایگان از دست برود. و تا ابد دولت روس بکارهای
ملی و ادارات طریقه مان مداخله نماید. و در اتحاد
مسلمین با ما اگر محاصره و منازعه با دولت هم پیش آید
چه باك است به تذاویر چند مسلمانان را مقدمه لجیش
فرار داده هدف تیر و شلیک عساکر و به بجهت قهر دولت
گرفتار شان نموده آتش این جنبش مخالفان را بین
مسلمین انداخته خودمان را بکناری کشیده امنیت طلب
خواهیم شد. این رأی پسندیده آمده مشغول به عملیات
منصوب شدند و هر لباس مسلمین قفقاز خصوصاً اهالی
بادکوبه را محرك برسد حکمران بودند. مرکز جریان
احکامات نسبت بسایر بلاد قفقازیه که ارمنه سکونت
درند شهر بادکوبه است. چه ارمنه این شهر تا ما
متمول و با ثروت دارای معادن نفت و غیره اند تمام
مسائل مشکلیه ایشان از ثروت بادکوبه حل شده محل
دادند نیز دایر و بریاست هر کدام يك از متمولین
ارمنه بادکوبه از اداره شوراه پولی و موزوع زمین شده

آورده برای آینه‌نگان حتمی بسزا باشد دیگر شما
انتظار کدام روز و چه وقت و موقع را دارید؟ چرا
مثل گرفتاران در دام سیاه و قابض ارواح مات و
متعجب دودست بروی سینه گذاشته‌اید؟ هراس و بیم
دیگر چرا؟ مگر دیده‌حق بین شما آرامه و پویدیان
که در عدد ناک شهاها بستند نمی‌بینید که در چه خیال
و مقصد قدم میزنند (باقی دارد)

مکتوب شکفت انگیز

نگارنده بزم سیاحت از هند بیوشم و بسمت عراق
و از آنجا بجانب طهران و سپس بطرف مملکت هند
حرکت نموده در مرگ از منزل از وضع آسایش
و زندگی ساکنین آنجا پریش کرده و اطلاعاتیکه حاصل کرد
در کتابچه بنوی خود یادداشت کرده ام - اینکه بقصر شیرین
که تقریباً یکصد و هشتاد باب‌خانه دارد رسیده و این آخرین
منزل سرحدی ایران است که همجوار مملکت عثمانی میباشد
رسیده - حالت ساکنین آنجا را خیلی متزلزل و مضطرب دید
از آنجائیکه سیاحان تحقیق هر واقعه را در مسافرت
تحقیق می‌نمایند درصدد معلومات برآمده معلوماتی حاصل کردم
که اسباب حیرت گردید که چه ظلم‌ها بمخلوق خدا میشود
حکومت آنجا از قرار معلوم شخص پررگ دودمانی
نسبت و بیجوت قابل و اعتبار خدمتی نداشته بنا بر این
خیلی بر خود می‌نوازد لابد چنین شخص بطوائف الحیل
دست تمامی باهالی دراز میکند

حکومت که روی گوسفند است باید حفظ ناموس ملت
و در صدد رو سبیدی دولت و رعایا را بدعا کوفی سلطان
قیام دهد - رعکس آنکه خواسته دست اندازی بناموس ...
نماید چون دستش بجائی نرسیده حبله بمحاطرش رسیده شخصی
و برانگیخته مدعی آن پیچاره ساخت و چند نفر از مستخدمین
خود را مامور کرده که در وقت جنگ شهادت دهند که مدعی
زن خود را در حضور ما سه طلاق نمود سپس حاکم خود
غرض پدر زن او را حکم داد که دختر خود را از خانه او
بیرون آورده بخانه خود برد و او نیز ناچار چنین کرد مدعی
بعد زن خود را بخانه برد دوسه تومان حرمه شد پیچاره
جرمانه را هم داد چون دو طفل دارد و زن مجبوراً خانه
پدر رفته چه حال دارد

گدشهای آنجا که محمد نای است از متولین آنجا است
محض رهائی آن پیچاره از این ظلم مومش خدمت حاکم
توسط کرد که شاید عصمت ملک زده رعیت پیچاره برپا نشود
طالبت مایوس بخانه بازگشت حکومت از این حرکت
گدشهای بدبخت و بچیده بهانه جوقی سکرده پانصد تومان
اورا هم حرمه نمود

محمد نای برای اصلاح رخاست از آنجا بیکه - الهای
سال درو ماییکه حاکم مرصوف اسم درسی داشت و هر وقت
بخانه این شخص وارد میشد مهربانی و مهربانی می نمود
بخیال اینکه حکومت مهربانیهی گذشته را در نظر دارد
و شفقت او را خواهد پذیرفت نزد وی رت از او
دوخواسته رخصت زن آفتک زده را نموده که چور اولاد دارد
و می یولاد او بکلیه مدعی پیچاره اکثر سطن نسبت بدعا
نکرده طالبت این ظلم بری شما خوب نیست حکومت

از این گفتگو و بخش پانز که چرا طرف مدعی و رومن
ترجیح داده بدوا تغییر زیاد نموده سپس مدعی را برانگیخت
شهادت نامه دوست کرده و مدعی را مجبور به مهر کردن شهادت
نامه کرد و جماعت هم از نوکر و وابسته‌های خود را مدعی
ساخت که شاه این پیچاره مال پدر حکومت است

هال اشخاص نصری که مهر خود را بشهادت نامه
نهادند تا آنکه در شهادت نامه دیده دیگر به محمود جزور دادند - که
خانه ملک طلق او است و حکومت را مجبور کرده شهادت
نامه را مهر کردیم هرگاه خبر از این می‌کردیم بهرینکه از
ماها نیز اذیت می‌کرد

در کف شیر ترهونخوارده غیر تسلیم و رضا کوچاچه
حکومت حایه تمامی و ظلم را از حد گذرانیده سال
گذشته ناچار اهل قصر از تمامی و ظلمش چون بختی
پناهی نداشته برقی کرد که لوی سلطان است وسیله
قرار داده مستمعین شدند که شاید حکومت کرمانشاه دست
تصدی ظالمانه این حاکم را از سر آن پیچارگان کوتاه نماید -
اعضای حکومت مشق پول گرفته مجدداً او را بر قرار کرده
و این ظالم طاقت زن پیچاره را مالک باصدای شلیک تنگ و
هیای هوی چون دختر چهارده ساله آنکارا بخانه برد

چندی از این گذشته خانه محمود را تاحق بدون قتاله و
سند و بیته خواست مالک شود - انوس در این ناحیه آنکه
ایته بختی نرسد فریاد است - جمی خلق در سرحد
پریشان ظلم و تمامی او هستند - این اسم در تواریخ دیده
شده ممکن که پیدایش از ظلم و تمامی باشد طاقت منهدم
خواهد شد (احمد علی شاه)

مکتوب از سمنان

سابقاً مختصری از احداث مدرسه ادب در این ولایت
عرض کرده از اقدامات مجذانه و اهتمامات حکام
جناب منصور السلطان رئیس و آقا میرزا یوسف خان
مدیر مدرسه در فتح این باب خیر شطری بقلم آورده و از
جودت فطری و دکارت ذلتی انسانی نوع اول و پریشان
حالی و عدم بضاعتشان را نگاشته استمداد بقای این کارخانه
انسان سازی را از غیرت تمدن و وطن پرست تمنا کرده بودم
باینکه از کسی تاکنون مدعی نرسیده شخص مدیرعالی است
باستقراض و تحمل زحمات اسبب توفی و تربیت نوپارگان
پوستان انسانیت را جمع آوری نموده و در ظرف دو ماه
متضمن این مدرسه گوی سبب است از متحصنین پنج ساله
و شش ساله رودند

(۲۸) شهر ذی حجه الحرام (۱۳۲۲) در حضور
علماء اعلام و جناب مستطاب آقای حاج اعتمادالمالک
- حکمران و آقایان عظام هر یک از طبقات متحصنین
از ابتدائی و فارسی جوان و صری و نحوی و تاریخ و
حساب و قرآن با ترتیب صحیح بطوری امتحان شد
که اسباب تحسین حاصل گردیده معلومین مورد بذل
عنایت حکمران گردیدند - بعد از فراغت خطبه که
مشتمل بر حمد باری و منضم بر روح و دهنی بشای
دولت جاوید آیت بود صرف شربت و شرفی خدمت
مجلس اختتام پذیرفت و با ب حاکمان مخارج دو نفر طفل
فقر و متذلل و مبلغ بیست تومان هم اعانه مرحمت فرمودند
مندانند بر اجلال شان بیفزاید و سایر امانت کنندگان را

تأیید فرجام با وجات زیاد اسباب عالی را حاضر و متیاً
نموده که عنقریب رواج این صنعت قلمی پریشانی بیکاری را
وضع نماید این امر خیر هم ساری و جاری خواهد گردید

مأمور انگلیس در بم

مدیر جبلالتین - بطریق و ثوق اطلاع حاصل نموده
که خان بهادر اصغر علی خان نزل دش که مأمور خاص
فولسلفانه کرمان بود از سیم می ماه (۱۹۰۵) میلادی
در شهر (بم) وکیل الدوله دولت انگلیس مقرر گردید

استفسار

مدیر جبلالتین را خراش مند است که در نامه مقدسه
مسائل ذیل را از وقایع نگاران (هم) و (بیروت) استفسار و تحقیق
نموده برای اطلاع معارف خواهان در اخبار اعلان فرمایند
(۱) مدارس شبانه روزی (بیروت) شاگرد چند ساله
قبول می نماید و مصارف آن من جمیع توجه چند است
(۲) شاگردی که شب بخواهد در مدرسه بماند تا چه
مهر قبول میشود و برای منزل جداگانه و حق مدرسه و خرجهای
دیگر چه قدر مصارف تعلق میگیرد - خواهش دارم مفصلاً
اس سؤالات را جواب تشریحی بدهند

مکتوب از علیکده

مدیر جبلالتین ایذکرافه چون جنابان مبارک در انعامه و
ترویج سعادت کمال همراهی را دارید زحمات مرض می دهد
که شاگردان ایرانی مدرسه العلوم علیکده از اول محرم تا
آخر صفر در مدرسه انقاد مجالس عزای سید مظلومان
نموده در زبان فارسی مرتبه سرائی و روضه خوانی می نمودند
شاگردان و معذین شبانه و نواب رادگان هم در آن مجالس
حاضر و کسب منوبت می نمودند - و پس از مجالس روضه
خوانی سینه میزدند و دست و هشتم صفر که مصافح بود
با شب قتل حضرت امام حسن علیه السلام مجلس با شکوهی
منعقد و بالغ بر شصت نفر شهبان شریک مجلس شده بودند
مجلس افزودند پس از ختم مرتبه و روضه خوانی مجلس
بدای عمر و عزت اعلی حضرت اقدس شهنشاهی و شاهزاده
صدر اعظم دولت علیه ایران ختم شد - مطین و متطین شبانه
ازین مجالس و رسوم عزاداری شاگردان ایرانی بسیار سرور
گردیده میکنند که این اول مرتبه است که درین مدرسه
اسلامی این گونه مجالس عزاداری منعقد شده است - ما
شاگردان ایرانی از اعضای انظامی مدرسه خصوصاً جناب
نواب حسن السک سکرتری که نیکو سرپرست اند متشکریم
راقم (محمد اسمعیل ی کرمانی بود محمد بوشهری)

ترجمه از روزنامه لاندان دوک منطقه لاهی

مورخه ۱۱ اپریل

وزیر مختاری دولت ایران در لاهی

دیروز اشاره ارتقی تجارت دوات (مولانده) در
ایران نمودیم - محض استحضار مشترکین محترم بیان این امر
و لازم می شماریم که آن کس که باعث ارتقی تجارت ما

شده ظاهر داریم که جناب میرزا عبدالصمد خان
ممتاز السلطنه وزیر مختار دولت علیه ایران درین شهر
پای تخت است - با کمال تأسف این خبر رسمی را
بیان می کنیم که جناب ممتاز السلطنه بسفارت پاریس تعیین
و تبدیل شده - خبیث ایقان را در مجالس عالیه این
شهر پای تخت با کمال تأسف، مذاکره می نمایند - چه
معزی الیه درین چهار ساله توقف خود درین
شهر پای تخت سلوکی مدوح داشته و به نیکو ترین
رذاری جالب قلوب عامه و خاصه از هر طبقه بوده و
خیلی بر مناسبات و دادیه دولتی ایران و موافقت از خود
در صله خدمات محبوبانه ایقان علیا حضرت ملکه در
سال اول، امور بتدن محایل و نشان (اورا انزواتسورا)
ابطاط مرحمت در حق ایقان نمودند - در این مأموریت
ممتاز السلطنه خدمات نمایان بدولت متبوعه خود نمود -
من جمله انتخاب (مسیودان قرات وان راگن) و سایر
مهندسی است که برای بتن سد اهواز منتخب شده
و حسن انتخابش در نظر شاهنشاه ایران و شاهزاده
صدارت عظمی، مستحسن واقع گردید - مهندسی مذکوره
مشغول کار و تکمیل کلبه نقشه سد اهواز آمد و
عنقریب بتوسط ایشان چند مهندس دیگر از موافقت
بجانب ایران و حساب شده که شروع بعملیات نمایند

دو سال قبل بتوسط ممتاز السلطنه برای ارائه
صناعات ایران بازارگاه عمومی درین شهر شهر تشکیل
یافت که فائده آر حالا و مالا خیلی بایران خواهد
رسید - علیا حضرت ملکه موافقت شخصاً در آن
بازارگاه رونق افروز گردید - از همراهی این وزیر
مختار - دولت علیه ایران تمهید و تذکره و غیره و
نیز سایر لوازماتی که ازین قبیل است در موافقت فرمایش
داده بکمپانی (بدکلتریک) معروف پواتنگتون سفارش
های عمده از دولت ایران درین اواخر داده شده است -
روابط دوستی و تطلعات سیاسی و تجاری ما با دولت
ایران از اثرات این مأمور دشمنند با بصیرت خیلی
در فریاد است - علیا حضرت ملکه اعلی حضرت شاهنشاه
ایران را در تابستان آینده بپولند دعوت فرموده اند -
جناب ممتاز السلطنه را به نیل این مقام منبع ارجحند که
که مأموریت مرگزی مثل پاریس (برای ایقان خیلی
مهم است) نریک نمیگوئیم و تأسیفات خود مان را به از

مفارقت ایشان ظاهر و تفکرات اهالی را جداشان
عربی نایم

مجله الملتین

جناب میرزا عبدالصمدخان ممتازالسلطنه از مأمورین
درست کار صادق امین دولت خواه است که هماره ما
در نامه مقدس بدیشان مباحثات نموده - بارها شرح
حدواتشانرا نگاشته ایم - اعضای اداره مجله الملتین ناصر
تقی زینل بدین ماطفت ملوکانه را و این مقام منیع و
جایگاه ارجتد را بایشان تبریک میگویند

مکتوب از عراق عرب

مؤیدالاسلام - ای شور انصاف سر ما - وای مفر
دهنده کما - نمیدانیم بچه زبان لغت سرانیم و یکدام بیان
مدحت - احیای اموات شنیده ولی ندیده بودیم -
قلم معجز بابت کاهی، نشانه از عصای موسی است - و
گهی اشاره بید و بیضا - بیان روح افزایت گاهی مبین
سحر حلال - و گهی موضع طرق کمال -

(از دست وزیران که برآید - از عهده شکر برد آید)

در این ایام خیریت انجام که به مطالعه نامه مقدس
چشم روشن شدیم در شماره بیست و ششم کیفیت اختراع
(توب مسلسل) را که برادر وطنی ما ترتیب داده ذکر
فرموده بودید شوق مطالعه اخبارات همداره روس و
ژاپون را بکسره از سرمان بدر نمود - گویا سر می
بر روی زخم دلتا گذاشته - و یا آب بنی بجمرات
غصها باشد - بکاره عنان اختیار از سقف شوق
ر بوده توسن عشق جولانده میدان ذوق گردید -

بیت فرح نه چنان از خودمان بخود بکورد که زبان
را یارای تقریر و قلم را قدرت تحریر دهد - باسها
مبدل نماید و غمها بدل به بشاشی و نوید گردید - گویا
رومی بقالب متمدن ایرانیهای ساکن عراق عرب
دمید - آن روز را روز عید نامیده بخورسندی و
طوشوقی گذراندیم - چون در محضر شخصی اربزرگان
ایران ساکن این خطه که الحقی آئینه سر تا با تمدن است
استماع داشته و بمطالعه روزنامه در حضرت شرفش
موفق شدیم - بجهت تین و تبرک امر بشربت دادن نمود
محموم ایرانیان حاضر مجلس شریفین کام شده خود آنجناب
خطابه بکوه منضمین تبیج اشواق حاضرین بود بان
مضمون لطفی فرمود

ای آریایان با ذوق و ادراک و ای ملکوتیان
ساکنین این خطه - بفارغ باد شما و محوم ایرایایک

لغت اینگونه مواد را درک کرده و بکهنه حقیقتش پی
برده اند - عنقریب است که ما دور افتادگان از وطن مآلوف
از روی وطن را نه چون سابق بلکه گلستان وار
معااهده نایم و داد تمدن چون ژاپونیان بلکه بهتر از
آنان بدیم - این مطلب را من از خود بیکویم بلکه
دلیلی قلی در این باب شاهد مدعی و برهان عقلی
این مقام رو نماست شما این نوع طاسا بر خود بهتر از
بنده تبیج ابر زنده میدانید - در همین حریده مقدسه در جواب
تکراف تجار ایرانی اسلامبول - ملاحظه نماید که حضرت
اشرف صدارت عظمی چگونه اظهار همدردی بلکه دلسوزی
میکند در جایکه فرموده اگر شما تجار اسلامبول را چیزی
منظر رسد در خصوص اصلاح - کواکات ایران اطلاع و مید
من آن فرمایش شخص صدارت را در ضای تمدن و اساس
روحانیت خیلی عظیم می بینم - اگر چه این اختراع جلیل
(توب مسلسل) چشمها را منور کرده لیکن به مذاق
من منده این عید را در این فرمایش این شخص بزرگ
باید تبریک گوئیم اتمی

البته حضرت صدارت این اختراع جلیل برادر وطنی
مارا بنظر عالی - ملاحظه خواهانده فرمود و مخترع محترم
را محل عواطف و نوازش خواهند نمود تا حسب تشویق
برادران دیگر - گردد - شهید نیست که هیچ صنعت و اختراعی
در نخست از هر جهت کامل نبوده اگر اندک تصرفی
در تکمیلش دامایان و استادان وطن عزیز نباشد
حرکتش سر بستر و از اول عمره توهای عالم بشمار
خواهد آمد - ما محوم ایرانیان ساکنین عراق عرب مخترع
محترم را تبریک گوئیم

و نیز جسارت مینمایم که اگر وزیر صنایع در این
خصوص اهلانی باین مضمون که صاحبان صنایع محل
عواطف ملوکانه خواهند گردید بدهد معلوم خواهد شد
که هزارها از اهل صنعت که سالها در زاویه خول
خریده بودند روز و ظمور خواهند نمود و گوی
سبق قلمی از میدان دیگران خواهند بود بکوه
عقلمای ایران گردد

(هبتی از ایرانیان ساکنین عراق عرب)

شوشتر

در اواسط صفر (۱۳۲۳) جناب مستطاب - الار
معلم با اردوی کیوان شکوه از سوار و سرباز و
نویچی از راه لرستان وارد شوشتر شدند - بملاحظه طغیان
آب رودخانه چند روزی در اطراف اطراف فرمود -
همه روزه از شهر آذونه و سیورسات و لوازم در ارمو
بجهت فروشی اطراف آب میبردند و آقاخان و علماء
و اعیان و مجار متدبعا بجهت دیدن سالار معظم بارو

(۹ ربيع الاول ۱۰ م)

۱ غیر (روتر) خبر میدهد که قدر متیقن این است که جہازات بالتیک بزور فرانس برای چند روز ساحل (هان کوه) را خللی کرده ولی باز صورت نموده در آنجا انگرنداختند. زبون حمل فظا را برای (ساگون) تا وقتی که جہازات (بالتیک) در دریای (اندوچینا) هستند منع کرده و از اشیاء متنوعه جنگ قرار داده است.

۲ اختلافیکه بین ژاپون و آلمان در باره (موس - تکی - طالبات خانہ) واقع شده بمحکمه تالی رجوع و تا پانزده روز دیسکر فیصله خواهد شد - دولت آلمان خواهش نموده که در مجلس تالی گفتگو کردن بزبان آلمانیهم جایز باشد - ژاپون بدین شرط قبول کرده که در آن محکمه تقریر به زبان ژاپونی نیز جایز شمرده شوند. محکمه تالی فیصله امر را مستور داشته در صد تحقیقات لازمه دیگر است

۳ از تقریر صدر اعظم دولت انگلیس مستر پتور جراید روس بر آدفته روز نامه (سواسی) بکتابه می نویسد حکمہ شک نیست باید افغانستان را سنگر مند دانست - روزنامه (لستاک) میگوید حکمہ روس را هیچگونه واسطه با افغانستان نیست (پورس گزٹ) بیان میکند بحث در باره افغانستان امروزه بی پایه است - چرا که فعلاً روس را فرصت نیست هر وقت فرصت بدست آید خواهیم گفت و خواهیم شنید

۴ (مستر برادرک) وزیر هند در دارالشورای ملی اظهار داشت که دولت انگلیس تصفیة معاملات (تبت) را با دولت چین بمحکومت هند واگذار کرده و آنچه حکومت هند درین ماده نماید محض خواهد بود

(۱۰ ربيع الاول ۱۰ م)

۱ در (ساگون) تلگرافی رسیده که جہازات (بالتیک) از آبناهی (هان کوه) جدا برون آمده و بجانب جنوب رهسپار گردیده - از آن جد کتی های جنگی روس در آنجا دیده نشده اند

۲ این امر در (پترسبرگ) موضوع بحث است که جہازات (بالتیک) را حق عبور و مرور و قیام در آبناهی (هانکوه) با بی طرفی فرانسه از جنگ مست

۳ دیب در دارالشورای فرانس منباب شرایط بی طرفی از جنگ بحث شد (مسیو رودیر) اظهار داشت که دولت فرانس تمام افسران و پابندگان خود را در مشرق الاقصی حکم داده که با نهایت شدت و دقت نگاهداری قزاقین بی طرفی فرانس را از جنگ به نمایند - و نیز خواهش نموده که جنای بجهت این مسئله زاندر مجلس شورای ملثوی دارند - برخی از

میرفتند و پس از اینک طلیان آب قدری تخفیف یافت پاکت اردو را از آب عبور داده و خود هم از آب عبور فرموده کنار رودخانه شعیط اردوگامی تشکیل نمودند

جناب حجة الاسلام آقا شیخ محمد جواد مدظله العالی و جناب حجة الاسلام حاجی سید عبدالصمد سلمه الله بجهة ملاقات بلوچو تشریف بردند - الحقی میتوان گفت اردو در این نظم و ترتیب در هرستان و شوشتر نیامده و ایداعالی نظام نمیتواند با اهل شهر و کبه دیناری تعدی نماید - چنانچه بر خلاف رسم و قانون تجاوز نماید و بعرض برسانند - فوراً سیاست خواهند فرمود - نامی اعلی از حسن سلوک جناب معظم الیه راضی و خوشنود میباشد - جناب حاجی رئیس لاتجار پیشکار حکومت عمره و شط العرب بجهة پذیرش اردو در شوشتر آمده و طرفیاب شد و احتمال دارد با اردو معاودت نماید - از امروز که - روم ربيع الاول میباشد سالار معظم شروع به بازدید آلمان نموده ابتدا برسم همه بزرگان از جناب حجة الاسلام آقا شیخ محمد جواد مدظله العالی ملاقات نمودند

تکرکات

(۷ ربيع الاول - ۱۳ م)

۱ اعلی (نیچی ناوکورد) که در حفاظت (سر کا چه) است یافی شده چند مقام را آتش زده اند

۲ یک کشتی انگلیسی در قریب (بندر آبر) به سرنگ درونی مصادم و غرق شده - چنان معلوم میشود که بعضی از مسافرین و عملجات کشتی نیز غرق شده است

۳ یک فروند کشتی قزاقه ژاپون در قریب جزیره (میانو) بسرنگ مصادم شده غرق گردیده است

(۸ ربيع الاول - ۱۴ م)

۱ جہازای وارد (ساگون) شده خبر میدهد که سیزدهم در شمال (مان) ۱۴ جہاز حال و دو کشتی جنگی روس در نواح (یولن) نگر انداخته و کشتی های جنگی روس در حضور او عبور نموده و بجانب جنوب رهسپار گردیدند

۲ عید ملی روسیان که میلاد امپراطور باشد در روسیه بامنیت گذشت - جماعت قلیل کوشش کردند که در مقبره (پروسکی) که از مقبولین جنوری گذشته است جمعیت کنند - قزاقان روسی متعشرشان ساختند و با چابک سروری آن جماعت را خستند

مقتضای شورای برخلاف وی در طرف داری روس
 سخن رانده به کثرت آراء رای آنان معطل ماند
 ¶ نیران بغاوت مجدد (در پترسبرگ) زیاده کشیده
 جمع کشیدی از بلوآئیان در کوبه و بازار باواز بلند
 سخنان بغاوت آمیز گفته گردش مینمودند - قزاقان
 با چابک آنان را متفرق ساختند - در عهد مولود
 امپراطوری در (اوقا - ایکار - و انودر) اغتشاش
 زیادی شد ثابت قزاقان بلوآئیان را منتشر ساختند
 ¶ خنبر (روز) از (توکيو) خبر میدهند که لشکریان
 آلمان بندر (میجو) که در جنوب (هانگو) و
 از بنادر معتبره بحری چین شناخته شده متصرف و
 علم خود را در آنجا افراشته و توپ سلام نیز زدند
 این خبر مورت تشویش احوالی (توکيو) شده فوراً
 در (برلن) بای تخت آلمان رسماً تردید شده و ایونیان
 آسوده گردیدند

¶ در اصلاحات عالیة مقدونیا نیز دول فرنگ
 بیعت اجتمع از باجسالی بنویسه کبیسون مخصوص که
 همه اعضایش نمایندگان دول سازه باشد خواستن شده
 دولت عثمانی نیز قبول نموده است

¶ در (ریگا) بلوآئیان نارنجکی بین پلیس انداخته
 یکی را جروه و دیگری را مقتول نموده از جماعتی که
 حاضران تعاقب کردند یک نفر ملامک شد

¶ کارخانه نارنجک سازی ملتی در (اودبسه) به تصرف
 حملجات پاپس آمده نارنجک های بسیار ساخته در
 مقامات مختلفه تهیه شده بود قبضه نمودند

¶ پلیس از منتشر ساختن آزادی طلبان فرقه
 «سوشلیست» در (مسکو) عاجز شده ناچار قشون طلب
 کرده بسیاری را جروح ساختند

(۱۱ ربيع الاول - ۱۷ می)

¶ حکومت (ارمن) بمیان در باغ مدعو بود آزادی
 طلبان هدف کاروانش ساخته سر تیر جان داد - قاتلش
 تا کنون گرفتار نمانده است

¶ در (پترسبرگ) هیئت مصلحین از وزرا اعلان
 دادند که صنایعین پیوه میتوانند در هر قطعه و هر شهر
 از روسیه سکونت اختیار نمایند خواهشات پیوه اجلاً
 پس از انعقاد مجلس قومی پیش خواهد شد

¶ در اعلان دولتی روس بسیاری از شدت اهالی (بولند)

و (لوتیان) را مرتفع نموده و تخفیف در عوارض و
 مالیات آنها داده و از بزرگان (بولند) نیز انتخاب و کلا
 در مجلس شورای دولت شده زبان میباشان در مدارس
 دولتی بوزد تعلیم داده خواهد شد

¶ دست چهارم جهازات (باتیک) را حکم شده که آماده
 حرکت باشند ۱۴ جون گویا حرکت نمایند

¶ دولت فرانس کبیسون مخصوص و هیئت خاص
 را برای تبریک هروسی و لیبسد آلمان به (برلن) خواهد
 فرستاد این هیئت فقط برای اظهار خصوصیت است که
 شاید بدین لحاظ دولت آلمان در ملامه (مراکو) با فرانسه
 مخالفت نه نماید

¶ در جشن میلاد پادشاه اسپانیا دولت انگلیس
 میده جنرالی قشون خاصه را پادشاه بخندود

¶ امیرالبحر (جان کورس) امروز در (ساگون) برکنق
 (کوئین) مراجعت نمود

¶ بموجب خبریکه در (ساگون) رسیده امیرالبحر
 (روزبونیسی) باختلاف و میاهوی واپون و انگلیس و
 فرانس در طاقه بیطرفی کوش نخواهد داد بلکه امر
 دولت خود را نیز تسلیم نخواهد نمود - امیرالبحر
 موسوف میگوید من هر قسم که دلخواه خود باشد و
 سلاح جهازات خویش را بدستم رفتار خواهم کرد خواه
 فرانس مبتلای بچلگشود و با انگلیس بجنگ برخیزد
 ¶ روز بعد از ورود (کوند تا ن باج) سفیر فوق
 العاده آلمان سلطان را ملاقی شده نهایت داد که ملامه
 سلطنت خود مختار و مطابق انسان اد سلطان در
 جواب فرمود که از دل و جان مایل به اتحاد و روابط
 دوستانه مراکو و آلمان میباشد

¶ (مستر برادریک) وزیر هند در دارالکودای ملی
 اظهار داشت که مجلس عمومی در کانت که تاریخ ۱۰
 مارچ برخلاف (لارد کرزن) منعقد شده و تبدیل اوراق
 از دولت خاسته اند دولت هیچگونه مداخلت نخواهد نمود
 (۱۲ ربيع الاول - ۱۸ می)

¶ خنبر روز از (توکيو) خبر میدهند که حرکت
 امیرالبحر (روزبونیسی) بجانب شمال میتواند
 مبنی بر این امر باشد بلکه از طرف جزیره
 فرموزه به دریای (باسفک) داخل شده حویشقی را
 (ولاد پوستاک) برساند

§ خبر روزی که نزدیک او بود قطعه قطعه ساخت - بسیاری هم مجروح شده و اطعمکن قرب و جوار هم بعضی طراب شده است

§ (مستر دلکاسی) وزیر خارجه فرانس مذاکره الدورای ملی اظهار داشت که دولت (سیام) منظور نموده به دولت فرانس مقامی را که خواستگار بود واگذار نماید و این سرحد از (کیب لنگ) جدا شده برومخانه (باکاناون) ملحق خواهد شد

(۱۰ ربیع الاول - ۲۰ می)

§ در ترکمن نارنجک در (وارسا) پست و یک مجروح و سه مقتول شده این حادثه را از فرقه آزادی طلبان دانسته پلیس خانه های آنها را تلاش نموده و بعضی را بشبه گرفتار کرده است

§ (کالون گرت) در آرتیکل خود بیان نموده که دولت آلمان مرکز راضی نخواهد داد بلکه عیسویان جیبی در اضطراب باشند - و ابدأ قصد دست اندازی به حقوقی که فرانس حاصل نموده ندارد - چه جماعتی که کثیر از رعایای آلمان همیشه در مستعمرات فرانس سکونت دارند

§ کیسیون فوق العاده آلمان حکم در (بعضی) رفته خیالات خود را دو تصفیة امور لازمه گوش زد اعلیحضرت سلطان نموده است

§ تلگرافی از پترسبرگ رسیده که ژاپنیان تدارک حالات سخت بر جنرال لینویچ را دیدند

§ از بیانات روسی (توکیو) استنباط می شود که لشکریان ژاپون هرچند هم سه حصه قشون روس را در جنوب و قرب راه آهن عقب نشاندند - و نیز سواران روسی که برش در (کانکیو) که بین (ایسار) است کرده بودند با نقصانی زیاد عقب نشستند

§ امیرالبحر (جانکیویرس) از (ساگون) بیرون آمده نقطه توجهش معلوم نیست

(۱۶ ربیع الاول - ۲۱ می)

§ (مارشل) ویاما برای مقابله بسیار شدیدی در مقابل قشون جنرال (لینویچ) تدارک دیده و بر زمین و قلب اردوی روس حمال حمله دارد - تاکنون معلوم نیست که بکدام جانب برش خواهد آورد از تدارکات (جنرال لینویچ) نیز معلوم می شود که تدارک جنگ سختی دیده است

§ خبر روزی از (نیلتک) خبر میدهند که ژاپنیان راه آهن خود را الی نیلتک صاف نموده آلات و اسبابهای لازم از جنوب آنها می رسد - و در پیش رمت امور خود و ساختن راه آهن بجانب شمال ساسی و پاهای طراب را نیز سرعت می نمایند

§ جهازی از سنگاپور رسیده رپورت میدهند که دسته از جهازات (بالتیک) را در چهل فرسنگی جزیره (وریه) و دو بیست و بجه فرسنگی مشرق و شمال مغرب (وریه) دیده است

(۱۳ ربیع الاول - ۱۹ می)

§ خبر (روز) از (پترسبرگ) خبر میدهند که امیرالبحر (ریلف) با امپراطور روس قبل از آنکه بجانب (ولادپوستک) روانه شود ملاقات نموده این امر افواه است بلکه مشارالیه سردار تمام جهازات بالتیک خواهد بود - ولی این خبر مقرون بصواب معلوم نمی شود و محققاً امیرالبحر روزپونسی حکمران و جهازات بالتیک و هرگاه جنگ پیش آید متصدی جبهه امور و ذمه دار کلیه کارها خواهد بود

§ تمام اهالی و نمایندگان خارجه مقیم (ولادپوستک) را رسماً خبر رسیده که از آنها خارج شوند - چون این مسلک هیناً همان مسلک روس است که در بندر آرتور قبل از محاصره اختیار نموده چنان تصور می شود که روسیان خبری رسیده که ژاپنیان (ولادپوستک) را هم محقریب محاصره خواهد نمود

§ جماعتی از وقایع نگاران اخبارات را در پترسبرگ عقیده این است که امیرالبحر (روزپونسی) با مراض درونی و صلب قلب مبتلاست لذا مشاوران را اراده این است که جهازات بالتیک را به (ولادپوستک) رسانیده از خدمت استعفا گوید و بروسیه باز گردد

§ خبر (روتر) از (ساگون) خبر میدهند که جهاز جنگی (کارونید) نگزانی از چهل و سه جهاز حال که اکثر از روس و آلمان است میباید - و طرف (ناهبه) و در جنب جزیره (ماکویرس) جهاز (راکس) پست کشتی حال را نگران است

§ در چینکه فرماخرمای (وارسا) (جنرال مکی مویچ) از کلیسا بعد از ادای دمای جهن مولود امپراطور روس بیرون می آمد یکی از عملجات خواستار برین بایس خارج شود بایش افزیده بر زمین افتاد - که در بخل دست برکیده او را با چند پلیس و یک آرمیچی

قیمت اشتراك	از هر كس و هر جا بلا استثناء ابناً اخبار (مقدم گرفته می شود)	جبل المتن كلكته
سالانه — شش ماهه	روزنامه مقدس	هيكل كالج استريت نيمبر
هند — و برمه		كليه امورا اداره با
۱۲ رويه — ۷ رويه		مدير كل مؤيد الاسلام است
ايران و افغانستان		منتظم اداره
۴۰ قران — ۲۵ قران		آقا محمد جواد شيرازي است
عثماني — و مصر		هر دوشنبه طبع
۵ مجيدي — ۳ مجيدي		سه شنبه توزيع ميشود
اروپا — و چين		بتاريخ دوشنبه
۳۰ فرانك — ۱۷ فرانك		۲۳ ربيع الاول ۱۳۲۳
روس و تركستان	قبل از دريافت نمودن قبض اداره	مصادف با
۱۰ منات — ۶ منات	۱۳۱۱ سنه	۱۹۰۵ ميلادي (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدى تسليم نماید)

جبل المتن

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مانی بحث میشود
مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- سیاسی • تلکرافات • اخبارات خارجه • افغانستان • کیسیون بندر آنهر • بقیه مکتوب ولاد قفقاز • ثمره اتفاق اسلامیان • صلح کل • دعوت ملل متمدنه با انصاف • ایضاً • مکتوب از کرمان • عبرة الناظرین • قاعده و یا اولی الابصار • مکتوب یکی از فضلاء جایل • خطابه • مکتوب از خراسان • نقل اعلان اداره شرکت عمومی ایران • جبل المتن بقیه تلکرافات

سیاسی

آنچه را در شهرهای قبل منجاب جهازات (باتیک) و جنگ بحری روس و ژاپون در اتصای شرق نوشته بودیم اندک اندک بروز میکند - امیرالبحر (روزبویسی) ثابت جهر و منتهای سی را نمود حکه در بنادر (اندوچینا) و سواحل غیر آزاد مانده تا هم پناه گاهی داشته باشد و هم امیرالبحر (نوگو) را مجبور ساخته شاید بروی هجوم آورد - و دولت ژاپون را نیز مانند دولت روس بدنام کند که ملاحظه قوانین بی طرفی دول را از جنگ نمودماست. ژاپونیان با فرمتک و هوش که قبل از وقوع واقعات هر چه را دیده و هر چه را درست ملاحظه کرده از جای خود ننجیده و بقوت قلم و نیروی تدبیر خواه

مخواه جهازات باتیک را از سواحل (اندوچینا) خارج و در دریای آزاد انداخته تا در انبای بین (کوری) و (فارموزا) بجناب مقصود که (ولادپوستک) است رهسپار گردیدند - چون ژاپونیا را ازین معنی آسودگی دست داد و طرق فرار و ابواب پناه را بر جهازات باتیک بسته مانند اجل مبرم امیرالبحر (نوگو) پیدا شده سر راه بر جهازات (باتیک) گرفته و در آنهای کوریا مقابل شده هنده جهاز از زره پوش و جنگی بزرگ و فحاشه و کتفی تعمیر و روشک و موشک شکن را غرق نموده - چهار جهاز و یک امیرالبحر سه هزار لشکریان بحری روس را نیز اسیر نمودند

اگر چه حالات مفصله این جنگ نرسیده ولی از قرائن حسارات روس پیش از آنچه بیان شده معلوم می شود - چه در اول وهله که قشون بحری او دچار چنین مهلکه شده رعب و هیبت دیرینه ژاپون تا اندازه در قلوب آنان نازه گردید - و من بعد جرئت مقابله برای آنها باقی نخواهد ماند از ششزده ماه باین طرف لشکرین روس بر او بجز در مقابله ژاپون شکست دیده و مرعوب شده اند این شکست زاید بر آنچه تصور شود روسیان را غنای خواهد ساخت

پس از قبضه زراع بحری و صورتیکه نتیجتاً منجر به برپایی جهازات بالتیک شود جنگ اقصای شرق خاتمه خواهد پذیرفت - چه نام توجه و سر سختی روسیان با تمام و اطمینان جهازات (بالتیک) بود چون از جهازات کاری پیش زود آچار تسلیم شده مصمم صلح خواهند شد .

جی را عقبه این است که دولت روس بحدی مباداست جهازات بالتیک را تاب مقاومت و استعداد برابری با ژاپون نیست - و قصد جنگ نیز از آغاز حرکت نداشت - فقط محض متسک ژاپون وزی اودر شرایط صلح این حرکت مذبح را نموده کم کم گردنگیزش شده تا خود را به دریای (آدوچینا) رسانید - از آنجا ژاپون و انگلیس و فرانس عبور بمرکتش نموده بدین روز سیاهش نمایند

(چه بر گشت زنجیر ها بگردد)

در قلیل زمان غالب جهازات (بالتیک) داغون شده برخی شرقی و جی پناهنده بنام دول بیطرف و همان ار سلاح و چند فروند هم اسیر ژاپون خواهد شد - و این امر را سیاسیون نوشته خوانده و ندیده ملاحظه کرده اند - تاکنون معلوم نیست که در این شش فروند جهازات جنگی روس چه قدر عسکر و چند نفر اسیر بو دست

از تلگرافات جهان مستفاد میشود که قریب (هاربن) نیز شور جنگ برپا گشته است و (مارشل اوپاما) همان نقشه را که برای جنرال (کریین برگ) در (شاهو) و در مکن برای جنرال (کروپاتکن) کشیده بود - در قریب (هاربن) برای جنرال (لینویچ) نیز کشیده است از آغاز جنگ تاکنون هر وقت ژاپونیان چند روزی ساکت مانده در صدد تدبیر تازه و غلبه بینی بر خصم بوده اند اینک نیز در حشی و نری مدتی سکوت کرده آراء بودند از حرکاتشان در بر و بحر نمایان است که خیالات بزرگ در پیش دارند

یکی از سیاسیورا عقبه این است که (مارشل اوپاما) جهان نقشه کشیده که مجدداً اردوی روس را محاصره یابد و شست میل فائزه این محاصره فرض شده و ارا این محاصره مشکل است سرداران روسی بتوانند فرار نمود - مخلون است که قبل از رسیدن بهار این نقشه

را ظاهر دارد و در این محاصره مقدمه اردوی ژاپون (هاربن) را مستخر خواهد داشت آنچه محقق است ژاپونیان فقط به تسخیر منچوریا قناعت نموده بند از تسخیر (هاربن) و (ولادوستک) تا دریاچه بیگال پیش قدمی خواهند نمود چه هنوز وزرا و بزرگان ژاپون در لفظ های خود اشاره بطولت جنگ نموده میگویند - حالا ابتدای جنگ است - هرگاه اراده دولت ژاپون منحصر به تسخیر (هاربن) و (ولادوستک) بود آغاز جنگ نمی شمرده - چه در قلیل زمان و اندک هزینه گوی مسافت را ازین دو میدانم میتوانند برود ژاپونیان تاکنون دونگه را خیلی ملاحظه نموده - یکی قوای خویش را ظاهر میدارند و با اندازه ضرورت ابراز میدهند - دوم رجز نمخوانند و مقاصد خویش و مرکز توجه خود را ظاهر مینمایند - ولی ترائی سخنان و وضع تپه و نذارک آنان مینماید که همشان مقصور در تسخیر (هاربن) و (ولادوستک) نیست خیالشان بالاتر و اراده شان زیادتر است - ژاپونیان تزاری و از سلسله جنگیزند و پیشرفتی هم که تا کنون نموده جهان وضع است - الا آنکه ایشان از روی علم سلوک مسکوره آنان از روی جهل رفتار می نمودند - لذا نمیتوان تسلیم نمود که طاقت در دریاچه بیگال نیز - هم خود را مقصور دارند - مگر آنصکه طانی قوی آمان را جلو گیرد و او نیز جز اتعاق جمیع دول به نظر نمیرسد

تکرافات

(۱۶ ربيع الاول - ۲۱ می)

§ از (ساگون) تلگرافی بیارین رسیده که یکی از کشتیهای گرمه امیرالبحر (روزرینسکی) شام جمعه گذشته در (نامیر) مجدداً دیده شده - و در بندر (دیت) خارج از حدود بحری انگر انداخته - گویا در تلاش کشتیهای نظامین است و میخواهد خود را بدان دست رسانیده ملحق آنها گردد - دسته کشتیهای نظامین در (هنان) لنگر انداخته اند

§ سه سالار اردوی ژاپون در منچوریا (مارشل اوپاما) حالات جدید روسیازانوزدهم در (فوکو - ورجان بون) که در شمال (کیون) واقع است رده نموده § خبر (روسی) از (توکیو) خبر میدهد که برهن پادشاه کوریا به توکیو رسماً تلبه شده است

(۱۷ ربيع الاول - ۲۲ می)

§ جهازی از (هنگانگ) رسیده خبر میدهد که دسته جهازات (بالیک) از آبنای (باشی) که در جنوب جزیره (فرموزه) است گذشته از این قلمرو می شود صکک امیرالبحر (روزیوینسکی) از پیرامه به (ولادیوستک) رهسپار است

§ امیرالبحر (بیرلیف) یستم از (پترزبرگ) روانه (ولادیوستک) گردید

§ آثار بلوی و بناوت در صوبه (پوتند) مجدداً نمودار است - دولت روس با کمال سرعت قشون بد آسوپ روانه میدارد . و قشونیکه به (پوتند) روانه شده خیل متعجب میباشد

§ اعلیحضرت امپراطور روس فرمان صادر نموده که هیئت مخصوصی دوترقیبات لشکری برای همیشه مقرر شود - تا برآ و بجزاً نگران قوای جنگی روس باشند - و برای ترتیب قانون و رئیس این هیئت (کرنل دیوک نیکولاش نیکولایویچ) مقرر شده است

§ بین دولین عثمانی و روطیا بواسطه گرفتاری دو نفر از معارف رومان و حبس آنان در (چاینا) ونجش و کمورت زیاد پدیدار است

§ کرنل (مکومن) رئیس کیسیون سرحد بندی رود (هریند) جبهه گذشته در سرحد بلوچستان هند وارد گردید - در این موسم گرما مسافرت ازین بیابان ریکزار مورت صدمه او شده - ولی اعضای کیسیون همه سالمند - دو سال متوالی زحمات این کیسیون کامل شد - و بواسطه اطلاق موسم و مخالفت روسها در سرحد ایران و افغانستان مقابله با صدمات زیاد نمود حفظ حقوق انگلیس را در سیستان کپتان (مکفرسن) خواهد نمود - کپتان موصوفی جندی در خاک روسیه قونسل بوده - امید است با منتهای دانش صلح و املیت را نگاهداریت و با هوشیاری تمام زحمات دو ساله حکمران (مکومن) را نگذارد بر باد رود

§ خبر روزی از (ساگون) خبر میدهد که امیرالبحر فرانس مجدداً به (ایابیس) آمده تدارکات لازمه را نموده لشکری جهازات (بالیک) را نموده و این امر را برآیندین معاهده نموده است که از چهارم این

طرف هیچ جهازی از روس در این ساحل نبوده است § خبر (روزی) از (توکیو) خبر میدهد که در (ننگ شیه) که در قرب (ابو) واقع و سیزده مایل جنوب غربی (فوکومن) است حصه از قشون روس حمله آورده دو ساعت کامل جنگ نموده - سپس متحول و مجروح گذارده فرار کرده اند

§ حملات قشون روس را ژاپونیان در شرق (لوفو) رد کرده آنانرا عقب نشاندند

§ خبر روزی از (توکیو) خبر میدهد حکماتی که افسران روس در او بوده گرفتار ژاپونیان شده چنان تصور می شود که کشتی منبور از (ولادیوستک) برای تدارک حرکت نموده بود

§ در دارالعمورای ملی انگلستان شکفت غوغائی و عجیب اختلافی بین صدر اعظم انگلیس مستر (بلفور) و سرهنگری کبل برمن واقع شده - مستر بلفور برخی مطالب مربوط به تجارت آبی و انتظامات تجارتی را بیان کرده از طرف وزیر مستر (لنتن) و برا جواب داده - و ده دقیقه کامل در این خصوص صحبت نمود - طرف مخالف مکرر نام مستر بلفور صدر اعظم انگلستان را به حقارت یاد کرد عاقبت مستر (بلفور) ناچار بجای خود نشست

عین که مستر (جرج هل) آثار به صلیق نمود وزراء باندازه شور و غوغا کردند که سخن او اهدا شنیده نمی شد - مستر (لوید جارچ) پس از آنیکه چند لفظ بیان کرد - مستر (لنتن) مجدداً برای خاسته باز غوغای اولیه برخاست - بسیاری از اعضای پارلمان از نائب صدر التوای مجلس و این غوغا را حواش کردند - مستر (هنری کبل برمن) خواهرش نمود که مستر (بلفور) تقریر خود را تمام کند - مستر اوستین چمبرلین - و مستر برادوک (باندازه سخنان فضول خارج از موضوع بیان کردند که عاقبت نائب صدر مجبور بالتوای دارالشوری گردید - این هنگامه بی تمیزی که از بزرگترین ارباب تمدن جدید بروز نمود یکساعت کامل طول کشید

(۱۸ ربيع الاول - ۲۳ می)

§ امیرالبحر (بیرلیف) بدت جهازات جنگی روس در دریای (بالیک) البروک مقرر گردید

اخبارات خارجه

§ جنبه گذشته قتل (گرايد ديوک سرچيس) را در (مسکو) بتل رسانيدند

§ دولت روس بواسطه رفع اشکالات جنگ سه شصت راه آهن معتبر خود را اراده فروش دارد کجاں معتبرهکة فرانس و بلژیک در هشتاد مليون ليرا خريداري خواهند نمود

وزیر جنگ ژاپون (کونت اوکاما) رسماً اطلاع داده که از آغاز جنگ تا کنون دويست و پنجاه هزار ژاپونيان مجروح و بيمار شده فقط کشتگان و فوت شدگان ما پنجاه هزار نفر بوده است و اين جنگ سالها طول خواهد کشيد

§ وقایع نگاران اخبارات روسي مینویسند که در جنجوريا جنگي عظيم در (چاچون - وکیرين) واقع خواهد شد - اين جنگ مبدای است و کجاں نبرد روسيان مقضی المرام شود

§ در تحت امر جنرال (لینویچ) من حيث المجموع تا برسد بولادبوستک و درياچه بيکال چهار صد و پنجاه هزار قشون است. و تحت امر مارشل (اویاما) از هرجهه هفتصد هزار قشون میباشد

§ انگلیسها تمام توجهشان اين است تا وقتیکه روسها در اقصای شرق دچار جنگ اند بهر تدبير توانند قوت و نفوذ خودشان را در ايران زياد کنند - و درین ماده از یاد قونسلات خود را در بلاد ايران اعظم شرایط دانسته حتی در تصبات مثل (بم) وغيره نیز ویس قونسل و وکیلالتجار میکنند

افغانستان

§ اخبارات انگلیسی درباره (مستر دن) رئیس کمیسیون افغانستان لهجه را کردند. در پرده مذمت مینایند و مینویسند. کمیسیون جز اینکه لقب پادشاهی بامبر داده کاری دیگر نکرده است - و حال آنکه مقصود اصلی ازین کمیسیون این بود که امبر را از ساختن اسلحه و جلب آلات حرب باز دارد و در سرحدات و اهالی سرحد مانند آفریدی وغيره امبر را بی دخل کند. این خدمت است که اخبارات امبر در باره روابط با خارجه مثل سابق برقرار است - یعنی مطلق العنانی او فقط در داخله افغانستان است. ولی با هیچ دولت خارجی نمیتواند

معامدات تجارتي. ماده نموده. پروابط سیاسی قائم دارد - و هرگاه اختلاف سرحدی با یکی از دول هم جوار خود پیدا نماید مجبواست در تصفیة او رجوع بدولت انگلیس کند

یکی از اخبارات می نویسد که (مستر دن) متهای تدبير را بکار برده که امبر را بدون هیچ اعطای اختیاری فقط باسم پادشاهی بخون و منشرک دولت انگلیس ساخت. ورنه امبر را! امرای دیگر مند چه فرقا است امرای هندم در داخله ملک خود مطلق العنان اند پادشاهی که نتواند با دول خارجه رابطه قائم نماید و سفیر او بدربار دول و سفیر دول بدربار او آیند با امرای تحت امر سائر دول چه فرقی دارد

کمیسیون بندر آرثر

وقایع نگار (استرد) از (پتوسبرگ) بتاریخ سومی مینویسد که تحقیقات کمیسیون در ماده جنرال (استاسل) در قویض بندر (آرثر) نتایج نیکو ظاهر نمیدارد. از کلام شهود معلوم می شود که جنرال (استاسل) قصوروار بوده و اغلب شهود بکربان میگویند که جنرال موصوف در میدان جنگ بسیار کم می آمد هاره در خانه نهفته بجمع پول اشتغال داشت. (مادام استاسل) زوجه او جهل گاو داشت که در عوض علف در حالیکه قشون را نصف قوت میدادند نان میخورانید و دو (شلینگ) يك و نیم روپیه هر شیشه شير آنها را میفروخت - بعضی افسران را قول این است که يك (پرو) را سه ابرا و ده شلینگ جنرال استاسل فروخت در شوولیکه برای قویض بندر آرثر منعقد شد فقط جنرال (ریس) و کادان (ریتونیکان) موجود بود و رأی به تسلیم دادند [جنرال استاسل] در آن مجلس هم شرکت نمود

قیدبان روس را که در ژاپون هستند بتوسط سفیر فرانسه استنطاق خواهند نمود تا وقتیکه سؤالات کمیسیون از امرای ژاپون جواب نیابد اقدامات کمیسیون مابوی خواهد بود

برخی اخبارات مینویسند که در شهادت شهود الزام زیادی بر جنرال (کروپاتکن) و امیرالبحر (الکس اف) نیز وارد آمده باید مید. که پس از تمام شهادت و تحقیقات کمیسیون در حق آنان چه حکم خواهد شد

بقیه مکتوب ولاد قفقاز

(از شماره ۷۳)

آنچه جوانان ما در خارجه و داخله تحصیل علم نموده و طریق تحصیل برگشته و باید از ایشان فایده برگیریم بیچارها بیکار و سرگردان مانده گویا تحصیل علم نموده بدبختی برای خود حاصل کرده اند در عرض مردمان سابق الذکر داخل در خدمات مکتشوری و لشکری اند - نه از آنها نغری که روی کار نیستند و نه از اینها فایده که بی علم و جاهلند بحال ما باید می آید - بلکه بخلاف قاعده از مردمان بی علم و تجربه ضررها بدمایم که بوسف نیاید

از وصایای هوشنگ است (دانش بی ضرر دار متعسف نیبمده و کردار پیدایش با انجام نمی رسد) اگر مردمان با علم و خیر و وطن دوست روی کار بودند هیچ وقت حقوق ما این قدر باعمال نمی شد

مولی که هفتاد سال در عهد امن و امان غنوده بایست میلیونها در خزینه بیت المال مسلمین ذخیره داشته باشد - بالعکس شامت خائنین مقروض اجانب عدیم - راه آهن درست نگردیم کشتیهای جنگی بدینا نیندازیم کارخانه توپ و تفنگ و قلاع جدیده در سرحدات نه ساختیم - کجا رفت ثروت صد ساله ملت و دولت ؟ چرا باید از بحرین جشم به پرشیم ؟ چرا نصف بلوچستان و سیستان و قصبه فیروزه و غیره و غیره از دست ما نبرد ؟ چرا باید دعوی ملک طلق خودمان را غنایم ؟ جزایر ابوموسی و تمپ را که شاهزاده صدر اعظم حایه (که خلفایش عمر جلودان بخشاه مستقل فرمایند) از دست دولت انگلیس برون سکرده تصاحب نمود چه کردند ؟ این است معنی غیرت و صفاوت - امیدواریم سکه اراضی و سایر جزایر از دست رفقه ما ملکی بحرین و غیره از تدبیر این وزیر کاملالتدبیر دوباره بدست آید - امید آنست که از این توجه بندگان اعلیحضرت اقدس شهرباری و خلوس بیت شاهزاده صدراعظم قانون مساوات نیز در مملکت ما جاری و رعایا فارغالبال و آسوده شوند - والا همان آتش و همان کاسه است - بی قانون مساوات

ترقی مملکت غیر ممکن است - چنانکه دولت ژاپون اول قانونیکه هجری داشت قانون مساوات بود و خودرا از آن پایه که مقام الوصیت در رعایای خود بوده دفعتاً تنزل داده و به ملک و ملت خود ترقی داد و رسیدند آنها که مقصود شان بود

بخلاف مملکت ما چون قانون مساوات نداریم این ملازم کجختا یا فرانس هر قسم ظلم و ستم در حق رعایا مینماید - بیچاره را می برای داد خواهی پیدا نکرده که عرض حال نماید

چنانکه شخص معتبری نقل میکرد که من با آنکه مدت متبادی در غربت بودم دو سال قبل شنیدم که قانون تازه هجری و حق نظلم اسدی بدبگری نداده - لهذا خوشحال مازم وطن شده در قصبه خانته که از مضافات تبریز و وطن اصلی و خانه و اهل عیال هم آنجا داشتم وارد گردیدم - چند روز پیش نبود که وارد شده بودم - روزی عصر از بازار بخشاه آمده دیدم در همین خانه درسکو فرش گسوده و چند نفر اجلی نهسته مشغول اشامیدن چای و کشیدن قلیبان هستند - من از پرسوم پرسیدم سکه اینها کیستند - جواب گفت نوکر فلان الفوله حاکم ارومی است که از تبریز به ارومی میروند و امشب در این جا منزل نموده و نوکرهایش را قسمت سکرده اینما به ما رسیده اند - و باید شام و نهار و غیره همه را داده و رخت خواب هم بدیم - از استماع این سخن مویم در بدن راست شده در غضب شدم که به من چه فلانی حاکم ارومی شده اینهارا من نمی گذارم درخانه من بمانند - ممکن نیست بگذارم چند نفر اجلی و ناخرم در خانه من وارد شوند

پسرم جواب گفت شما در زلمی است که از اینجا رفته و اختیار غربت نموده و از وضع ولایت بی خبرید این جور واقعات سالی چند دفعه اتفاق می افتد - اگر حرف بزنی منصرف خواهی شد - گفتم علاج چیست ؟ گفت جز از جهان نوازی چاره نیست - باید تدارک شام آنها را بنایم - خلاصه لابد و لاعلاج شده بتدارک مشغول و شام شان داده زهر طار نموده رخت خواب خواستند - حکما از خود یا از دیگری باید پیدا نموده بدیم - رخت خواب را هم دادیم

فَصِيحٌ كُذِّبَ مَرَّ مَرَّ عَنِ الْبَيْتِ بِأَيْدِي بَنِي إِسْرَائِيلَ
و جواب و آمدند هستند - از غیض شش توله را
گرفته به سخن خانه رنم یا از ایشان کسی نوا
بگنم یا خودم را عاقل نامیم - آخر این چه مصیبت
ومسلمان و چه رعیت نوازی است - پیش رفته طاقت
گفتم - چنان بگویند - جواب گفتند میخواهیم برویم
کبریت برای راه باید بدهد نداده توتون داده است -
گفتم در خانه کبریت نداریم از سگها بدهیم - گفتند برو
بگیر - طاقت بعد از سوال و جواب بسیار و حوصله
اندازه که (کافر نه بیند مسلمان نشود) لابد مانده
بخانه همسایه که دکار دار بود رفته بیدار عوده کبریت
گرفته به ایشان دادم - تا از سر مار شده رفتند -
مردای همان روز دلال خواسته خانه و اشیاء خانه مع
باغ و غیره را به قیمت نازل و وحته عیال و اولاد
خود را برداشته تازم رو به شدم

چون مطالب بی شمار و زیاده از این موجب درد
و ملال خاطر می شود قطع کلام کرده طبعی را قلم
جناب مؤید الاسلام را می گذاریم - البته هر چه صلاح
باشد محض توجه شاهزاده صدر اعظم از طرف خود
خواهند نکاشت والسلام علی من اتبع الهدی - خیر خواه
وطن (اقل الحاج محمد صادق تبریزی - وکیل جبل المتین)

ثمره اتفاق اسلامیان

مدیر روشن ضمیر روزنامه تنهدس را زحمت افزا
است - البته اغتشاش و خونریزی مسلمان و ارمنه
بادکوبه بسج مبارک رسیده - چون ارمنه
ولادقفقاز این خبر را شنیده مسمم خون خواهی و
قصاص نوع خود شده مشغول خرید اسلحه و جمع
آرمی کک از اطراف ولادقفقاز شدند - از آنجا که
عده ارمنه از مسلمانان در ولادقفقاز زیاد است طالب
شورش شده عاناً جرات عوده بیک دو نفر مسلمان
بی حرق کرده که شاید جنگ و اغتشاش همی شود
جناب سره لوزراء قونسل دولت علیه ایران و
جناب حاجی ملا محمد اسماعیل آخوند رئیس روحانی
نیاه جلوه گیری از جهالت مسلمین نموده طامع از
شورش شدند حکومت هم از مردود طرف چند نفر
معتبرین را نزد خود خوانده تا کتبات اکیده کرده و
ضمناً از هر دو طرف خواهش نمود که جلوه گیری از

شورش خود ننمودند استعجاب بر لبه کلمه غیرت و شجاعت
معروف و همیشه طالب شورش اند و عداوت جیل خاصه
با مسلمان دارند - مقصد پناه بودند که شورش و
ظلمتیزی واقع و قصاص با دیکوبه را از مسلمانان
بگیرند تا اینکه برادران دینی ما یعنی سنکلا و جاهد با
خبر شده متفقاً نگفتند بلکه اگر چنین اذی نماند
معالطوری که لکریها هر بادکوبه به حمایت شیعه برسانند
کک نمودند تا هم بافضای در حمایت و کک برادران
دینی خود حاضر خواهیم عدد علی الخصوص طایفه انکوش
که به رشادت و جلالت معروف و اطراف شهر
ولادقفقاز تمام از آن طایفه است - و رعب مخصوص
در دل اهالی شهر و غیره دارند - نزد مسلمانان آمده
اظهار داشتند که اگر آرامنه اقدام به جرات نمایند
یک نفر تا را زنده نخواهیم گذاشت - و چند نفر جاسوس
سواره در شهر کاشته که اگر شورش اقد فوراً به
اولین قریه شان که در یک فرسخی شهر است بخطر برانند
تا هجوم به شهر آورده کار ارمنه را یکسره نمایند

چون ارمنه از ماجرا با خبر شده اول پنداشتند
پلتیکی است که مسلمانان برای محافظ جان خودشان بکار
برده ورنه هیچوقت سنی به شیعه کک نخواهد نمود
برای تحقیق امر شخصی را نزد طایفه مزبور
فرستاده تا چگونه را معلوم نمایند - چون از حقیقت
امر سوار شد در جواب گفتند شیعه و سنی هر دو
برادر و پیر و یک شریعتند - این قدر بدانید که اگر
یکی از شیعه ها بی احترامی شود چنین است که بجهت
مسلمانان دنیا بی احترامی شده - و البته حفظ و حراست
برادران دینی ما بر ما لازم و واجب است - و این را
هم فراموش نکنید که اگر جرات نموده و اقدام
به این عمل نماید یک نفر از شما را زنده نخواهیم
گذاشت - حق جوانان ما است که قصد شما را فهمیده
مسمم شده اند بدون اینکه اقدام نماید حمله بشما نموده
و بیاورند به سران آنچه متصور نباشد فعلاً ما طامع
شده با اینکه مقصد وقت هستند - چون ارمنه این
جواب را شنیده رعب و هراس بدانبه مستولی شدند
کفایت و رؤسای خود شیان را برداشته نزد جناب
قونسل و جناب حاجی ملا اسماعیل آخوند آمده اظهاری
داشتند که طایفه (انکوش) خیال دارند که

چهارم آرايه نيابد بهر حال آنچگونه ما پيدا كردم اين
 جلاله نبوده و بستم طراحي داريم كه غنچه هر راي طايقه
 چه بود نوشته كور ارايه با ميديانان هيچ بزمي ندارد
 بله چي بايد رسا يك روز ما به مسجد نما و نماز
 كليسا ما بيايد كه مردم به يفتد كه ما در كمال دوستي
 هستيم بله كه از شر اين طايفه محفوظ مايم - چنان
 فوسل و حامي آخوند فرمودند اين امر وقتي ممكن
 است كه شما به آن شهرها كه در قفقاز عده مسلمانان
 كم است و در چند جا كه مسلمانان از خوف ارامنه
 و كاسهين شان را بته و هر كس بجاين رفته و چند
 نفر هم به ولاد قفقاز آمده اند تلگراف بيايد كه
 در اين جا ما صلح نموده مياداشا در آنجا بيكي از
 مسلمانان بي احترام بيايد - ارامنه - بچند شهر بدان
 مضمون تلگراف نموده با مضاي چنان فوسل و حامي
 آخوند و حكشيش ارامنه و رؤساي ارامنه و مسلمانان
 فرستادند - بعد ارامنه با كشي خودشان به مسجد
 شيعه آمده در حاليكه عموم مسلمانان از شيعه و سني
 حاضر بودند - جناب حامي آخوند خطبه و نطق
 يليني كه در طور صبح و سازش بود ايراد فرمود -
 بعد جناب صادق افندي رئيس روحاني سنت و جماعت
 و سپس جناب فوسل و حكشيش ارامنه هر يك نطق
 منطلي دادند و ختم مجلس بدعاي بقاي دو دولت
 اسلام شده مردم متفرق - و روز بعد همان جماعت
 متفق به كليسا ارامنه و روز سيم با همان ترتيب در
 مسجد سنت و جماعت جمع و هر يك از آقاها مزبور -
 نطق ايراد نموده مردم را ترغيب و تشويق به صلح
 و رؤسا و طوه شان با يكديگر مصافحه نموده
 متفرق شدند چند نفر از طرفين معين و منتخبند
 كه اگر كسي در كوچه و بازار گفتگوي در خصوص
 اغتشاش بايد فوراً او را گرفته به پاي تسليم بيايد
 اينك الحداقه با كمال آسودگي هر كس مسئول كار خود
 مياشد و غير از مهرباني درميان جيزي نيست
 (رسیده بود پلان ولي بخير گذشت)

این است معنی اتفاق و ثمره اتحاد - از برکت
 اتفاق و اتحاد بود که جمع حکمتهای جان سلامت برده
 آسوده شدند - و گرفتارون رنجی بسیار می شد - کاش
 يك قرن قبل اين اتفاق و اتحاد را داشتيم كه در اول

اسلام اين قدر ضعيف نشده به حڪومت قوت هم
 می رسانيدند و ساير سلاطين اسلام مثل سلاطين هند -
 و امارات بخارا - خيوه - بلوچستان - و حكامان
 افريقا مثل مراككو - تونس و زنگبار وغيره تحت
 حڪومت دول مغرب نمی رفتند - جزيره های بالکان
 و عمان وغيره از كف دولت عليه عثمانی و مستط و
 بحرین و تنگاز از دست دولت عليه ايران بيرون
 نمی شد - اميد قوی داريم كه از اقبال و توجه اين
 دو پادشاه اسلاميان پناه رشتن اتحاد و اتفاق مسلمانان
 روز بروز محكم تر و آب رفته شان باز به جوي آيد -
 كه هنوز وقت فرصت باقي است

از آنجا كه اداره مبارکه روزنامه مقدسه علم دار
 اتحاد اسلام است اميدوارم با رأي و زبن در اين
 خصوص جناسك بايد و شايد مقاله ما درج نموده تا
 خلق پيشتر از اين طالب اتحاد شده اختلاف كه را
 بالكليله از ميان بردارند

در خصوص ادكوبه البته وقايع نگاران اداره چنانكه
 بايد و شايد مروض خدمت انور خواهند داشت اما
 چيزيك انكار نمی توان كرد اين است كه هر قدر ايراني
 به اين بلبه دوچار و شكفته شده ناي فوسل ايران
 مسئول است و اينها نتيجه آن شد كه شخص فوسل
 بادكوبه نبود - ناي فوسل از قرارديك تجار بادكوبه
 كه كمال وثوق بدیشان است مرقوم و ضمناً خواهش
 نموده بودند كه با اداره مقدسه عرض شود - روزيك
 اين اتفاق هولناك در بادكوبه افتاد از طرف
 مسلمانان و ارامنه با سلاح در كوچه و بازار گردش
 نموده و هر كس جلو می آمد می زدند - و چاره حالها
 كه همه ايراني و دركنطور و پارگامها حالي مینمودند
 غير و بدون سلاح وغيره بودند - ارامنه با آنها هجوم
 آورده جمع كثيری از آن بيماران را بقتل رسانيده
 و باقي هر كس در گوشه پنهان شده سه شبانه روز
 بي آب و نان در سرما از خوف جان نتوانست بيرون
 آيند - احوال را بعضی از تجار با تلفون وغيره
 به فوسل گري خبر دادند معلوم شد كه ناي فوسل
 در خانه يكي از اعاالي بادكوبه پنهان شده و معلوم
 نيست در كجاست دولت خواطر جمع ايراني كه پيابع
 گمانه خراج نموده و فوسل پنهان در پلان شهر

دارد بپاره نایب عهد خود را نهیده و از حقوق بین الملل خبر ندارد - گویا جناب نایب این را ندانسته که حق دارد از دولت و پلیس مستحفظ و صرباز برای قونسلخانه و نیبه خود گرفته آنها را حراست نماید - و بیچاره رعبد را سکه قدر و منزلت شان از قرب و قدر سوادانی افریقا در هر جا کتر است نجات دهد - بی همه اینها نمره بی علی اس - زیرا از فرادیک بنده سراغ دارم و چند نفر از نایبندگان را می شناسم یکی زرگر یا فرانس قونسلخانه بوده رفته رفته با زور تحف و پشتکن نایب و بعد قونسل شده از این آکاین بیشتر از این نمنا نباید نمود - اما اگر در مدوسه سیاسی تحصیل میکردند البته وظیفه خودشان را می دانستند - فعلاً مراتب را خدمت جناب مشیر الدوله وزیر امور خارجه و جناب معیرالملک سفیر پترزبورغ بنجار مفصلاً عرض نموده اند چه ابراز شود معلوم بست - خداوند عالم غیرت و تعصب ملی به همه عطا فرماید - ترقی خواه اسلام

(اقل الحاج محمد صادق تبریزی وکیل حبل المتین)

صلح کل

(نقل از رساله اداره بین الملل صلح) منطبعة برن (بتاريخ دهم اوریل (۱۹۰۵) نمره ۷)

مقاله ذیل از طرف جناب اشرف میرزا رضاخان دانش که از روی استحقاق لقب به پرس صلح گفته و اصل گردید و ما با کمال خورسندی خاطر در این رساله درج نموده از عموم دوستان روزنامه نگاران خواهش میبایم که مقاله مزبوره را در صفحات خود درج نمایند

دعوت ملل متقدمه بانصاف

اتلاف نوع بشر در شرق اقصی طوری دوام نموده سکه عده تلفیات این جنگ بی رحانه به صد هزاران رسیده است - آیا کسی هست که عده زنان و مادران و یتیمی را که این بلای ناگهانی عزادار نموده بشمار آورد ؟ و مقدار طراپهای مزارک و نرونهایکه به باد رفته و منافع عمومی که بواسطه کینه ملل که به پیچوجبه سبی برای شفرار یکدیگر ندارند معرض تلف گذاشته منظور نظر دارد ؟

عجب است که ملل تمدن حالبه هم مثل اطفالیکه

در ازمنه قدیمه از خونریزی پهلوانان نفعه حاصل نموده در میدان مبارزه آنها را تخمین می کردند بهیچان آمده باشا می کنند - و هنگام مطالعه جرائد از بهادری طرفین بوجد آمده قطع یا منقوبت یکی از متخاصمین را مثل نذر بستن در مسایقت پنداشته نتایج مقاصد باطنی و مضرات ظاهری اسلحه طرفین را معاینه نمایند چرا برای اینهمه مقتولین اشک ترحم ریخته میشود ؟ چرا برای این جنایات مخالف انسانیت و غیر مشروع ندای تهلل بلند نمی گردد ؟ زمانیکه ملل در حال صلح هستند و همین نوع انسان با کمال جد و جهد هم خود را مصروف به بر طرف نمودن جنگ مینمایند نام مردم از همت آنها در انبساط و خوشوقتی میباشد - در اینصورت چرا بعضی ظهور جدال در صفحات روزنامهجات جز ذکر تلفیات آن قتال چیزی درج نشده و در هر سطر شطری از نتایج فتح و شکست طرفین متحارین نه مینویسند ؟

پس جا دارد که گفته شود فائده انجمنهای صلح و حکمیت بین الملل چیست ؟ و رعایت کننده آن کیست ؟ و عقد معاهدات آتفاقیه و خطابه های بلند مرعوفان بزرگ که طالب اخوت انسانی میباشد چه نتیجه می بخشد ؟ هنگامیکه دو نفر با هم دعوی می کنند حاضرین تکلیف السانیت خود میدانند که در مقام ائتلاف آنها برآیند - ولی وقتی که دو ملت بزرگ مشغول جنگ میشوند آنها را می گذارند که یکدیگر را محو کنند و از منافع و قیام آنها سخن مپرانند پس انصاف ملل و وجدان السانیت کجا رفته ؟ اگر چه میتوان آنرا چندی بماطله خوابانید - ولی دیر یا زود با قیاط آمده در آنوقت مانند آمری مستبد مردم را با اجرای حقانیت و عدالت و ادار مینمایند

گویا وقت آن رسیده باشد که انصاف و وجدان به صدا آید ای گاش تمام مردم هم آواز گشته و ببرانند ملل بواسطه مقالات مؤثره و صهیج خودشان طایقین مقاصد را که اخوت بشر است گوشزد خاص و عام نمایند - و از تمام کره ارض ندای واحدی بلند گردیده متخاصمین بگویند پس اسد آنچه خونریزیها و بسا بر اند خطابه هایند که ای مردم انصاف متعین منصف نموده دست اتحاد یکدیگر بدهید عرض اینکه صلح و توصیف هر صرته

کتابنامه (بیچ الاول) (۱۳۳۳) - سال دوم (۱۳۳۳) - شماره (۱۹۰۵) - شماره (۱۹۰۵)

بازدید روزنامه‌ها و مجله‌ها و شرح و تفسیر آنها - اسلامبول
۲۵ مارس سنه ۱۹۰۵

ع - ح - ایضاً

(ترجمه از جریده اوانت فرانسه)
(اسلامبول بتاريخ ۲۲ اپریل ۱۹۰۵ نمرة ۹۵)
(مسیودوکومن) مدیر کل اداره صلح عمومی بین
الملل (برن) بمفید کبیر دولت علیه ایران جناب اشرف
پریس میرزا رضا خان مینویسد - که خطابه جناب معظم
که را بمسوم ملل متعده در باب رفع حاربه شرقی اقصی
بطریق ندا نگاشته است - از طرف اداره مزبور بجهت
صد روزنامه معتبر تمام عالم فرستاده و خواستش کرده‌اند
که در صحایف خودشان درج نمایند علاوه بر این همان
اداره دو هزار و پنجاه نسخه از خطابه مزبوره را به
انجمنها و طرف داران صلح دنیا ارسال داشته است

ح - مکتوب از کرمان

چون در نمرة (۱۵) اخبار مقدس شرحی از
انتقاد مجلس تجارت کرمان و تفصیل بده آقا مشهدی
محمد تاجر میلانی درج شده بود لازم دانست که در
این نقره مختصراً اداره محترم را واقف سازم
اولاً هرزمانی اقتضای دلدرد - اگر در اوقات
ماضی وضع مجلس تجارت مرتب نه بوده لازم نیست
که ما بایه داشت ایام ماضیه را بنایم
امروز که مقاصد طالبه انسانی دولت ابد مدت
تابع خیالات بلند اغلب حضرت شاهنشاه جججاه
میباشد و هر وزارت خانه در نهایت جد و جهد
در صد انجسام تکالیف مرجوعه و متعلقه بآن امر
منیع است خاصه وزارت تجارت حکمه امروزه در
تمام روی زمین اطرافه بحظمت و اهمیت آن نیست -
اگر بنظر دانش بنگریم جنگ ژاپون و روس نیست
مگر بجهت تجارت اقصای شرق که تمام اروپا را بیجان
آورده - در این صورت هرگاه وزارت تجارت دول
در ادای تکالیف این امر بزرگ قاصر شوند نام
خود را در اوداق صحائف عالم بییدی یادگار
خواهند گذاشت - باوجود آزادی قلم دانشمندان
جای پرده پوشی نیست - بهرحال بموجب نگارش صاحب
مکتوب وزارت جلیه تجارت ایران مستجابست که در
تمام اوقات برابرت انتقاد مجلس تجارت کرمان با هر دست

کتابنامه و بیچیکری بیچیکری بیچیکری بیچیکری
و فی نگاشته بدون واسطه سبب و جهت بیکدیگر را
میکنند - و بجای اینکه در (لکت) مقصوده که برای تسلیم
اطفال و مطالعه جوانان است از فتح دو جهانگویی
تخصین بزرگ و سرداران نامدار تجدید نموده و از آلات
و ابوات که همه روزه از روی جد و جهد به جهت
کاشتن تخم مرگ و خرابی تکمیل مینمایند توصیف کنند -
کاش روزنامه ها و رساله و نام مطبوعاتی که مقصودشان
ملود نمودن افکار و عقائد عامه است بر علیه سبب
قرنهای سابق و حرکات برجهای سخن رانده و خون
خواری آنها را قبیح میگردند

بدیهی است که نمیتوان به قوه جبری از میان دو
دولت عاریت نزاع را رفع نمود و از طرف دیگر
آبمال بیچیک از طرفین نیز تقدم در طلب صلح
پدیکری نخواهد کرد - زیرا هر یک از آنها بقدر کفایت
و سائل و قوتی را دارا میباشند که میتواند سالی
سال باین جنگ و خیم دعوا نماید

انجمن (لای) قرار گذاشته که بدون رضایت طرفین
منخصاسین هیچ کس حق مداخله بکار آنها ندارد
و دولتی که قرار داد حکمیت را امضی نموده‌اند در
ایمصوص رعایت و وقایه استقلال خودشان را منظور
دشته‌اند - ولی يك قوه هست که خود آن بالا تر و
قوی تر از هر نوع مقاومت میباشد - و آن عبارتست
از رأی عموم ساکنین کره ارض در صورتیکه جداً این
قوه مایل باشد حکم واقعی و قبح قطعی مر او راست -
زیرا که قوه مزبوره در وجود تمام مردم و عموم
ناس ناغزلالی است به غیر از جراند آزاد دنیا که
میتوانند فتح این باب بکنند

پس باید دورامهای تمام ممالک بدون ملاحظه
قومیت و ملیت و قیودات دیگر پیشرفت مقاصد انسانیت
را منتشر سازند - کاش این ندا که از بجهت شرق
زمین بلند میشود در پنج قسمت کره ارض که برای
همی (که اولاد يك پدر هستیم) حکم وطن واحد را
دارد گوشزد طرفداران عالم انبایست گفته ما اثر نماید
(پریس میرزا رضا خان حالت مابنده اول دولت
علیه ایران در کنفرانسی صلح (لای) از عموم متعینین
خطیبان خطی مینویسد و درود بی جهت مزبور

تکالیف و قوانین معین و سنجی قبل از تصویب، متصل
 در باب امور تجارت کرمان که دارای اصول و لایحه
 عدیده میباشد و همه دال است بر ترقی تجارت و
 احترام مسکن جنبه تجار و ترقی دادن صنایع و ترک
 کردن کلیات اجناس و فیصل شدن امور تجاری
 در مجلس مزبور که هر روز ریش تاجر بدست فراموش
 نباشد با نهایت بی احتیاجی با او سلوک نمود. الحاق
 مجلس اسباب ترقی برای تجارت این بلد پیدا شده است
 که رئیس تجارت کرمان مکرر نطق کرده است که من
 راضی هستم تمام هستی خود را در این آثار صرف
 ترقی تجارت و احداث صنایع جدید تجاری نمایم -
 و اغلب اوقات اجزای محترم این مجلس نطق های
 مؤثره سودمند داده حرارتی در اجسام بهم رسیده در
 مقام اتفاق و ترقی تجارت میباشند. و امید است که
 روز بروز ترقی آن زیادتر و خواهد این مجلس محترم را
 بشهر بداند و آثار نیک ظاهر شود

در باب مشهدی عهد تاجر میلانی سکه نگارنده
 مکتوب نگاشته بود بمقتضای طاعت و در شکست واضح
 است سکه احدی راضی نخواهد شد اعتبار خود را
 که تا موسی بلکه سرمایه تجارت اوست بجهت قایده جزئی
 بر باد دهد. اتفاقات و خسارات و گرفتاری و در
 شکست شدن برای هر کس امکان دارد

چون این شخص بسیار کاسب معتبر و درست کاری
 است ضایعات اقساط عمل (رود بار) را نموده بود. در
 حالتیکه ضابط عمل مزبور نیز در نهایت احترام و اعتبار
 میباشد. رعایای آن محل در ادای مالیات بجهاتی که
 شرح آن زیاد و در اخبار شایسته درج نیست تغافل
 نموده. وجه بموقع نرسید. البته تاجر نیز هزار رشته
 گرفتاری دارد. خرید دارد. فروش دارد. برات
 میکند مگر تا حق الامکان خود را نگاهداری نماید و جیبی
 برسد. وقتی نرسید ناچار جیبی مستحسن شده بمحوم طلب
 خواهان اظهار نمود که من خیال اتلاف مال کسی را
 ندارم. قروض من چندین درجه کمتر از حد و جنس
 و مطالبات است. لذا باید قدری مهلت دهند. تمام
 بمغفوق طرد خواهند رسید. طلب خواهان نیز ناچار
 تمکین کردند بعضی را جنس کافی و غیره قیض نموده
 دادند برخی را از مطالبات شواله گرداندند نیز نطق

بصوابتند و بعضی محترم تجار و بعضی دیگر از کسب
 و سایر نظیر مطرفان و مستحقین اخیر اندیش محرم ارباب
 طلب چندرگرگان و تپندر خاریج چه مسلم چه زردی همه
 بهقول خودمانی شده ملتها کندی برای وصول سوابق
 فرمودند. و بجهت انشای بلا مبطلی سوابق طلب مطرفان
 شده باقی هم بمعرض وصول خواهد آمد. حاصل
 آنکه شخص کامل با تجربه همیشه گرفتار این جور
 اتفاقات شد نباید خود را باخته برامتهای مختلفه و
 کارهای بی منفی برداشت خود را و از باب طلب را
 بپناه سازد. این شخص محترم بیرون از روی دیلت و
 تجربه رفتار کرد خود و طلبکاران را آسوده نموده مجدد
 مشغول تجارت گردید. چون نگارنده مکتوب خانه
 محل ایشان را نه نوشته بود علاوه باقی شخص محترم را
 نومی شناسیده بود که خدمت مال مردم را میخواهد
 بخورد محض اعتبار حفظ نوع حالات او را معروض داشت

حرفه ناظرین

(از شماره ۲۳)

رؤساء و محرمین مسلمین یادآور نیز جز اعلانات
 منتشره و امواتات کاذبه آسوپ بتذات ارامت و اقیاف و
 سراپا گوش بودند. پس از اینکه دیدند مجالس بلذاری
 ایشان میمنت تفریح و طاقبت و طیم است. و هرگاه
 بجهال ملت را از مکنوات طراران و خیالات شیوانه
 رقیب بیدار آگاه نکند گرفتار بلیه عظیم و دوچار خصمه
 شدید خواهند شد. این بود که سرآمد و رؤسای
 هر محلی را سفارشات. بلین فرمودند که بمحوم مستلمانان
 دور و نزدیک بوسایل ممکنه مطالبات لازمه را برسانند تا
 بخوبی همه مستحضر گردند که در این اوقات دشمنان
 قدیم قویم بیدار مغزشان مترصدند که آنها را بانواع حیل
 و تدابیر با خودشان در شرایط شریک نموده. مشغول
 دولت متبویه نمایند. البته گول و فریب هیچیک از طوائف
 مختلفه را نخورند و دست از باطلها نکند و در چنین
 ایام معشوش به کسب و کار خود مشغول باشند تا پادشاه
 رؤف وقت سراحم شاهانه خود را در حق آنان مبنول
 دارد و در زمان آئینه الحقیق ان کامل با آنها حاصل نموده
 امیدوار گردد

بر نهایت اعلیٰ از (مجلس) وضع است سکه باقی بر
 خلاصه از بیخ نالند دولت قویتر از روس خطه

بزرگ و ارباب و بیع ملکیت و ازیها بر تخت امر و تصرف
 خیره آورده - مسلمانان این ملک را شایسته را از تاریخ
 تصرف تا زمانها بذاکی و کلام وقت شده که دیوار اس و
 نوای دولت متبوعه خودشان بر از چهر اطاعت
 بیرون برده نافرمانی و سوء ادبی را مرتکب شوند - مگر
 همواره بقیام تمجید و تکالیف شاه مطیع بوده و حرکتی
 غیر از رضای دولت نداشته - در چنین صورت پادشاه
 عدالت گستر وقت را لازم و مناسب است لشکر از این
 گوه و طایای فرمان بردار فدائی نموده بباداری و برقرار
 بودن آنان را از درگاه مسبوبش نیازمند و آرزو کند
 و طلب نماید

بالله - از مطب دور افتاده و از خط خارج
 کتیم - طایفه ارمنه همینکه بخوبی دانستند و واقف
 گنجینه که از طرف مسلمان قوی و حتی مرایشانرا
 منظور نیست و باید به تأییدات ملت اسلام منتظر شد
 و موقع به این خوبی را نباید از دست داد - آنکه دو
 ماه قبل ارمنه توری مجوزات و توقیعات چند ظاهر
 و با آمد - از جمله یکی این بود که اقدامات عدانه
 نموده و بیاورد

ای فدائیان ملت ارمنه - مسلمانان بادکوبه
 با شصامیت و رابطه ندارند بملایه در آشکارا
 نمودن اسرارشان دست اندازی و مداخله مینمایند -
 تکلیف حالیه شما این است چند خراز رؤسای نامدار
 و متشخصین ثروت شعار بادکوبه که با هم مسلمان این
 شهر از آنان دستورالعمل و سرمدق گرفته احتراماً
 فرمان بر دارند در هر نقطه و مکان صکیر آوردید
 چسکید - تا بزرگ مصیبت و فانی بدولت مسلمان
 گذاشته آید و بفرمند طایفه ارمنه آنچه اندازه
 دارای بیستقامت و رشادت و شجاعت اند و از مع
 شدن و تقویت نکردن ایشان شمه کار و خیالات آنان
 منهدم نخواهد گشت و ناشاممدار در آغوش نکشند
 آسودگی حرام و بیکار نخواهند ماند - در این اندیشه و فکر
 و ذکر بودند که یک فر جوان رشید خوربز از خلق
 دولت عثماني صکیر بدلاوری و به تیر اندازی در
 طایفه ارمنه فرید و وجه بود و در طایفه دارالباقوه
 به خدمت نیوانبهم کیمان حضور کرده بود بمسافرین نزد
 برای اجرای مقصود بعضی با صکیر و آردیه نیوانبهم

و نقدیات فراوانی به او نمودم به کین گاهش نمایند
 آن بدبخت منور از همه جا بی خبر در نجس و قبحس
 بود تا در عشر اول ذی قعد قالمرام بیرون شهر معروف
 براه شاهی به یکی از متولین مسلم ساپوچی حلوکیری
 نموده با شش لول حله بر او نمود و بخواست خداوندی
 تیر از آن شخص خطا کرده بر سینه مرد کفایش گذرد -
 و فوراً بوادی جاودانش سفر داد

پهلوان الملك بدون درنگ راه فرار پیش گرفته
 بسرعت برق از نظر قائب شد - جوانی مسلمان بسن ۲۳
 سال در نزد کفایش مقتول بود و صحبت می نمود بمجرد
 دیدن این قضیه ناگوار همت و غیرت بروی آورده
 بلا درنگ سر در عقب ارملی قاتل گذاشته تا در یکی
 از کوچه ها با او مقابل آمده فوراً گلوله شش لول
 بسینه بر شکسته شورش زده بدارالبواش مسلمان
 داد - همان آن خود را در دست پلیس گرفتار
 دید متوکلاً روانه محبس شده مقید شکست ارمنه
 همین که شنیدند پهلوانشان به اندک حرکتی در اول
 وجه از پا در آمده مقتول گشت خروشی از دل بر آورده -
 نهایت مغموم و متالم گفته نش و برا با حلال و با عزت
 تمام از خاک برداشته منبع خمیاری با درش فرستاده
 اطمینان کاملش دادند که هیچ دغدغه بخواطر نیارند
 که در عوض خون یکجوان تو خون یکصد نفر جوان
 مسلمان را بروی خاک سواهم ریخت - و بعد تا کمال
 محنت و شتاب طرحی و روشی بکار برده که خون قاتل
 پهلوان خود را بزودی بریزد دو نفر سر باز از منی
 را حرکت شدند و سپردند که این مسلمان قاتل برادر دینی
 شاست پایان و مراقب حالت باشید - هر وقت برای
 استطاق بدیوانخانه عدلیه در حضور پادشاهید به تحت
 الحفظ بودن بدیوان عدلیه و برگردانیدن به حبسخانه
 خودتان را منتخب آورید - ما با رئیس محبس و سایرین
 ساخته ایم شما باید کشتن این یک نفر را بر ذمه گرفته
 قادر جوان مقتولان را از ماتم و سیه دوری بیرون
 آورید - تا بوم موعود استطاقی مقصر رسیده و حضورش
 بدیوان خانه لازم آمد - رئیس محبس خانه با همان دو
 نفر سر باز از منی گیش بدیوانخانه داد و سلامت به مجلس
 استیضاح رسید و سؤالی چند از او شده جوانی
 بر طبق داده مجدداً رخصت محبس و رفتن بکلیت به باز

هان هو نفر سرباز فوق‌الذکر موکاش مین آمدند
مقرر مزبور در حضور مستعلق که استنطاق دیوانخانه
از تمام مقصرین حق طاق او و از طرف دولت
معین است آمده در خواست و استدعا نمود - که
من از این دو سرباز ارضی هراس و خوف دارم
سرباز روس یا یهود به تحت الحفظ بردم بسوی محبس که
خارج و دور از شهر است مأمور فرما جواب یأس
شایده تغییر دیدم که غیر از این دو سرباز ارضی
نوکری دیگر حاضر نیست حرکت ممکن و بدون خوف
در بسیار بسوی محبس شو - مجبوراً و مغلولاً دو سرباز
ارضی مقصر را از اب دریا سلامت گذرانیده تا
به محل خلوت که خیلی کم آمد و رفت میشد و سه
مکت راه را پیچوده بودند به مقصر گفته بر جوانی تو
رحم مان آمده و می آید - بیا بگیریز و خود را قدری
از نظرها غایب گردان و چیزی بر ایمان فرست ما
جواب رئیس محبس خانه را خواهم داد مقصر جواب
داد چرا بگیریزم هر چه حکم قانون دولت است
بر من جاری شده و میشود و من مطیع و فرمان بردار
خواهم بود - سربازان گفتند حال که تو میل رفتن و فرار
مداری ما ترا در اینجا گذاشته رای حقوق همسایه بودن
راه خودمان را گرفته بمنزل بریم همین که بخواه
چند قدم دور رفته و فوری بطرف مقصر دویده
گفتند چرا فرار می کنی تا گوانه تنگ و سر نیزه
مقتولش نموده حسدش را در همان محل بجا گذاشته
بمحسسانه خبر بردند - کم کم این مصاب شیوع یافت
- پلیس کش را از زمین برداشته براد تشریح فرستاد -
بعد رؤسای دیوانخانه دو نفر سرباز را گرفته استنطاق
نموده متعرف گشتند که از اداره شواری ملت ارامنه
پول کلی بدل شد که بن فعل را انجام دهیم و دادیم
و حال مطیع حکم قانون دولتیم و مطالب مهمه گفت
گفته دو سرباز را به سیر اندی فرستاده بیاران دیگر
شان رسیدگی و وقت کرد

بدن حال نما را پاره پاره نموده در شب همان تاریک
فریاد و جگر و مکنز و حکم و چه هائی گذاشتند
و به هیچ وسیله امکان نداشت این قتل را جلوگیری
نمایند و قاتلین را گرفتار کنند - تا پس از کشته شدن
تجلی از مسلمین بی حسنه ایرانی رؤسا و محققین
مسلمانان با دعوی بوقت آمده بزرگان و متمولین فرقه
ارامنه را در هر محل و مجلس که ملاقات دست میداد
بالسان عنیب‌البیان و بطور دوستانه و مطلقه می‌رسانیدند
و موعظه می نمودند که ای رؤساء بجهال و فدائیان
ملت خود را نصیحت و ملامت کنید - راضی نشوید و
نگذارید تا ایندرجه سفاکی و بی‌اعتدالی نمایند و از این
سنگ دماء دست بردارید - کویا اسحق دیرینه ما -
این چه وحشیگری و عداوت است - مگر بر خود شما
واضح نیست که تمام وحشیان اقطار جهان متمدن
شده تهنید اطلاق و مردم داری پیدا کرده‌اند - و از
خون ریزی بی سبب هزاران فرسنگ در گریزند ؟
چرا به این قساوت خون حلقی بی گناه را می‌ریزند
و از قهر و غضب خالقشان نمی‌پرهیزند ؟ چه روی
داده که صرف نظر از دوسق عموم مسلمین و مخصوصاً
از رعایت شاهنشاه ایران بنوع خودتان میبایست که رعایای
فقیر مظلوم ایرانرا بدون استحقاق و جهت با سخت و
خواری در دست ظلم جهال نادان و اشرار میکشید
و در زیر برف و سنگ پنهان میدارید و ضا ندهید که
تمام متمدین بلکه وحشیان دور جاریه بر سر و دوش
و زندگانی ما و شما بخندند و محل تفسیر و استهزاء
دوست و دشمن واقع میگرددیم و ما دو طایفه را از
انصاف و بلکه از مقام انسانیت دور دانسته خارج
بشمارند (باقی دارد)

فاعتبروا یا اولی الابصار

(از شماره ۲۲)

واضح است که از دست اینگونه اشخاص چه
آید - و از افکارشان چه زاید ؟ بی‌لز آثار ریاست ایما
بود که مشرق و مشرقیان باطل شده - اقوام ضعیف
را بر آنان تسلط دست داد - کفالی گرفتار نکند شدند -
بلاد مسوره سظموره و خرابی و مدها سوخته و کباب
شد - با این حال بعضی از علم نضرت و مست و
تفرودندگانی هنوز چوین می‌نمایند و سر از بالشی ناز

این ایام اراضی و اطراف مادکوه را برف و آفری
فرا گرفته آبائی و ارازل ارامنه در بازار حال بدوش
حالتی رعایای ایرانی دانه بنسازند و غلبه ایشان
میبرفتند در عوض آنکه حق محالی را ادا نموده
مزمعشان نمایند از روی کین خوانی و سختتوت

جلد نکرده خوب وزشت را نیز نهاده اند - گدارنده
 فراء مستمند و بدنام کننده تحکونای چند - گویا
 روح انسانیت در ابدالشان افسرده و روان حیوانی
 در جسدشان دمیده - که بآب و علف قانت و بشهوت
 زانی راضی و شاکر - و لذت صفات و طبایعی که آدمی
 بدان مخصوص است از سب مجذوب و شرف و نام نیک
 بکلی طاری گشته - حس مهرت در آنها مرده و افعال
 به پشیمی و تساوت مبدل گشته - و کفر ضرر این گروه
 آنست که طهاغان و شیادان و متقلبان را موقع مناسب
 بدست افتاده بانواع امانت و اکاذیب اجواب دعاوی باطله
 باز کرده و سائل بچارا متمسک شده لقمه نیز بدمان
 رؤساء افکنده دزد و قاضی شریک گشته اموال ناسرا
 ظلم و عدواناً متصرف شوند - شارلانای و حبه گری رواجی
 وسیع یابد - قلب و مکر فزون کرده - و در ملک یافت
 شود پاره شیادان تر دست که بانواع نیرنگها امن وامان
 را مرتفع سازند خلق را بخوف و خشیت دائمی مبتلا
 نمایند حتی بنام پیرومردی فرقه باهم شریعت گروهی
 بعنوان رفاقت یا شرکت یا مصاحبت گاهی بجهت و علف
 هنگامی بوسیله کسب و تجارت و صناعت موقی
 دعوی مالکیت زمانی باسم ریاست مال و علاقات عموم
 را بساری خود جلب و جذب میکنند - خصوص
 آمان که چهره دینی را با قوت و زور توأم نموده
 زبان بازی و لطایق را وسیله اعتبار قرارداده بواسطه
 اسباب و تمحلات ظاهری خود را در سرائق جلوه همومی
 در آورده طرق تسخیر قلوب ساده لوحان را کشف
 کرده از طرف دیگر نیز با رؤساء مفروض هوا برسد
 دینی طبع یارظار و رفیق شفیق گشته خویشان را در
 اضطرار بزرگ و نافذ الامر و محمود الکلمه مایان - احاطه
 در بعد ادوای الاری والاهی بشمار آورده از فتنه و فساد
 الحظه آسوده نه نیست که ایشانند مغربین شهرستان
 سلامت و عاقبت و بر هم زمان حوره جمیت انسانیت
 جروجین کالای بدعت و حیانت و سالیان بازار آشفته
 و شب تیره و گرگان آدم روی و آدمیان دیوخلوی
 و چون در ملکی یک نفر تنها بدین صفات مزبور
 و طادات مذکوره یافت شود در یک مملکتی امان و راحت
 از آن ناحیت رحمت بر بندد فریب ادبار نسیب قنا و
 ملامت محال بر تحکوم آنها انقلاب بدیدار آید روان
 عزیزی و مزبور فغان دطرقتی بمساع طلیان رساند

بردهای حیا و عصمت پاره شود قوس را تزلزل بانی
 و وحشت همیشگی فرا گیرد فضائل اخلاق قبایح مساوی
 مبدل شود و جنیدی نگذرد صفاطمینان و خاطر
 جوی تمام شده خلق از هم بیاشند و از یکدیگر خفت
 کنند - و تفرق در جمعیات پدید آید - آنگاه زراعت
 معمول تجارت عقل و کسب معمولی بضاعت فار شود
 (اموال بر بالجه - والنار من شر هولاء الاشرار)
 صدق این مقال شرح حال ملالت اشغال شامت
 بآل حاجی التحار طهران است که بمشابه
 بلاء آهای آفت جان برناویر گشته برده شرم و آزر
 یکسو فکنده نه از خدایش طوفی در دل است و نه
 از خدایگانش اندیشه و ترس - و طبیعت را علناً استهزاء
 کند - ملیت و دیانت را لغو و پاره شمارد از وجدان و
 خالق سبحان منفعل نگردد - مذنبش قارت اموال
 ناسی است - و کیشش ایذاء واضرار مسلمین - سینه اش
 آکنده از طمع و شره است و انباشته از حرص و مخوت
 افسادش کسب است و شرارتش اسب - سالها است
 که دست تطاول کشوده و برای بلع خون بچارگان
 دهان بمشایه غار باز کرده و تاکنون هیچکس او را طایه
 نگشته بود - و روزنامه نگاران نیز که خود را به بیخوش
 و هواخواهی نوع و ملت معروف و مشهور نموده اند
 تا بحال بواسطه ملاحظات چند که مرجع آئینه و هم
 خبیث است در خصوص اتواع تعدیات و شرارتهای
 او سختی نگفته و سطری نگاشته اند - مگر روزنامه
 مقدس که يك دودغه از اختلال اوضاع شرکت همومی
 شکایت نموده و گرنه باقی همه ساکت و صامت نشسته
 اینست که این قسم جرائد را هرگز اهمیت نخواهد بود
 علی هذا در این مقام لازم دید که برسبیل مقدمه
 شرح حال و توجه روزگارش را با شمه از حرکات و
 رفتار او به عرض رساند - تا بر طلبان روشن گردد که در
 ایران چگونه مردمان شیاد بچابکی و شارلانای خود را
 معروف و مشهور میباید - و حال و نزوت عامه ا
 برخلاف قوانین بنصب تصرف میکنند - و معاش خود را
 از دزدی و قلب اداره میباید - شاید بچارگان غافل
 ساده لوح متذکر شود و اجتناب ازین قبیل اشخاص
 را چون و پاره و طهاغون واجب و لازم شمارد و
 باحوال خود را که نتیجه رنج و زحمت يك مهر است

مجله علمی و فرهنگی «بهار» شماره ۱۳۳۳ - ربيع الاول (۱۳۳۳) - شماره ۲۳۶۳

برایگان بوی بسازند و اولیای امور جمهوری نیز متنبه شده شر او را از یکمیت ملت ضعیف کوتاه بایند

مذاریه را اغلب اهالی طهران و تبریز بخوبی میشناسند که وزارت پادشاهی و نیایگان دارای ثروت و مکتب قابل لایق بوده و از خایه فضائل و کلمات نادر و اکتسابی طاری و ماطل است - و حرکت جز درس حبه و شیفتت فرا نگرفته و غیر از قلب و تدایس نیامده و در طول مدت عمر در وضع کسب و تجارت از طرق مشرقه بر نیامده و از منابع رسمی ثروتی پندیده - ولی بطراری و شیبادی که در مدوسه و زایل تحصیل کرده خوبتن را در انتظار کوه نظران بزرگ جلوه داده و به تمام ترویج و قته خود را در هر محل شریک و دخیل نموده از تعدی و دست اندازی با امرال ناس کوتاهی را حرام میدانند - زلفی خود را از لب اویب و سخن سنج لیب قلم داده و در مجالس و مجال استقامت چند شعر پوسیده پاری و عربی و در سه عبرت از کتب مقطعی که از خارج چون طوطی حفظ کرده از ادبیت لاف و گزاف میزند و بخود ستای بردازد - در حالیکه همان کلمات را اگر از وی بزرگتر بزرگتر عاجز بود - اما کجاست وجدان سازد که آری شرم کند و باوه سرانی نه باید و از اظهار تندی و غلبه فرو بندد - خصوص اگر اعضاء مجلس مردمان جاهل ساده دل باشند در آنان فائده منظور که حرف دست حریری را از پشت به بندد و بی وفروسی را بویچ نشاند و قائم مقام را در دفن اشاء طاحز گوید و سبحان را الکن و کند زبان خزان - ذلت باین را بی کفایت جلوه دهد و صاحب قانس را از علم امت طاری سازد متنبه و ابونواس را از شاهزاده به داد - ولی چون يك تن از اعضاء مجلس امرال نبال و کاه و فی لجله بادبیت آشنا و مأوس باشد - نکته گیرد فوراً حریف ملک خود را تنبیر - مجرای کلام را برگرداند از سیاست و پلایک و ارماع دیپلمات سخن راند و ندانسته بیاه سران آنان از حقوق ملل و معاهدات دول دم زند در حالیکه از فهم واضحات طبعی است - مسائل مشکله پلتیکی را موضوع بحث قرار دهد و در همه سخن خارج از اصطلاح سخن گوید که اگر مطلق

فردان بکن باددبر و بهار عفتن بخندد و از اقتضای هوا در آنچه بکلی جلدی است سخت شکسته ماند باق و لایق - اگر از اینزه نیز نتوانست بچالای باب مضحک و مسخره کن باز نباید و آکتور نیستار کدی گردد و صنت طایفک را از عقب بندد بوالاخره میدان میسر و قاز را گرم کند و رقعه را باج وسیه نرم و در لبین نیز خندهها دارد که ضرب لیل مقامین است و چون این جنبه نیز میباید - و نتیجه منظور سرکار حاجی آقا حاصل نمود در دست آخر توب و تشر و حاکم و غشی و بوده دری است -

چنان فطرت اعلیه را حلقه است که زشتترین منیات در نظرش قبیح نیاید و با احسن اعمال فرق نهد استعماله لفاظ رکیکه از تنبیل دشنام و فحش را - اشرف و اقتضای داند در بدن حجاب حیا و برانگیدن قلب شرم را تسلط و قدرت نام نهاد خوردن مال غیر را قوه و غلبه گوید بیخیزی و پنااموسی را خرق اوهام تصور کند نکری و شیفتت را عقل و تدبیر و قته و فساد را زبری و هوشیاری گمان باید - و از بدایت عمر تاکنون از همین عمر تحصیل معاش عوده و ذخیره اندوخته و باندازه در ارتکاب شرارت - دانات مصراست که پسران و برادرش از وی بسنوه آمده - مکرر فرزندانش بوی گفته اند که این وزرو و بال که بر گردن گزافه و میگیری اگر فرض ترتیب معاش شخصی است که بقدر کفاف حیات ترا از احوال ناس جمع گفته - اگر جهت ما اخلاف است عطفه ما حرکت راضی نشویم تا این دوچه خون ملت را در ایشه بیرحمی کنی - اندکی از وخامت مال این سنمها اندیشه کن و از خالق جهان و پرش دیوان امرالهی ملاحظه نما - در جواب حر قسبی مسخره آمیز که مفادش انکار مبدأ و معاد و مجازات و مکافات است ظاهر سازد - سبحان الله! ذات تابک که خیر مایه شرارت و خیانت و جرم شر و فساد است سوء نیت و فساد عقیدت تا چه درجه است که بر مردم اساس مردمی - تخریب بنیان الهی که (الادی بنیان الله) با تمام قوای خود سامی و جامد است و کمال مجد و سعادت را در ایذاء ابناء جنس و موطنان خود میقتلید گویا قلب و وجدان شر را تیغ یکبارگیه فرا گرفته و بریده غشاونت - افسارش را از پنهان و

و چون با وجود حاج گشته (خراب اهل قلوبهم و اهل جسمهم و اهل افسارهم و مغلوبه و لهم مغلوب عظیم) و در این باب چنانچه گزارش در سابق نموده و اینکه جنسیت و جاسه نظایات و مناسبت آنها مملکت و توافق مطلق خیال با حسن خیل اهل عشاق و خروج بازار فراق غرب اساس حریت و مروج ظلم و بدعت در برهمن حوزه ملیت و جیت یعنی (قوة کاذبه) بود - چه این هر دو در بهر ای و همدستان در قارت اموال نظراء و انقیاب هم عقیده اند - بد نفس و خود پرست هرک و مؤسس همه قانده رفیق دزد و شرک قانده و یکدیگر معاون و عداوت و ظلم علم و تربیت و تمدن را دشمن و عداوت آن یک تشنه پیداد بر ریشه دولت میزد و این یک با سنگ عیفا شیده حیات مات را در هم سیمکت (والا اضون) مضمون اولیاء بعض - والباطین یوحون الی اولیائهم) چنانکه در زمان شاه شهید سعید بورا که مضجه بدین سبب تحریک خلق وطن و ملت مصدر پس حقیقتها گردید و در جهت پشت گرمی و خاطر جیش با عشاق مضوی بود که در بین این دو منفذ گشته در جهت آنکه چون (قوة کاذبه) با همسایگان نهالی همسر سوخته قسم شد که خود آنها را در مملکت ایران بیفزاید و اندک مدتی در وطن عزیز ما تسلط بخشد و از همسایگان جنوبی را کاست بلیک شارا در این حدود بریزد و تا سالی چند اهل ابر دست سه تسلیم همسایگان شمال نماید و مضمون الجیش این جهت را ابطال عمل رؤی مقرر حاجت - رفیق خود دستور داد که هر وسیله تواند آتش ممتل سارد و ملت را بر صد دولت تحریک کند بلکه چندین فرس را هدف کله بارز شاید تصور نائل گردد - چنانچه همگان مشاهده کردند شاه شهید قصد مجازات او را فرمود (قوة کاذبه) بلطائف الجبل او را از جنگل قهر پادشاهی نجات داد از آن پس در حایه روسیان در صدد تحریک کار بانک شاهنشاهی برآمد و دو قصد فراهم کرد از مقدمات عمل بود که دوره سلطنت و تاجداری اهل حضرت اقدس همیوی رسیده و رفیقش در قم مجبوس گشت -

در زمان صدارت مرحوم پناه حاجی میرزا علیخان امین الله طیب الله مرقده آن شخص معظّم که با ذره بین خرد و پنهانی بطول هر کس را میدانست مقصد و

مصلح را بخوبی در یک نظر نپذیر میداد و دفع رقیب و دفع دشمن و اصلاح مہام ملکی و ملی را پشیمان خاطر خود ساخته بود - وجود این مرد را مثل آسایش طامه و غروب بنیان مدنیت و ماسی عظیم در قبائل اینچنین به هموم ملت - اگر چه خود شمه چندان قابل و لایق اینگونه خطرات نبود - ولی چون با سخن دوات نهاد داشت بقوت او و دستور العمل همسایگان موافقت سکنه بعدد دفع ضرر و حوش در شریعت سیاست لازم بود - مع هذا نظر بیایک طینت و حسن فطرت آفرینت ایاب پیرامون سیاست و تنبیه او نگردد فقط او را خواست بلسان نصیحت و انداز اشاره فرموده که هر کس را در وجود انجمنی شری شغل حوائت است وزی معین و هر آنکه از زی خود خارج شود خویش مباح و جایز تو در ظاهر لباس تجارتی نه بهترین معاضل و با شرفترین کارهاست - بهتر و اقرب به صلاح آنستکه از لباس خود خارج نشوی و زشت کاری و افساد را که در هر شریعت مذموم و قائلش معلوم است ترک کنی و با سرمایه که داری قناعت کنی تا دستکار دو جهان شوی و خدا و خالق نیز از تو زنجند - و بدانکه شر و فساد را طابقی بولیم

(خرانگیز هم سر سر رود)

(چه کردم که تا خانه گذر رود)

دست حفاظت و عدالت قوی بجه و بولاد بارو است و هر که با بولاد بازو بجه میکند - اعد خود را رنج خواهد نمود - و آنکس که بادی آواز و درخت بد کاری بخشد در آخر نمره رسوائی خواهد چید - پس هر دمنه آن به که لاین مملکت دوری باید و از صراط المستقیم راستی و درستی منحرف نشود تا طبیعت روزگار که مجازات و مکافات را متخص است با وی همان سلوک روا دارد

این کلام که عین فلسفه و لب حکمت است در مزاج قاسد اثری نخبید و در سنگ خارا و صخره صباء فرو زرف و گوش مستمع از پذیرفتن کله حق اله و امتناع نمود - بل مزید علت را سبب کشت و آتش درون زیاده معتدل گردید - با سری آکنده ارفهر و کینه بقصد استقلال و هیجان پای بیرون نهاد - سوگنده یاد کرده که از پی نخبیم به تأیید انجمنی بر امروز که نظایات و

کتابخانه (۲۳) ربيع الاول (۱۳۳۳) ...

مك را بسوزاند. و خودش افتق ملكت را تيره چنان .
 بعد از تفرک بسیار مسمم شد بانك شاهنشاهی که اکثر
 ثروت مردم در دست اوست از اعتبار افکنده و ملیونها
 ثروت خلق را برباد خود فرضی دهد و حزار ها تجار
 را از سرمایه و رأس المال تهی دست سازد. لذا بانواع
 بزرنگها و شعبه ها اذهان عوام کالاناسم را مقوب
 عوده و بنزل انداخت. و از هر طرف جهت رد
 سندات بانك مردم هجوم آوردند و کار بر بانك سخت
 شد و حشمت و دهعت صرافان و تجار و کسبه را فرو
 گرفت. مرحوم امین الدوله بحسن تدبیر و لطف حیاست
 خانه را رفع کرده دیگر زحم بر این پلنگ نیز دندان
 را ستمکاری بر افراد ملت دانسته حکم خودش
 مفلولا با ردیل برند و در آن نقطه محبوس سازد.
 این کار که بایستی او را بند و اندرزی کامل در ترک
 شرارت و شناعت باشد بیغزود کرد را. چه ذات ناباک
 طبیباً مجبول زشت کاری و بد اخلاق است حتی دو همان
 قطعه عجب نیز از مداخله در سهام دست نمیکشید و
 رشوت را شعار خود ساخته بود و هرچه از اعضاء
 حکومت نیز ترشرونی میدید منفعل نمیداد. چنانکه مکرر
 میرزا عبدالله خان مایب الحکومه بدو پیشنهاد داد که تو
 یکتن محبوس زیاد نیستی و حق تصرف در مطالب
 عاااات نداری باز از شیوة خود کنار نیگرد و مدار
 همیشه خوبشرا از همین راه اداره مینمود. پس از
 کناره جستن مرحوم امین الدوله از صدارت و تصدی
 قوه کاذبه بسبب روابطی که مذکور شد وجود او را
 مدد و معاون خیالات باطله خود دید با اینکه بندگان
 اعلی حضرت ظل الهی خلف الله ملک و سلطانه شرارت و
 طبابت او را دالته طایل استعلاص او نبودند بهر حینه
 که دانست و هر وسیله که توانست افن مرخصی او را
 حاصل نموده مشارالیه بطرف طهران رهسپار شد.

بعد ازین امر دیک طمعش زیاد از پیش بجوش
 آمد شالوده نیروی تازه ریخت که یکباره خانه تجار
 عیارة ایرانی را خراب کند. پس بتقریب چند که مذاکره
 آنها طولی است جعی تجار معتبر را چون جناب. صید
 مرانضوی و انصار التجار و حاجی عبدالرزاق اسکویی
 و غیرهم جمع نموده شطری از منافع شرکت
 پرداخته بکلی خود را کنار و بیغرض جلوه داده تجار

محترم نظر بهصافه و دلسلی و امانت خود بحسب تئین
 بتلقی کرده اشراکتهای خود را با هزار ملاحظه در آن مقام
 شخص مزبور جز یک نفر شریک سمت دیگر نداشت
 مدتی بتوسط جراند و مراسلات مفاد و فوائد این
 شرکت را گوشزد دور و نزدیک کرده در هر شهر
 و ناحیه شعبه باز نموده یک قسمت سرمایه را مخصوص
 راه آستارا و اردبیل ساخت

بعد از آنکه قریب یک ملیون ثروت مردم را جمع
 آوری. نموده یک دفعه پرده از روی کار برداخته
 (مق اضع العیامه تعرفونی) بصرب خانی و هرمزی و بیقاصدی
 و نیز بجهت خان ملت شرکاء محترم را از میدان بدر
 کرده تدریجاً صفت را خالی نمود. بلکه حقوق ایشانرا
 پایمال ساخت و بسایر مردم نیز دیناری از منافع و
 فوائد نداد. چنانکه مطابق اصول نظامنامه شرکت در محرم
 هر سال بلد تفریح محاسب نموده منافع را مشخص کرده
 بساحبان سهام پرداخت و میباید آن در محرم ۱۳۲۷
 بود که اکنون چهارده ماه تعلم از موعد میگذرد و
 دیناری با حدی نداده و شعبه شرکت را نیز در اغلب
 بلاد داخله و خارجه برجیده سر بواپس را بحیب خود
 داخل و وارد نمود. بجلاوه اصل سهام را نیز حیف
 و میل کرده با کمال پرویز بوش جان میفرماید. با اینکه
 مطابق مر قانون و شریت شرکاء حق نسخ و
 ابطال شرکت را دارند مع ذلک در مقام مطالبه جواب
 میدهند که در این شرکت حق نسخ کسی را نیست درست
 قریب دو کروز ثروت ناس را برباد ناگامی و خود فرضی
 داده که شاید نصف یا ثلث او را بحیب خود داخل کند
 و اگر بزرگی از بدنامی بروی عموم تجار و صرافان ایرانی
 نهاد که بسالیان دراز هو نخواهد شد

خداوند انتقام این ملت بیچاره را از اینگونه ستمگران
 بکشد و بدترین عقوبات مبتلا سازد در این ایام تجار
 معتبر در سدد علاج این واقعه برآمده و اجتماع کرده
 بمقام منبع صدارت جلبه عظمی منتظم شده اند تا نتیجه
 چه طاهر شود. این قدر هست که از زمان صدارت
 شاهزاده صدر اعظم قدرت اجراء حیه تازه ندارد و
 امید است شر او از سر ملت رفع کرده. ولی عیب
 کار این است که این عهد در مقابل اموال ناس که
 تلف کرده بضاعت و ثروتی نداده که بتوان از او

استعداد نمود. فقط ملك نافعك دارد نصف سرای امیر است و آن نیز وقتی بشر این دین نیناید حضرت شمیران و باغ حضرت عبدالعظیم هم در عداد ثروت محسوب نمیشود و فرض مشارالیه از داشتن این دو خود نمانی است که واردین نازه بچاره را فریب داده گوش هربك را بطوری ببرد میگویند است هزار تومان از پول شركت در خراسان ملك و مستغلات خریده شده نیدانم خماوند چه وقت ترحم بر ایرانیان خواهد نمود اللهم انظر الينا بين عابتك و لا تأخذنا بسبائنا انك انت الوهاب

مکتوب یکی از فضلاء جلیل

مؤید الاسلام - ايدك الله تعالى في الدارين - اولاً
 محواره اوقات از حضرت احدیت سائل و آمل هستم
 حكه وجود مبارك از كافة آفات و طامات سالم و
 ظم مؤید بتأییدات ربانی و موفق بتوفیقات سبحانی
 باشد بجهت محمد و آله - تا بیا فرض از تصدیق این که
 خدا شاهد حال و گواه این مقال است که جز اظهار
 دعا گویی نسبت بوجود سالی مقصودی ندارم - و
 جز اعلاء کلمة الله و تعظیم شعائر دینی و توقیر
 احترامات علیه منظوری نیست (و کنی بالله شهیداً)
 نیز آنچه که محل شبه نیست بلکه مسلم و معین
 مثل آفتاب طلّاب روش است که امروز در اعلاء کلمة
 دین نامه مبارکه جبل المتین طایفه حیات صاحبان بصیرت
 و اولوالالباب و از بری رعایت حقوق و حدود
 مسلمین امن اسباب است. و بعون الله و بحول الله و قوته
 کلمات مبارکات و بیانات و اقیات کافیات جبل المتین طوری
 امروز قلوب واقیه سلسله مسلمین را بسته و پیوسته
 به یکدیگر کرده که هر کس بهر اندازه و استعداد که در
 طبیعت خود موجود می بیند در فواید و نتایج امور
 لازمه بحال خود و ابناء وطن خویشی خود داری و
 تسامح نمی کند (قد علم کل اناس مشربهم) چرا چنین نباشد
 و حال اینکه می بیند که جناب عالی تمام همت خود را در
 ترویج دین و اجراء احکام حضرت خاتم النبیین صلوة
 الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین و رعایت حقوق و
 صنایع حدود مسلمین مصروف داشته (لمن كان له
 قلب اولی السمع فهو شهید) این است که لاریب مشوق
 و محرک فیهی شامل حال مسلمین شده است که امروزه

برخلاف سابق در اصلاح مقاصد خود حرکت میکنند
 و آنرا قانا در تدارك چاره برمی آیند. و شرف و عزت
 خود را در اتفاق و اتحاد که طایفه زقیات و نجایات مواد
 است میدانند. این نیست مگر بواسطه اطلاع آنها باوضاع
 و کیفیات و شعرات دیگران که در نشئت وجود و عوالم
 شهود بجهت پایه و پایه رسیده اند. و منشاء این اطلاع کامل و
 معدن این احسان شامل همان نامه مقدس مبارکه جبل المتین
 است کلمة طیبة کثیرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء
 خداوند این رشته را منقطع و این فیض را ممنوع
 نفرماید. و این داعی صمیمی مدت متوالیه است
 که بر خود حتم کرده ام که در قرائت نامه مبارکه
 جبل المتین تسامح و تکامل بوزنم و علاوه قدر القوه
 اظهار دعا گویی بنمایم. من جمله طمان حال و زبان
 استعداد در نامه مبارکه بعد از مسلمین عرضه میدارم و
 امیدوارم حقیقه مقدسه نورانیه و کلمه حربه بسیط و سبیه
 وسیع حضرت اقدس محمد بن عبدالله صلی الله علیه و
 آله جلب اتفاق و سبب خالق شود میان ابناء وطن -
 و هریض داعی صمیمی در اذهان و قلوب و اثر و
 مطرح اظهار اخوان دینی باشد

خطابه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم - بسم الله الرحمن الرحيم -
 ای امة مرحومه. ای امة رحمة الله المین. ای گویندگان کلمة
 لاله الا الله محمد رسول الله عظمت و هیبت و قهرمانیت
 و سطوت دین مقدس اسلام را مرعی و منظور دارید. به
 بینید چه پایه و پایه از قوت و قدرت است حكه فی
 حد ذاته و واقعه و نفس امره دو اعلی درجه منانت
 و استعکام و اقوم شرایع و اعدل مذاهب و احسن
 بدایع است. و شارع مقدس و مقنن اقدس بوضی هندسه
 بردازی کرده که خود بخود در صراط ترقی است.
 و اگر چنانچه این امة بقوت دیانت حرکت کنند و مدد
 از حضرت اقدس مهدی (صام) بجویند علم الله تعالی که در
 عده معدوده ترقی خواهند فرمود. ولی باز میگویم
 ای امة مرحومه بیدار و از این پهبوشی هشیار
 شوید چشم را باز کنید ساین را به بینید که چه طور
 حرکت کردند تا اینکه جای خود گرفته (لا اجتماع علی
 باطلهم و لتفرقکم عن حفرکم فوان امره مسلما ملت من
 بعد هذا اسفاً ما كان به ملوما بل كان عند الغلاء جديراً

فرا عجباً عجباً تا کی این امت در ترویج دین خود و
 آیین خویش سست عنصر باشند. یا وجودیکه فطرت هر
 صاحب فطرتی و جیبت هر صاحب جیبت مفلور و
 بیرون ست بر اینکه دینی جامع تر و آئینی نافع تر از
 دیانت سلام بیدار نخواهد شد. چون آسایش هم
 خلق و آوایش اهل علم را کفالت و کفایت میکند و
 مرده را بطرق صلاح هدایت مینماید (ذلک الدین القیم)
 اگر نام خردمندان علم و حکماء بی آدم اتفاق نیاید
 یک قطه و یک نکه خسته نمی تواند صکرت (ان مذا
 القرآن پدی لاق هی اقوم)

گذدن پس از هزار و سیصد و سی و سه سال که
 از دعوت رسول خدا میگردد و هزار و سیصد و پست
 و سه سال از هجرتن جزئیات احکام دین همیشه روز
 بروز ظاهر و باهر میشود که یک نام بخطا ترقی است
 و یک کلمه بهوا ننگته (ما ینطق عن الهوی ان هو الا
 وحی یوحی - علمه شدید القوی - ذومرّة قاسمی)

امروزه الحمد لله تعالی ملل کافره جائزه مکلف
 باجراه و امضاء بعضی از اوامر شریعت شده اند و تمکین
 میکنند و ادعان دارند و عقیده ارباب دانش و پیش و
 بصیرت بر این است که تمام اسباب سرافراری و ترقی که
 برای اجانب و ملل باطله ماطله فاسده کاسده حاصل شده
 از این است که بروحانیت دین مقدس اسلام اطلاع حاصل
 کرده و احکام نزع میں را بطور خوب و دلجوئی بسرقت
 برده و بلسان دیگر بخرج اهل اسلام داده اند (هذه ضاعت
 ودنا لينا) احوال در آفتاب بنتم که یک یک احکام
 قرآنی که سابقین برداشته اند و معمول میانه آنهاست
 ذکر بنامیم. باز برسر مطلب بروم که رشته از دست نرود

ای هد مد سبا بصبا میفرستمت
 بنگر که از کجا بکجا میفرستمت

ولی ما سلسله مقدسه مسلمین که حطان تپاه و این
 قسم روزمان سیاه شده از این است که ملتفت
 دین خود و آیین خویش نیستیم و بیچ وجه من الوجوه
 معنی شرف و نخر و انداز خود را در سایه دین مبین
 نمی فهمیم. علم که اگر امروزه مرجمه دوش بدوش
 یکدیگر حرکت کنند و در هر قطه که باشند بحال
 یکدیگر رسیدگی نمایند و متنق القول و متحد الکلمه باشند
 هم قریب رایت اسلام مرتفع و نورانیه مسلمین در شرفی

و ضرب طلوع مینماید. قوی باز مشروط باینکه دست از
 اتفاق و اتحاد برندارند و آراء خود را با یکدیگر نزدیک
 کنند و افکار را آشنا نمایند و کسانیکه قوت و قدرت
 دارند محض ترقی ابناء وطن بحال بقوتان و بی قدرتان
 رسیدگی نمایند. میزان قدرت و قوت از آیه شریفه
 معلوم خواهد شد از اینکه خدا را منان مردم را
 باطمینان اتفاق و یگانگی امر میفرماید

حسنت اتفاق ملاححت جهان گرفت
 آری باتفاق جهسان می توان گرفت

(اعصموا بحبل الله جمیماً ولا تفرقوا) ای امة
 رحمة للعالمین شما بحبل متین الهی متمسک شوید و تفرق
 نکنید و تشتت نداشته باشید (ولا تنازعوها) با یکدیگر
 نزاع نکنید (تلتفتلوا و تذهب و یحکم) که اگر نزاع کردید
 قوت شما از میانه می رود. هرگاه بی قوت شدید دشمن
 بر شما مسلط میشود.

ای اهل اسلام به بنید خداوندیکه از پدر و مادر
 هفتاد مرتبه بپوران تراست. چه طور دستور العمل
 است مرحومه داده است. میفرماید شما با یکدیگر
 راد، باشید و برابر باشید (اذکنتم اعضاء قاتف بین
 قلوبکم فاصبحتم نعمة اخوة) اساس شریعت مقدسه در
 صد اسلام همین مسئله اتفاق بوده است. هرگاه چنانچه
 امة مرحومه که گنیم خیر امة بمعانوت و یگانگی و اتفاق
 در کله طبیعه توحید حرکت کنند تسلیح قوت و فوائد
 قدرت هم قریب در خود محسوس و مشاهده مینمایند و
 از آن بعد امة پیغمبر آخر الزمان در سانه نیک بختی حرکت
 خواهند کرد و بر این دشمنان قوی بجه ظفر خواهند یافت
 (مرد آخر بین مبارک بنده است)

ولی هرگاه از روی قواعد و قوانینیکه پیغمبر خدا
 برای حفظ نظام و رواج دین و دیانت که قرآن
 کریم باشد. قنار بنمایند و از این کتاب محکم مقنن آسمانی
 مستقیص شوند (حاکماً عدلاً و ناطقاً فضلاً و مهیماً
 علی الکتب)

امیه وارم هر ایص مخلصانه که در این ورقه بحضور مبارک
 معروض داشته ام منظور نظر خدا پرستان و مطرح
 انظار یکتا شناسان باشد و هرگاه چنانچه مصلحت بدانند
 در نامه مبارکه درج نمایند (هذا اعطایاً جامعاً اوامسک
 بظهر حساب - ان هذی القلوب ادهیه و لیلها اوهها)

تجدید همگام موفق شوم تدریجاً مطالب مکتوبه در خاطر
بخورم و غالباً و غلبه معروض دارم (الفانی قدوم
جولت الطیبة الدلیه (لقا بزرگ)

مکتوب از خراسان

(مردم از این باغ بری میرسد)

(تازه تر از تازه تری میرسد)

چندی قبل زبان مسجز بیسان خواسته بود اهل
خراسان را بلکه ارشاد و دلالت براه انسابت فرماید
(هزار آفرین بر نگارنده باد)

(هاره ورا نام خوش زنده باد)

اما افسوس صد هزار افسوس که هموطنان عزیز ما را
چنان بنه غفلت در کوش و در طی بی ماموسی مدعوش
که تصور نمی شود کرد که فرمایشات مطاع مبارک بر
دائیلق دانستن اش فرض است - بتدابیر صحیح در دل
کیمه برادران وطن که از کثرت استعمال افیون و شرب
ترباک بیبجوهه من الوجوه آثار وجود در بی خودان
وجود ندارد مأثر شود - ما وجود این هر آنی و هزاران
شکر گفتنت بر قدر دانان لازم و امیدواریم که از بت
بی عرضانه آن وجود مقدس با که ذره از ذرات وظیفه
وطن پرستی برصوم بی انصافان بخود آورده طلوع فرماید
از آنجاییکه بر قاطبه مسلمین واجب و متحتم است که
هر عیبی در وطن عزیز بینند بحضور مبارک عرضه دارند
هر چند بجمداقه وجود سامی مستغنی از این اخبارات
و حال وطن و وطنیان اطهر من الشمس است

امروز ما زمامت مان سخت بر آخته مردمان
خود ستاد و بی خدا از اعلا و ادنا فکر کلاه برداری
رشته کب از حاکمان منهدم غیرت و ناموس عظمی
مان بکلی منهدم آنا قاناً وضماً تقیر و محتاج بشیریم کار
مان نیست بجز نیرنگسازی و بهم اندازی و بخود بردازی
امروزه نوعان چندند - مفت خور - صدر نشین -

مطلق - بلی گو - و چنین است حال اشخاص که خود را
از امنای آستان قدس دانند و بی خود عزیز بی حبه
فده در مجالس در صدر نشینند و بی چاره مردم را
گمان کنند که خداوند برای تعظیم و خدمت گذاری
آنها خلق مکرده است - و سالی کلی از آستانه
مقدمه که تمام مال فقرا و غربا و ایتم است می بوند
با حکمال راحت زندگانی میفرمایند طایفه دیگر مهر

و ارباب سرود بد تو مار گهر و چود که معروف بخاتم
تراشند و کاسه بر آتش مامل دل مظلوم میخراشند
با ایالت یار غارند از مال مردم بر او منت گذار
خودشان نیز محرمانه رشوت خواریند ظاهراً بملت مظلوم
رئیس و معاون و یار - چون بحکم رسد خانه زاد و
جان نثار شب را در مش دمنند صبح انجام - معروف
غیر مردمند و محترم نام - خدا انصافشان دهد این قبیل
اشخاص را که شهادت تمامی خرابی دولت و ملت زیر
سر این هاست - نوعی این معتبر تجار حرکت و رفتار
میکنند که امرای مملکت با وجودیکه وظیفه آنها و عقیده
عوام الناس تعدی است از تعدی آنها بملت ملولند
اشخاص محترم که هرگز شد لحظه تزویر آموز را بلند
با وجود صغرسین به تدبیر و حیل و قوه حوهریه سفید
و بزمرده دارند و هر بی چاره که بود بالله غافل از
تعظیم و تکریم آنها شده باشد انشب را در ساعت سه
و چهار در حضور ایالت به تدبیریکه شیوه آنهاست
معروض داشته و جز و خدمت گذاری قلم داده فردا
خودشان آن شخص بر چاره را خواسته با کمال
الایمت میگویند - دشب در ارك و حق تو در حضور
حضرت ایالت بعضی مذاکرات بود - هر چند مردم
خیلی استیلا نمود آخر تغییر ندیدم - بی چاره فقیر
هر چه عرض کند که جناب حاجی آقا با جناب
ملا آقا - تقصیرم را چه میگویند سبب چه بود جناب
متغیر شده میگوید مرد که من حرفی که در حضور ایالت
شنیدم تکلیفم نیست بتو بگویم - اگر دشب استعدا
نمیگردد و مهلت نمیگرفتم ده نفر فرانس آمده ترا رسوا
میکردند - چون رعیت و ملت بی چاره فریفته خط و
حال آنها شده از باطنشان غافلند - فوراً بزبان محرز و
الاس عرض میکند - جناب حاجی آقا - دخلم منک غیر از
شما بیاهی ندارم چه باید کرد ؟ میفرمایند حالا در اینجا
باش تا به بینم - آن بی چاره نهادیم در حضور حاجی آن هست
و آن ضروب جناب - ببعو هند برو ما ارك - میفرمایند من
عقیده ام این است که باید چیزی این مرد که داد -
اگر آن بچاره خیلی جسور باشد عرض میکند من چه
کرده ام که چیزی بدیم - فوراً حاجی آقا متغیر شده چند
دشنام هم میزند - که خدمت کور شد و وفق خراب
کاری میکنی منم میخواهم اصلاح نسایم گمان میکنید

و طالبهای شرکت نیست خود پولکیش با اداره شرکت حاضر گشته خواهش تفریح کند و آنچه از نقد و جنس و مطالبات و املاک سهم او نقد متصرف گردد - بدین است که هیئت شرآکتی مهروط پاینده منتهی نیست بلکه همه کس این معنی را دانسته است که نفع و ضرر منوط بحسبیت حضرت داور است نه بسی سرریخته بفر - پس هرکس در موقع تفریح ضروری داشته باشد البته باید متصل شود

هنگذا از قروض اداره با اندازه سهم خود باید قبول کند و بدهد با این تفصیل برای سهولت امر و اطمینان شرکای نظام از طرف رئیس کل توضیح و تصریح شده بود - هرکس طالب تفریح گردد آنچه از بابت قروض سهم او باشد عخصاً قبول میکنم و هرگاه از نقد و جنس و مطالبات و املاک تومانی در تومانی کفر سهم داشت نقد میدهم پس هر شرآکتی که رئیس آن شرکت چنین اطلانی کند و بدون تقه و توفیقه استطاعت ادای تمهد خودش را هم داشته باشد شرکای آن شرکعت باید حیلی غضر و مباحات کنند

اما نهایت تأسف حاصل است که برخی اشخاص ابدأ این ننگارشات و این براهین بخرچشان میبرد بلکه معنی شرآکت را منحصر باین دانسته اند که ماه بماه یا سال بسال ضعی بانها برسد و هر وقت حاجت بوجه نقد داشته سرمایه شرکت را پول میان صندوق فرض کرده قرض بخواهند و در رأس و عده هم مقید بلدای دین نبوده رسانند که ما شرآکت داریم و حال اینکه در خارجه کیانبهای خیلی بزرگ برای اجرای بعضی مقاصد یا برای رفع بعضی اختلافات چندین سال بهرکای خود پایده و منفعت نداده اند و دست آخر کاشف بصل آمده است که سرمایه آن شرکت بتومانی پنجتومان و ده تومان بالغ گشته - مقصود اینکه شرآکت کردن با کیانبهای بزرگ حوصله و ظرفیت لازم داده بملاره باب حوادث و اتفاقات را نمیتوان مسدود پنداشت - بقول منوجهری

(و لیکن اتفاق آسانی)

(کند تدبیر های مرد باطل)

بدین است شرکت هموی بیجوت طالب و باو جنگ روس و ژاپون نبوده و نخواهد بود بیجوتی هم بیل خاطر نمیخواهد با کسی طرف اختلاف واقع گردد و در تشخیص نفع و ضرر تأخیر دست دهد

اما وقتی که با وکلای بلاد پیده اختلاف دستداد و هر کدام

مدعی صحت قول و فعل خود بودند چه میتوان کرد تا اینکه فعلاً بین اداره مرکزیه و چند نفر از وکلا اختلاف

فلی دست داده و دودار اختلافه مشغول رسیدگی هستند - پس

تا حساب حضرات دمرورج و مشخص نشود اداره مرکزیه نمیتواند حساب تحقیقی بدهد - از همه گذشته جزء اعظم مقصود

در ایجاد و انعقاد هر شرآکتی زیاد شدن سرمایه و آکرت

نمیجه و قایده است - در فصل اول کتابچه اصول این شرکت

هم فریب باین مضمون نصریج شده است که این شرکت ملزم بشکل مخصوص نیست بلکه با اقتضای وقت کار خواهد کرد و

در هر موقع هر چه صلاح داند مشغول بار خواهد گشت

امم از اینکه داد و ستد صدی باشد یا جنسی یا راه سازی

با ایجاد کارخانجات - پس وقتی که امنای این شرکت اشقام و

اتعم طریق مظهر را که مابه نیکنای دولت و ملت است اعظم

مقاصد فرض کرده باشند و همینطور هم باشد کسی نمیتواند

بر فعل آنها اعتراض کند

که مردم نوکر بدرون یا بدر شباند - جینیم نباید بگیرند دیگر بمن دلی ندارد - خودت میدانی - بی چاره خود استدا میکند جناب از برای رضای خدا - باری آخر الامر جناب خالی می رود هر چه بگیر و هر چه بدهد خود داند و خدای خود - (باقی دارد)

نقل اعلان

اداره شرکت عمومی ایران

بموم شرکای محرم اعلان میشود که از ابتدای انعقاد این شرکت برای امنای اداره آن بوده و این است که نفع و ضرر هر سال را معلوم و مشخص کرده تمام شرکاء اطلاع دهند - که اینک منافع سال اول و دوم اعلان شد و سهم هر کس را کلاسوازی داشته قبض دریافت نمودند - و چون برخی از شرکاء تصورشان این شده بود که هرگاه شرکعت هموی در روز آخر سال نفع و ضرر یکساله را اطلاع ندهد بوظیفه و تکلیف خود عمل نموده است - در اعلان منافع سال نئی توضیح گشت که این اداره نمی تواند منافع تخمینی - من سکنند - ناچار باید تشخیص نفع و ضررش تحقیق باشد وکلای ولایات هم که نمیتوانند قبل از وقت محاسبه اوقات نیامده سرتب سازند پس بحکم قاعده در آخر سال باید شروع بشخص نفع و ضرر کنند و چون هر کدام با چندین ولایت طرف ارسال و رسول داد و ستد هستند و همه باید با هم دیگر تفریح محاسبه نموده بمرکز اطلاع دهند چنانچه شرکت هموی تا شش ماه از سال گذشته بتواند محاسبه تحقیقی بدهد هنر کرده است

معهد آن اعلان و آن توضیحات بخرج اشخاص هم حوصله ثوفت و تصور کردند که هرگاه در تشخیص محاسبه تأخیر دست دهد دنیا آخر خواهد شد - و حال اینکه ممکن است گاهی از اوقات بواسطه بعضی اتفاقات در محاسبه تحقیقی پیش از متعارف تأخیر حاصل شود

مثل اینکه ویای هموی همه السنه کار اکثر معاملات و محاسبات

را مدتها تأخیر انداخته - هنگام دعوی روس و ژاپون با اندازه

سبب افشاش تجارت ایران گردید که چندین کیانی معتبر دچار

تضررات و خسارات گشتند با این تفصیل از تخلفات خداوندی

و توجهات اعلی حضرت قوی شوکت همیولی ارواحنا فداء باین

اداره ضرر و حسرتی متوجه نگردید - و با اینکه بعضی

وکلاء و شرکای بن شرآت بطوریه باید و شاید حدود امانت

و دستکاری را رعایت نموده بودند و از طرف اداره

مرکزه ترتیبشان تنبیر یافت -

حالت حالیه این اداره و است که از طرف رئیس کل

بشرکای عظام اعلام شد که شأن شرآکت بفریح است یا بها -

پس هرکس اعال و اعمال امنای این اداره را صحیح میدانند

و مایل بقای شرآکت است باید اتصالاً مطالبه حساب نکنند و

مستفسر تشخیص نفع و ضرر نشود و هر وقت در صلاح حال

این اداره مطلبی بخواهرش رسید و اظهار داشت و با خیال

او همکاری نموده سرمایه برد و استراض بر نیاید - هنگام اگر

وجبی قریب بود - و ... و ... و ... و ... و ... و ...

مثل سایر شرکاء منتظر باشد تا وقتی که از طرف اداره شرکت

اعلان تشخیص نفع و ضرر برسد و هرگاه اطمینانی ندارد

قانونی و اساسی خارج است - لیکن اگر واقفاً مایل به فروش باشد و بین خودشان بکم و زیاد قیمت راضی شوند هم کس مایل خرید نخواهد بود - کما اینکه فلاح همول و متداول است دیگر اینکه بعضی از شرکاء از وکلای ولایات میخواهند قرض کرده اند همینکه در رأس موعد مطالبه شده است جواب دادند که ورقة شرکاء داریم و ابدأ ملتفت نشده اند که شرکاء چشمه ایست طبعاً و پول قرض کردن مطلبی است جداگانه - عجب تر آنکه گاهی از اوقات از اشخاصی این مسائل بروز میکند که هیچکس از آن اشخاص این انتظار را ندارد - اعجب از آن این است که برخی از وکلاء اظهار می کنند که فلان شخص فلان قدر ورقة سهام دارد و جیش را تقد می خواهد یا خیال دارد بابت قرض خود محسوب کند چه میفرمائید - و هنوز این مردم بین شرکاء و قبض و اقبالی مطالبه فرق نگذاشته اند و همین واسطه بین خودشان اظهار می کنند که از مضمون اوراق سهام فلان معنی را استنباط کرده بودیم و این تصور را نمیکند که فهم فلان آدم خاصه در مورد بیکه مخالف واقع باشد برای قومی حجة نخواهد بود مضمون اوراق هم بحد نرانسوی و انگلیسی نیست که کسی بگوید نخواهد بود پس اگر کسی از کلستان سندی علیه الرحمه معنی دعای حکمیل استنباط کرده باشد استنباط او برای احدی نیست

بالجمله اشخاصیکه سینه زدن هنوز را دیده اند میدانند که وضع شان منظم نیست یکی حسن می گوید یکی حسین یکی محمد یکی علی حالت بعضی از شرکاء هم با امنای این اداره تقریباً مشابحت بسینه زدن هنوز دارد و از هر دهان آوازی خارج میشود یکی قرض میخواهد یکی منافع میطلبد یکی قرض می رسد یکی راه نمائی می کند یکی اعتراضات دیگر دارد - مثلاً بعضی از مستضعفین در جام از استاد - امنای - منظر میشوند که از شرکت عمومی چه میشوند او هم بدون اسم این اسم بکوشش خورده باشد جوابی میدهد اگر جواب او دلالت بر ضعف شرکت عمومی داشت شریک بیچاره تا یک هفته پریشان است و مهوم و هرگاه دلالت بر قوت شرکت داشت نامتی فرسنگ است و مسرور و حال اینکه هیچکدام مدوک و مأخذ نداشته است

لذا مان شرکاء مستضعف با قلت حوصله و کثرت عجز اتصالاً اظهار می کنند که چرا فلان راه را نمیکنید یا فلان کارخانه را نمی آورید و نمیدانند که اوقات امنای این اداره باید صرف کار خود و بحال خود باشند - با همه این تفصیلات امیدواریم سکه با فضل خداوندی و صلاح خاصه ملوکانه ارواحنا مداه و توجهات اولیای دولت ابد مدت قاهره هم قریب طوری صحت این شرکت واضح و لایح گردد و نوعی محسنات و اعتبارات این اداره بروز کنند که برای احدی شبهه و تردید باقی نماند - و اشخاصیکه تاکنون برضه این اداره قدم زده اند از حرکات خود نادم و پشیمان گشته یقین حاصل کنند که حفظ شرف و اعتبار این اداره بر قاطبه اهل ایران بلکه بر کافه ملت اسلام واجب است - قطع استعدای این اداره از بعضی شرکای کم حوصله آنست که قدری حوصله و ظرفیت بکار برده از عجز و هتاه احترام و اجتناب ورزند و قاطع باشند که اهتمام امنای اداره در جلب منافع و رفاه معایب و تشخیص طع و ضرر هزار درجه از بخله آسمان زیاد تر است

در بدو امر احدی از شرکاء عظام تصور نمینمود سکه طریق مظفری این مقدار خارج خواهد داشت لیکن برود بام معلوم و مشخص گردد که آنچه از بابت خارج این کار تصور شده بود نسبت بآنچه تا کنون خرج شده و بعد ها باید بشود مستمک بوده است - اما از برصکت اثنا اظهار علیهم السلام و از این سراج و الطاف خسروانه ارواحنا مداه خواهد و نتایج طریق مظفری نیز همین نسبت را دارد - و امیدوار هستیم که در مقابل این همه زحمات و مخارج با اندازه طریق مظفری فواید و نتایج حاصل گردد که فوق تصور هم کس باشد - حاصل کلام اینکه برای هر کجائی بت هدیه امر مهمی دست دهد بحکم عقل نمیتواند معطل و معوق گذاشته و چه نرساند که فلان شریک محتاج بقرض شده است یا برای مخارج یومیه انتظار منافع دارد

از قرارداد مدودی از شرکاء را قان این بوده است که طریق مظفری رسیده است جداگانه و منافع آن ربطی شرکت عمومی نخواهد داشت - راست است طریق مظفری شصت جداگانه است لیکن از آنجا که اکثر سهام آن را خود شرکت قبول نموده و عمده مخارجی که شده است اداره شرکت رسانده بر حسب نسبت منافع آتی بین عموم شرکاء تقسیم خواهد شد

خلاصه مقصود اینکه بموازات و امانت شرکت عمومی پیش از تصور دوست و دشمن مباهی و مفتخر است - اما بحکمات سرزبوره او بابت تشخیص منافع سال سیم از اعلان محاسبه تحقیقی محذرت میخواهد - و توفیق که چند فقره محاسبه و کلاه مفروغ و اختلاقی که با آنهاست مشخص نشود نمیتواند حساب تحقیقی بدهد - علی کل حال شایسته این بود که شرکاء عظام تا وقتی که کار طریق مظفری با انجام نرسیده است در باب منافع اصرار و ابرام نداشته باشند - ولی چون بعضی از شرکاء ضعیف انبیه هستند و چشمتان بمنافع سهام است قرار بر این شد که هر کس این حال را دارد و نمیتواند تا موقع محاسبه تحقیقی صبر کند - برسم علی الحساب از بابت سال سیم از قرار تومانی صد دینار در ماه قبض داده دریافت دارد - تا اثناء اعلان محاسبه تحقیقی بطبع رسیده منتشر گردد یکی از مسائل دانستی - هم که باید در این اعلان درج شود آن است - که مدودی از شرکاء اوراق سهام شرکت را قبض و اقبالی مطالبه پنداشته و وقت محتاج بوجه نقد می شوند یا بتول فلان عطار یا عارف صنعی برای این اداره تصور میکنند اظهار میدارند سکه اوراق ما را گرفته وجه نقد بدهید - و ملتفت این نکته نیستند که سرمایه شرکاء نمیتوان در صنادیق اداره نگاه داشت بلکه باید در کار باشد والا پولیکه بکار نیندازند چگونه قایم میدهد - هکذا اگر پول در صندوق بماند طریق مظفری از بجا با تمام میرسد - هکذا یک تومان سرمایه دو تومان چرا میشود هکذا - و هکذا - وقتی که از دقایق مطلب مطلع میشوند میگورند در فصل دهم کتابچه نوشته شده است که هر کس مایل تفریح باشد به از تشخیص محاسبه حق خواهد داشت که تفریح کرده سهم خود را دریافت دارد - و کانی کنند که سهم شرکاء باید وجه نقد باشد - در موقعی هم که اعلان میشود هر کس طالب تفریح گردد اگر تومانی دو تومان کمتر سهم داشت شصت آن را رئیس اداره تمه خواهد داد میگورند اگر چنین است سهم ما را قبول کرده تومانی پانزده هزار یا کمتر نقد بدهید و کتر کسی ملتفت میشود که این تکالیف از وظایف تکالیفهای

(۱۹ ربیع الاول - ۲۴ ی)

امیرالبحر (یرلین) گویا سردار تمام قوای بحری روس بر جمیع جہازات (ولادیوستک) و بالٹیک شدہ است

وقایع نگار (دیلی تلگراف) از (تویو) مینویسد کہ راہ آس (ولادیوستک) را قطع نموده و شہر ر جدا ساختہ گویا در حالت محاصرہ گذاشتہ اند

وقایع نگاران اخبارات انگلیسی مینویسند کہ جہاز فوٹ امیرالبحر (روزبوتسکی) انتشار یافتہ ولی تاکنون این خبر سمت رسمیت پیدا نکرده است

ڈا در دارالشورای ملی انگلستان (سرہنری کپل برمن) تحریک نمود سکہ دربارہ اختلافیکہ دیشب ؛ مسٹر (بالفور) شدہ شی را مخصوصی نمایند کہ رأی عمومی از اہلی گرفته شود۔ مسٹر (بالفور) جواب داد کہ ویرا در این غوغا و طوفان بی تیزی هیچگونہ تصبر نبوده دو نفر از وزراء خواستند درین موقع جواب دهند اعضای شوری معکسر برخلاف آن

سخن رانہ نگذاردند کلام خود را تمام نمایند۔ ولی (سرہنری کپل برمن) در قطع تقریر آنها ابداً کوشش نمود۔ و درمادہ گرفتن رأی از اہالی راضی است۔ مشروط بر اینکہ هنگامہ برآ شود و طوفان بی غیرتی بر نخیزد۔ ولی طاقت این رأی نیز مسلم نشد

عہدنامہ جدید افغانستان قطع عینی برہ فصل است اول۔ آنکہ امیرا دولت انگلیس بدین قسم مخاطب دارد۔ اعلیحضرت بادشاہ مستقل مملکت افغانستان دوم۔ عالیحضرت امیر وعہدہ نموده اند سکہ مطابق العمل مانعل پیروی از معاہدات والد ماجد خود امیر متوفی کہ با دولت انگلیس نموده بہ ناید و بویج وجہ انحراف از مواد آن عہدنامجات نخواہد نمود

سوم۔ (مسٹر دین) از جانب حکومت هند مقرر باشد کہ نگرانی نماید از امیر در پیروی و پای بندی از شروط و معاہداتیکہ با دولت انگلیس نموده است روزنامہ طمس اعتراض نموده مینویسد کہ مقصود از فرستادن این ہیئت کیسیون این بود کہ امیر از جمیع نمون آلات حربیہ بازداشت شود۔ و برخی از ممالک و طوائف سرحدیہ را از افغانستان موضوع دادند۔ افسوس کہ این کیسیون معینک از این دو شرط اعظمرا انجام نداد

جبل المتین

ما صلاً باطلاات خارجیہ کہ از وضع سلوک امانہ حرکت عمومی کہ با لفظ جمع معنی وامد دارد کارندایم۔ دو عنوان این اعلان ہر یک از مبصرین وصاحبان دوایت غور وتأمل نمایند جز لفاظی و سر ہم بندی و پی گم کردن و مبہم گذاشتن مروریزی نموده مہمید۔ اگر مدبر شرکت میدانست سکہ آخر سال حساب دادن دشوار است چرا ہوا در قانون نگاشت۔ و اگر ممکن نبود چگونہ دو سال اول حساب داد۔ و حال آنکہ کار ہای شرکت دو دو سالہ اول پیش از سال سوم بود۔

مدبر شرکت کہ هنوز محض اطمینان مردم بلفظ امانہ یاد می شود اگر عمدا بدون تعیین مصالح حقیقی طریق مطرفی اقدام بہ تسیر نمود کاری بصحت نکرده۔ و ہر گاہ بدون علم و تحقیق مہندسین کامں آغاز شد جہالت ورزیدہ درہر دو صورت شرکا را چگونہ اطمینان باقی تواند ماند گذشتہ اوس وقتی کہ اعلان انعقاد شرکت عمومی شد ہلی ندی آسانی در ترقیات وطن دانستہ باطمینان امانی آرزو کہ ہمہ ر تجر محترم صادق بودند شرکت کردند۔ جہت چہ شد کہ جمیع امانی محترم کہ مؤسس این اساس خیر شناختہ می شدہ پای خود را کنار کشیدہ جمیع کارہا راجع بشخص واحد شد۔ مدبر اولیہ شرکت کہ چشم جمیع شرکا بدو روشن بود بکدام مناسبت خارج گردید۔ شرکت و ثباتی را بہ خود رانی و استبداد بعدالمشرقین است۔ ہر گاہ بہ ہمراہیم خطوط و شکایات تجار محترم متوق و شرکای با بصیرت بی فرض را دربارہ این شرکت کہ از یکسال و نیم است بدارہ رسیدہ بنویسم رسالہ می شود

ہمارہ رأی ما این بودہ و هست سکہ شرکت و کپانی ملی مفید بحال ملک و ملت است و برپادی آنها را ہرگز خواہان نبودہ ایم و حال نیز عقیدہ ما این است کہ البتہ شرکت عمومی را باید رقرار داشت بہ تبدیل مدبر و وضع تقاض دیگر او تا آئینہ اسباب بی عنباری این شرکت شدہ رفع گشتہ و مانند کپانی فارس در نزدہام و خاص محترم و منبر شناختہ شدہ شامدہ اش را مستحکم و ربتہ استبداد را اروی برکنند ما صلاً رای خود ما را در بارہ قوام و استحکام این شرکت محفوظ داشتہ از موثقیں و مشرکین این شرکت خواہش داریم کہ امور و خیمہ گذشتہ این شرکت را کشف نموده و در رفع مایب آن آراء خود را ظاہر دارند۔ روزنامہ جبل المتین کہ خادم حقیقی ملک و مات است تحت در این موضوع را اعظم و ایض خود می شمارد

بقیہ تلکرافات

(۱۵ ربیع الاول - ۲۳ ی)

سپہسالار اول قشون منچوریا جنرل (لینویج) خبر میدہد کہ بتاريخ (۲۰) قشون روس (شاہوتش) را منصرف۔ و دستہ دیگر از قشون ما ژاپونیسان را مجبور بخلبہ (چتوفو) نمود۔ و ژاپونیا را بتاريخ ۱۷ بجانب جنوب عقب نہانیدند۔ و ہر دو دستہ قشون ما بتاريخ ۲۰ بجانب جنوب پیشقدمی نمود

§ امیرالبحر (پولیف) دیروز بجانب (ولادیوستک) رهسپار گردید

§ مخبر (روتز) از (شنکائی) خبر میدهد که پنج جہاز والتیر روس با سه جہاز ذغالین از دریای (باسنک) عبور نمود

§ مخبر (روتز) از (توکبو) خبر میدهد که (کامورا) وزیر ژاپون در انجمن (کلیرلگ) نطق داده ضمناً اظهار داشته است که از جنگ موحوده هنوز خیلی باقی است. ولی بعد از ختم جنگ که مدت طولانی درکار دارد تجارت ژاپون را ترقیات فوق العاده حاصل خواهد آمد. چه در آنوقت بر قلوب عامه اعتبار ژاپون قش خواهد بست

§ دیشب در دارالشورای ملی انگلستان میانه مستر (بلفور) صدر اعظم و (سرهنری کبیل برمن) مناقشه زیاد شده طاقت خواستند آراء عمومی را هر يك در حقانیت خود حاج نمایند. صدر اعظم و صوف ازین امر پلوتی کرده گفت (سرهنری کبیل برمن) باید ذمه داری از واقعات یوم دو شنبه باید. و تاوقتیکه قبول ذمه داری نکند حاج آراء عمومی بیفایده است (سرهنری) اظهار داشت که بی ذمه داری را قبول نمیکم ولی هیچگونه هنری در تقریر او وسائر وزراء ندارم. طاقت شایسته ام شهر جاری برای حل آراء عمومی مقرر گردید

§ در (وارسا) دیروز نیز یهودیان بلوی نموده تاکنون هشت نفر مقتول و یکصد فر مجروح شده اند. بلوای سخت رشید است و بلوایان کارد و طباخچه نگار برده پابس با کمال آراستی به تماشای مشغول بود

§ شاهزاده (اوسوگاو) در مابیس باجمن ژاپونیان دعوت شده در حینیکه خواست سلام بخت رئیس جمهوری فرانس (مسیلوله) را بنوشد اظهار داشت که من امیدوارم دوستی فرانس و ژاپون همه روزه در تزايد و ترقی باشد

§ مخبر (روتز) از (شنکائی) خبر میدهد که حمله جہاز بالتیک دیشب در جزیره (سیدل) که در ساحل چین واقع و بین (قارموزه - وکوریای) است لنگر انداخته بودند

جنرال (لینویچ) خبر میدهد جنرال (سپنکوف) با کمال تهور بر ژاپونیان حمله نموده تا مسافت بیست و سیم تاگرافشان را قطع کرده و هفت کالیبر ذخایر

§ جنرال (تولین) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که تصفیه اشیا ممنوعه جنگ بقاعده شده چرا که بقیه را از ممنوعات جنگ بشمار آورده دولت انگلیس را لازم است که بملاحظه حفظ فوائد خویش اختلاف درین موضوع بنماید

§ مناقشه دولتین عثمانی و رومانیای رفع و حکم بطرف رومانیای داده شد

(۱۹ ربيع الاول - ۲۵ می)

§ مخبر (روتز) خبر میدهد که قشون جنرال (ریناکوف) پس از اینکه حمله شدیدی بر ژاپونیان نمود نقصان زیاد دیده منتشر گردید. اداره انتشار اخبارات روس این خبر را منع از اشاعت نموده حالات تفصیل آن معلوم نیست

§ مخبر (روتز) از (میلا) خبر میدهد که رسا از طعرات (ویجن) خبر رسیده که بجای جہاز روس درکنار جزایر (بانان) در یکصد و بیست میل شرقی (قارموزه) دیده شده است

§ حکومت بادکوبه را با مهمان او دیشب بذریعه نارنجک قتل رسانیده رئیس پلیس بادکوبه به را نیز شاربجکی مجروح کرده اند. ملزم فرار کرده گرفتار نشده است

§ دیشب در (وارسا) یهودیان بلوای و شورش نموده ۲۰ نفرشان مقتول و مجروح گردیده اند

§ وزیر جمهوری (اوهیو) در مجلس شورای (کولبس) بیان نموده که دولت آنازونی در براعتدالپسای شرق طلبته دخل نخواهد داد. چراکه جزیره (فلیدان) در قبضه اوست و تا زمانه دراز اراده تصرف آن را دارد و نیز در ممالک چین تجارتش بسیار و حفظ تجارت را لازم می داند

§ (ارل روسی) درباره اعتراض کرنل (زاین) جواب داد. تاوقتیکه در عدالت جنگی روس بقیه از موانع جنگ تسلیم نشود هیچ گونه اعتراض نمیتوانیم نمود و جواب نمیتوان داد

§ (اریسواگاو) یکی از شاهزادگان ژاپون در پاریس وارد شده امالی فرانسه منتهای توقیر و مهمان نوازی را از او نموند

§ دیشب اجزای حکومت در خودی نیران بلوای (وارسا) اقدام کرده بقوه جبریه بلوایشان را آرام نمودند. تا اندازه امتیث برقرار ولی خوف آتیه نیز در پیش است. حکومت قانون فوجی را در شهر جاری داشته شش هزار لشکر مهیا ساخته است

§ مستر برادرک وزیر هند دبروز در مجلس شوری بموجب سؤالی اظهار داشت که امیر عبدالرحمن خان هماره خود را پادشاه خوانده این لقب را بر خویش استعمال مینمورد. ولی بواسطه عهد نامجات افغانستان نمی تواند روابط خارجی خود را با دول سازه جاری دارد.

§ مخبر روتر از (نگاسکی) خبر میدهد که سه جهاز انگلیسی که بجانب هنگانگ حمل ذفال می نمودند رسماً از طرف حکومت ممنوع شده معطل گردیدند

§ بموجب تلگرافیکه از هنگانگ رسیده صبح چهار شبه از جانب جنوب شرقی جزیره (جوسن) تمام جهازات (بالتیک) گذشته و بجانب شمال مغرب رهسپارند. در چهل و پنج جهاز ۲۲ جهازات جنگی بوده است (۲۴ ربيع الاول - ۲۸ می)

§ مخبر (روتر) از (توکيو) خبر میدهد که جهازات (بالتیک) و کشتیهای ژاپون مقابل یکدیگر شده اند از اخبارات بحری ظاهر می شود که چهار جهاز زره پوش روس بیست و پنجم از جزائر (کریل) بجانب مغرب رهسپار گردیدند معلوم می شود که مقدمه جهازات امیرالبحر (وزیونسکی) بوده است

§ مخبر (روتر) از (شنگائی) خبر میدهد که پنج جهاز جنگی و سه کروژائر و هفت موشک شکن در آبهای (سوشیا) دیده شده که عبور می نمودند

§ مخبر (روتر) در پتوسبرگ بموجب تلگرافیکه از (جنوو) باو رسیده خبر میدهد که قونسل ژاپون محرمانه خبر رسیده که يك حصه بزرگ جهازات (بالتیک) را در آبهای کوریا جهازات ژاپون مشغول داشته اند

§ تلگراف (راشکنن) بموجب تلگرافی که از قونسل امریکا از (نگاسکی) رسیده ظاهر میدارد که ژاپنیان يك جهاز بزرگ جنگی و چهار جهاز زره پوش روس و يك جهازیکه برای مرمت جهازات دیگر بود در آبهای (کوریا) ضریق نموده اند

سیورسات آنان را غنیمت برد. در جنوب (توکم) برجیکه ژاپونسان که خیلی محکم بوده حمله کرده دو دست قشون ژاپون را منتشر و يك دسته که دو دست و سی چهار نفر بودند اسیر نمود و دو توپهای هائینه دار را نیز غنیمت گرفته اند

§ وقایع نگار (استدرد) از شنکائی خبر میدهد که کشتی (دیون - واسمولنگ) بسیاری از جهازات والتیر را بجانب (اوسونک) برده. مبصرین را عقیده این است که جهازات (بالتیک) که قبلاً قابل جنگ میشدند و بیان نموده که مرض امیرالبحر (روزویوسکی) مقرون بصحت میباشد

§ حکومت (شنکائی) قونسل روس اعتراض نموده که جهازات جنگی در (سیدل) نباید لنگر اندازد و در هرصه ۲۴ ساعت باید جزیره مزبور را خالی نماید (۲۲ ربيع الاول - ۲۷ می)

§ بموجب خبریکه از پتوسبرگ رسیده در (کامچنکا) شرقی (سایبریا) و مضائق (آمور) قحط شدید پایان است. بواسطه جنگ درین نواح ماکولات دستیاب نمی شود

§ مخبر (روتر) از (شنکائی) خبر میدهد که جهازات بالتیک از جزیره (سیدل) دیشب حرکت نمودند § وقایع نگار طلسم از (پتوسبرگ) مینویسد که دولت روس سلطنت چین را اطلاع داده که اراده دارد از (مکرایا) لشکر گذرانیده اردوی خود را از محاصره ژاپون محفوظ دارد. این خبر سفرای دول سازه را مشوش ساخته. چنان تصور میکنند که دولت روس اراده دارد باز برعکس چین حمله نموده قبضه نماید. و این حرکت در معنی تقسیم مملکت آسمان را بدول سازه پیش می نماید

§ مخبر (روتر) از (توکيو) خبر میدهد که امیرالبحر (روزویوسکی) از (شوشیمه) حرکت نموده و این امر نیز ظاهر شده که امیرالبحر (توگو) سر راه وی بسته مشغولش داشته است

§ تا کنون تنور بلوای (وارسا) گرم است هزاران عسارت برپا شده. فرقه عیسویان بومی نیز شریک بلوای شده خوف آنست که در (لاز) نیز نیران بلوای زبانه کشد